

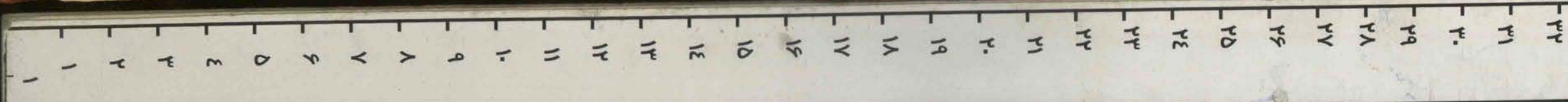
1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
25
26
27
28
29
30
31
32
33
34
35
36
37
38
39
40
41
42
43
44
45
46
47
48
49
50
51
52
53
54
55
56
57
58
59
60
61
62
63
64
65
66
67
68
69
70
71
72
73
74
75
76
77
78
79
80
81
82
83
84
85
86
87
88
89
90
91
92
93
94
95
96
97
98
99
100

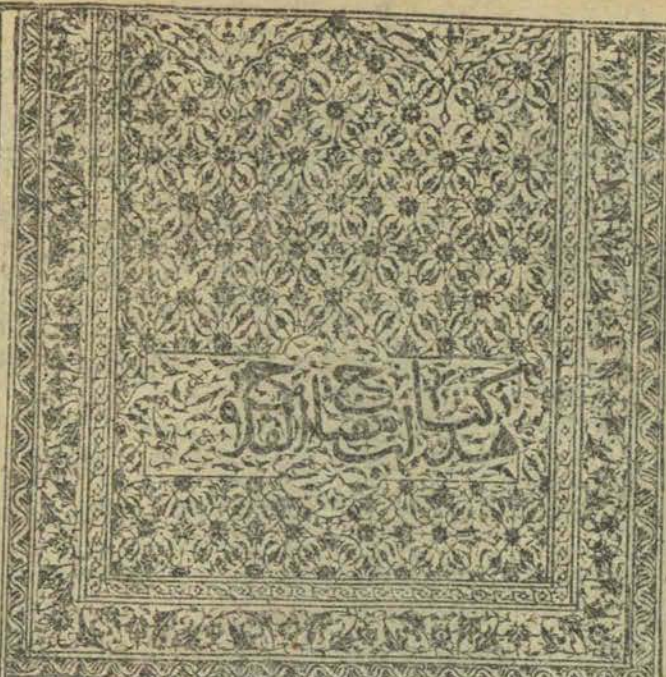
حرم الله تعالى الشريف
 محمد رضا آغا
 محمد و خاطر صفا آغا
 و بصیرت صیقل دار که کما فیض القلاد
 کما زان البقاع علامه و در امر و حیدر و فوید
 عصرا ناصر الملک و الدین شیخ بهاء رَحِمَهُ اللهُ عَلَیْهِ
 مینامند و بواسطه این که این کتاب منظور نظر طایفه عالم
 امکان و ولی حضرت سبحان و امام العصر و الزمان
 شده است لهذا بسیار از او است که کاف خلق در
 آن عجب و از کار یکدیگر در او در جست و جوی طبع
 در ساعات لیل و نهار و آشنایان
 بامید و رجاء آنکه از بندگانش
 حضرت و احب الوجود
 بجز آنکه در وقت و فوید

۴۱۸۹۶



کتابخانه مجلس شورای ملی
 ۱۳۷۸
 ۱۵
 فروردین





کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم

مفتاح فلان دنیا و عقبی و مفید به نجات اخرا و اولی حمد و ثنای باو که کبریای
که همیشه که دعا را کلید خواندن و فیض و احسان و مفاتیح ابواب طول و اهل بنان خسته
در هر که در کتب بنان شب زنده داری عبادت مصباح دعا و افروخت
صیغ اجابتش پیش از صبح دمید و هر که در زاویه اطاعتش بمناجات صبح گاهی برخواست
تعمین چهره مضمود و خوش بیدار و صحیفه اعمال ذاعیان در نگاهش با بران
امان از چپ و راست در پرواز و سمات اجابت سائلان با رکاه مشرف و لایح
در آغاز و چه بگوید پیش گری و جملش آه سر که کاران خرم خرم و زد
و عصیان و زهر سوزد که بدست کبری تقوی پیش نه روی مظلومان صلح جوش
و خندان برم خورد و بخوندن با نایه اگر کسی صد طلب بر کسی نشاند
و بیك اشاره حرب اگر بنیاد کرده سنگ کاران باب رساند و سبغی را اثری نیست
که با ضربت آن جوش راوری سوزند صد و جوش را بوی می بخرد بیدار که سبغی



کتابخانه

بان کرندی رسانند در سفاک منبج اعلا و درین علوی مصر بر افامه مقام ضوالفنا
جید که در اینده در حفظ ارباب باهمن بفرمانی و اسامی سید سید
احسن در شالی شانه و عظم امتنان و وسیله وصول مطالب داین و زوجه
حصول مفاصله نشان صیله و درود بر رسول واجب الشکر بر است که خیز
مزین بهجد و رفعتش من فستک و اولین پایه فریب و منزلتش کاب و فوسر او اد
طایر بلند پرواز و صفیر و اشبان بر شاخ سده المنه می کبک خوش حرام
نفتش را میدان و لسوف تطیبک رب و نوصی بر که دیدن اقبال کبر
دعا و اجابت فریض کالتقس از انجور و فرو نشستن اثر که فارسی در شب میلاد
سعادت بنیادش کالتا و علی علم شمع حبیبنا در کف بحر نما یکی از معجزات
ظاهر اثر که بیکران که زبانه از ریلک بنایان است و ملازمت ارباب فرقی
فرقی ان سبکی از اوقات باهر ما ش که در ان افران از وقت از فطرات با دان شکستن
طاق کسری هنگام طلوع که کب سعادت اقرار بر عهدی نه لای بود ظاهر و شاکان بد
منیر که باشاره سر انگشت بحر نما پیش مانند اذتاب تابان مشاهده شد و در
رفق اب دریا و در شب میلاد محبت نیز آمده می بود و لایح از معجزات صفا
که از سر چشمه بدو بیضا ش زنون از محیط و عمان روان کردید و روح الهمین
که سر خیل در درختان است اگر سعادت ملازمتش بیالد چه عجیب بر هیاله طاره
خدمت اوست و سلاطین که مسجود نماید که بیانش اگر شرف انسانیش
بناز چه شکفت از خال بر داشته نشینت دارد و درود شفاعت کزین کتاب
برایستان چنان سراسر که فروخت که دعوی غیبتش در محک فضا ببول بر سید
و در روز و جوان عدالتش عبادت صد ساله بولای ال الهی از ش که فرض نمود
که جزای ان شهید دوام مقصد و سلاسل بگردید و صلوات الله علیه علیهم
اجمعین امیوم الدین بر برای خطابن نمای هر شمنند
کرمین که بر تو هدایت اقبال بر زبان و هر چه خضر عنایت شیبانی کبر چشمه جوان شین





و ابقان نبی برده حال مشاهده حقایق اشبار کجای در اینه سکندری ظهور و جلوه
 یافته اند و محقق مخفی نغز اصد بود که علت غایب و غرض اصلی از ابداع انسان
 و اختراع این زنده بنیاد از کان و خلاصه از و واجات عالم امکان بروی آن عزیزی و ماه
 خَلَقْتُ الْحَيَّ مِنَ الْاَرْتِثِ الْاَلْبَعْبُدُونَ و مواظبت بر طاعات و اشتغال بعبادت است
 تا آنکه هر کس در خور استعداد و قابلیت که بسبب آنها اکتساب نماید و
 بازی استحقاق و اهلیت که آنها اقتباس نماید و سزاوار رحمت بی منها و
 مسخری آنهاست و لا یتدو لا یتدو و لا یتدو که در هر شبهه خود در جرات حدن بعضیها
 فوق بعضی را گویند و چون از کتب معتبره در این باب کتاب مفید الفلاح که
 شیخ محقق و غیر بر مدتی و وجد زنده و علامه او اند و الشیخ بنیاد الملت و الدین
 محمد الغاملی و عامله الله بالطفه الحقی و الجملی در صلاوات و اوعیه شبانه روزی
 کتابیست بلیل الصمد و عزیز المثال و عظیم الشان و عدم المثال و فیه
 طریقیست و معروف بر فایده نوصیفان نارس و جامع طویل الدلیل و الفاظ ویر
 ترجمان کوناه و شیخ محقق کل سطر مندرج در حق و فی کل سطر منه عقد من
 لکن چون بزبان عربی بهشت خیر یافته و جمیع کلمات فارسی مانوس و مالوف
 بوده باشد از آن چندان تمتع و بهره متبر نیست و بخاطر فارسی بنده محتاج به
 تباری و حال آنکه محمد بن حسین خوانساری رسیده که از زبان فارسی ترجمه
 نماید و تا همگی طراکب اتمام از خواص و عوام از آن محظوظ و بهره مند گردند
 بنابراین اقدام بر آن نموده و ماخذه کلام شیخ بوده ترجمه نموده و بزبان اکتفا نمود
 و ادعیه و نقل نمود ترجمه از او در تحت ان فلی که دانید و بحمد الله و المنة شاعران
 این مختار بود فرمود می بر این اکتساب و ذکر کرده و زینت افزای آنرا باب عقول و خیرین
 بخش جن احباب ابقان گردیدند و در این کتاب از آنجا که فایده نیست بدایر
 و در هر کس و در هر کس و در هر کس و در هر کس و در هر کس و در هر کس و در هر کس
 که هر کس را امتیاز آن که که انچه عزیز داند و محض شمار و محاسبات بر کرده و در آن



فرمای زمان اهد و انخاف تمامید و چنانکه حکایت ملع و مو و اعرابی باب مشهور
 السنه و افره مذکور و مشهور است و ابن بطلان البضاعت و این هوایان بر سر
 افتاده که این کتب من مخصوص منظور نظر ایشان کان پایه بر یک دیون نظیر و سلف
 زمان و شهنشاه دوران و بعضی صاحبان کبکی سنان و انهم سپاه کرده
 بارگاه و شهر عادل بازل و در اول که در طی وادی مدیج و شهنان بلند
 سخن صد باره مال گذارنده و بکس خوش خرام فایده چندین سال انداخته و شش
 خود که سبب عوالم لطف و معنیست از برای سر شش از بیابان بی بابان و بفیاض
 فرایه داشته و در دیه و ناطقه که سبب عوالم لطف و معنیست و در آنست و بجز
 شش

کتابخانه

شده عالمستان امان خشت و جهان کبر و جهان بخش جوان جنت و موعوشم از روی
 دولت و جبهه نازان زعد لثرتک و ملت و هدوی زمین زبر کیش و ملک خیر
 انکشت زینت و بقصر دولت چون طاق بستند و دیاره طاق کسرا بر شکستند و ملک
 حیران فراتر است و فایده محرز و شکر اوست و جبهه بر خاک و کاشن و الله
 سرافرا و بر عرش برین شوی و بوسه بر در لستان ملائک باستانش ندن و سر بر
 زمین و امان فرود نیاوردن و حلقه اطاعتش و کوش کردن و خود را بر بود سلف
 تاواستن و غاشبه دولتش بر دوش کشیدن و دوش با دوش دولت جاودان
 رض و با کوهل پیکانش حلقه در کوش هلال کند جاود و اگر شمس طاق پویش
 لب بر لب بنام خود بشید گذار و مهر سده و اگر علقه دوش با کراف حلقه دوش نشدی
 زمین و دایره کشتی و اگر ماه معین لطفش تا انش شهرت بنا چینی و جهان سر
 سوخو بر بنامش ز جهان و در کتا و فلسفان گذار و که اگر و در دایره
 روی زنده و هر یک ماهی زابل کنند و سحاب عطا بشی لای الی و بر سر دوی ساندان
 نثار کند و ما فطرهای خون خجالت روان ششید کرد و منبع انوارش و جهان



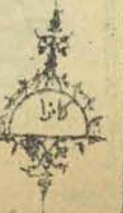
دشمنان اندازد و سنان از ایشان جو خون دو صدان روان سازد
و هنگام بالا بردن شمع مایع افغان در شکم چیدن و در وقت پایش
آوردن کاو زمین در پیش و زردیدن چمن جیبش شاه راه علی و اوصاف

زینب کبری از غارت اعدا

از شل کهر پاشی و دست سخاوت از سر خون در عروق ابر مجاز کرده بر نعل
بهری براید هر از شرم در افشانی کف عمامت از بس دوبا رنگ برنگ کشته
بری بنظر در لید اگر سکه جابون بر زدن کا محمدی زند بازار بسکتی بشکند
و اگر بجای زولاه عباسی مفرق سازند و دیگر اشرفا بیکر بنا خرچ نشود
در جنب ایننادگان پایه سر کرده درون نظار ملوک کمانند و دورا بر استیاب
لباط ظلت اینستاد اینه سکند و وخام چه نمابند هر آنجا که کشی جملش لنگر
اندازد اگر کوه باشد کوی بنازد و هر جا که کوه شکرش سابه افکند اگر همه
فان باشد ناف کدازد در زمان عدالت نوازش بره از پستان کرک شیر کبرد
و شعله در بال و پر پروانه جامه بر تنان و هر بر صرصر خزان بازاری آن که در رنگ
چهره کلی بشکند و نادمه کا نوازند رن آن کجا که سرف سنبلی تاب دهد
سنگور از خنده و فشا طهین هر که در قلعه هفقه سادارد و فتنه جو را آن
و جنات همان قدر کت که دم ای از لب بیفش بیاشامد و در دوران سخاوت

روان دنیا از زینب کبری

که بجز صدق کسی در گوش نکند و با فوٹ هر چند مشواب و رنگ کند
از سفال گرد نبرد لعل کران هاد و نظر هاسبکرا از سندن و مویج با ابر همه
حوصله از دست مرجان منک و بده صدق در انظار مشغری اب مروارید
و چشمه در دو بچر پنداری سفید شده عجب آنکه از دست دست افشانی



کانز امب گرفته و در باد و بخران افشاده و طرفه اینکه ازیم کف کهر بخشش دریا
لوزه بر اندام افشاده و کان منقل برا خرا از لعل و با فوٹ پیش خود نهاده هر که
کدر در بیضه صدف چشمه باز کند بجا میان هر کرم بیخو جو در غاطان و هر لعلی که بخون
دل اب بروی کار او در بطرف اعدان همت و سخاوت و ان حاصل بخیرین بکهر افشانی
بکلی کف عظامش و فاکند و خراج عرافین برز پاشی بکروزه و کسک سخاوتش
و در عهد شیعا عشق اگر کوم اطفال شیر خوار بر سر میلان یکت زنده آ
و اگر در عویان کسره که کورگان لب از شهر ناشسته بچهره شیر درم شکند
در دست بر خد نکش اگر از بی شیخ مالک ارواح دشمنان بدکش قدم از خانه بیرون
کدازد تمام آن مملکت را بابت نفس بفضه تصرف سازد و اگر هر چه جمله نشینی
کوشه کان نشسته چنان جمله بر فلان بلند پیش نشاند که حوران از سهم آن موریر
بد نشان بر کشد آفتاب بیفش بر سر کپر نو افکند که شب ظلمان عرش در عم سبیری
نشند و ههای نهرش بطرف کمر کرد و کمرغ و وحش در نفس پروان نکر
با شیخ ابر بطرف هر که روی آورد اگر هر رسم دشمنان باشد دست از جان ه
بشود و با سنان جان سنان بجانب هر که حمل کند اگر صد جوش پوشد ناپد دعا بکند

زینب کبری از سینه مغر

زینب شش پریش خصم بد اختر کند چون ناریشت از سینه مغر جهنم
کند کورسم اهنت سباید غرض بریدن رنگ تن اهن قبا بان روز پیکار
ز شمشیرش در پیکر چه پیکار قوه با صوره سلطنت و جان نایی عزمه ناصبه
عظمت و کشور ستایی غل بنبد جن سفادت اقبال خصال برومند کاش بد
واجلال در پناهچه در نازل امان سر اوج عقیقه جو در نیم کاستان علی و اوصاف
شعنه بیستان جود و اعنسان مؤتسر فراتین نصفه معدت هر که
فرهاد و اوت و رحمت خلف صدق خاندان خلافت دتر الحاج در وطن



ولایت بر باد نوزدیم نوزیات و تاقی صد نشین محفل عنایات بزوانی

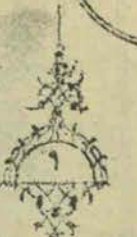
در بیان احوال

لازال محفوقا بالنصر والتأييد الشبانی کرد و چون در شریف غزای بزرگ
و حشمت و ملک بیضای سرویی و در غمت قبول هدای لازم و محتم
و ملاحظه فایده و شایستگی این نکره صید و ناشایست بپوش این کزین
مقبول نظر انکره و لاشکوه کردیده بنوازش کوشد چشم الشفای کله کوشه
انفار و افطس برخ اعنبار خواهد یافت و اکنون هنگام شروع است در ترجمه کتاب

در بیان احوال

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بر خدا بر اکر دلالت کرده ما و بر جاده بخانه و هدایت و هدایت فرشته
ما و بسوی آنچه واجب میگردد اند بلند در خال و درود بر ایشان از پرگان
و افضل اهل زمین و آسمان و اول او انکرید و سنی ایشان قبول میشود نمازها
و برکات ایشان مستجاب میگردد و بجاها
سپاس بر خدا بر کثیرین شفاکان از روی عمل و بیشترین ایشان بر روی نرسها
در شهر شریف بجاء اللین نوبی دهد خداوند او را برای عمل در روز اول
جهت فرمای او بیشتر از آنکه بیرون رود از دست او میگردد که بقیه که انما
کردند از من و جمعی از برادران دین بود رستان بپوشن تا لطف حضرت که مشتمل
نشد بر آنچه ناچار است مرا حل و بانگ را در روز شب از واجب بنیادان و سینه
انها و بپسند بداد او و غریب آنها افضار کنند و در اعمال مستقیم را بچشم قلیل
للموت و کثیر للموت نباشد پس اجابت کردم مسؤل ایشان را و تا بسدم از امضا



دوستان
عشق و الهی
قول و مشور
که الهی در
میدان شد
که اینان
دعا
حاصل شد
مخاطبت
امام ابراهیم
عالم و ال
و دیگر
بسیار
سازند
و دیگر
دوستان

انفلاح و عجا و درم و بیشتر از اول ایشان سوال کنند از خدای سبحی
بیکر نفع بخشد بان طالبان و او این که بگرداند از از بهترین ذخیرات از برای
سند خرد و نوبیه دادم این را بر شش ایست که هر کس کند بر لهام کند متراد در عیال

باب اول

در بیان آنچه گذارده میشود در میان طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب

باب دوم

در آنچه گذارده میشود در میان طلوع آفتاب تا پیش از ظهر

باب سوم

در آنچه کرده میشود در میان پیش از ظهر تا وقت غروب

باب چهارم

در آنچه کرده میشود در میان غروب تا وقت خواب

باب پنجم

در آنچه کرده میشود در میان وقت خواب تا صبح صادق

باب ششم

در آنچه کرده میشود در میان صبح صادق تا طلوع صبح صادق

باب هفتم



دوایم که همیشه در میان نصف شب تا طلوع آفتاب و این مشتمل است بر چند فصل

مقدمات

روایات بسیار از اصحاب عصمت صلوات الله عليهم در فضیلت این وقت شده
و از ساعت غفلت میگویند چنانچه میان غروب آفتاب و بر طرف شدن
شفاغ این ساعت غفلت میگویند و سزاوار است که آدمی در این وقت بیدار
باشد چه خواب در این وقت شوکت و روایت کرده رئیس محدثین محمد بن
بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
بدینکه خواب صحیح شوی است منع میکند روز برابر او و زود میکند
و قنبر بیدار شد حالت انسان را و این خواب خواب شو نیست بد و سبب
خدای نیارد و ضالی و هفت میفرماید روز چهارم در بیان طلوع صحیح تا طلوع
آفتاب پس حضرت کسید شماها از خواب در این وقت و روایت کرده است بزرگوار
حد کور از امام ابی الحسن رضی الله عنه السلام در تفسیر قول خدای تعالی قال لیسئنا
امرنا که آنحضرت فرموده که ملائکه هستند که با هر چقدر در وقت میبندند
روزهای بی ادرا در بیان طلوع صحیح تا طلوع آفتاب پس هر که بخوابد در میان این وقت
که میشود روز او و روایت شده است که نماز صبح نوشته میشود در اعمالی شایسته
و عملهای روز و روایت کرده است نفع الاسلام محمد بن یعقوب کلینی
در کتاب کافی از حضرت صلواتی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه

در بیان معنی و فضیلت نماز شب

که آنحضرت فرموده یعنی نماز صبح پیشتر نماز است از ملائکه روز و ملائکه شب
و در این مقام اشکالی نیست و این است که روایت کرده اند جماعتی از علماء ما
از حضرت صادق علیه السلام از ساعتی که نیست از ساعات شب و نه
از ساعات روز پس آنحضرت فرمود که ساعتی است که میان طلوع صحیح است تا طلوع

در بیان معنی و فضیلت نماز شب

آفتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه نقل کرده اند اصحاب ما
و بران اجماع نموده اند که نماز صبح از نماز روز است و مخالف نکرده است
دو این مکرر است همان بن مهران اعش که آن نماز صبح را از نماز شب شمرده است
و استدلال نموده بقول پیغمبر صلی الله علیه و اله که نماز روز اخفاست
یعنی آهسته گفته میشود و استدلال کرده اند نیز از جانب اعش با آنچه از
کرده است رئیس محدثین در کتاب فیه از حضرت ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت
فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و اله نماز شب را در وقت صبح نمازی نماند که زوال
آفتاب میشود و ممکن است خلاصی از این اشکال باینکه روایت وارد شده است
باینکه آن شخصیکه از حضرت باقر علیه السلام سؤال کرده کسبش پیوسته از علمای
و سؤال کرده از آنحضرت از مسئله چند که معروف بنوده مکرر میان اکابر علماء
ایشان و این مسئله از جمله آنها بوده پس شاید که امام علیه السلام جواب
فرموده باشد او را از آنچه موافق عرف و اعتقاد ما باشد و این منافات ندارد
با اینکه در روز و در وقت ما حفظ باشد و آنچه میان طلوع صحیح باشد تا غروب
آفتاب و اما آنچه استدلال کرده است همان اعش از قول پیغمبر صلی الله علیه
و اله که نماز روز اخفاست پس جواب گفته اند از آن علمای مناقس الله ارواحهم
باینکه از باب غالب گردانیدن اکثر است بر اقل و اینکه آنحضرت گرداننده است
نماز صبح را از نماز شب جهت مبالغه در تعالیس آن پس بختی که در مقابل کرده
که پیغمبر صلی الله علیه و اله تعالیس پیغمبر فرمود نماز صبح حتی اینکه هرگاه
فارغ میشدند از آن بر میگششند و زان و ایشان شناخته نمیشدند بسبب
ناوکی و روایت کرده است رئیس محدثین که بخی این آیه سؤال کرد از حضرت
ابو الحسن اول علیه السلام از نماز صبح که چه بلند میکنند در آن قرائت میخوانند
از نماز روز است پس آنحضرت علیه السلام فرموده که جهت آنکه پیغمبر صلی الله
علیه و اله تعالیس پیغمبر فرمودند بدان پس نزدیک میکردند از آن شب و یا آنچه ذکر کرده

در بیان معنی و فضیلت نماز شب

در بیان معنی و فضیلت نماز شب

در بیان معنی و فضیلت نماز شب

در بیان طالع من شب

ظاهر میشود جواب از آنچه استدلال کرده اند بان از جانب اعش بانکه ظاهر آن
 که مراد امام علیه السلام نفی نماز استی است **بسم الله الرحمن الرحیم** بعد از برستیان که نماز چنان
 سنت میدانند **بسم الله الرحمن الرحیم** فصولی نیست در عقیق صبح
 اول دووم بنقل کلامی **بسم الله الرحمن الرحیم** که ذکر کرده است از جمله **بسم الله الرحمن الرحیم**
 والدین **بسم الله الرحمن الرحیم** در کتاب منبسط المطلب **بسم الله الرحمن الرحیم** و این است بدانکه روشی و دراز روشی
 اقباب است **بسم الله الرحمن الرحیم** در روش منبسط و اقباب چیزی مگر که نه باشد فی نفسه **بسم الله الرحمن الرحیم**
 کشف باشد و نه اند **بسم الله الرحمن الرحیم** مانده در عین وضاه و اجزای زمین **بسم الله الرحمن الرحیم** بخواب متصل باشد
 بر زمین **بسم الله الرحمن الرحیم** و خواب جداست **بسم الله الرحمن الرحیم** در هر چه روش منبسط و سبب اقباب **بسم الله الرحمن الرحیم**
 پس می افتد سایه از آن طرف دیگران **بسم الله الرحمن الرحیم** و خطی که نقیصه کرده است خدای
 تعالی **بسم الله الرحمن الرحیم** که بکس طیف خود کرد بدن اقباب را **بسم الله الرحمن الرحیم** پس هر گاه اقباب بر زمین
 باشد **بسم الله الرحمن الرحیم** می افتد سایه بر زمین بالایی زمین **بسم الله الرحمن الرحیم** بر شکل مخروطی و داخله میکند
 هوا و در روش شده روشی اقباب **بسم الله الرحمن الرحیم** هر طرف این مخروط بر روش میشود **بسم الله الرحمن الرحیم**
 این سایه مخروطی **بسم الله الرحمن الرحیم** بر روشی ان هوای روش **بسم الله الرحمن الرحیم** لیکن روشی هوا چنان ضعیف
 بسبب آنکه بالذات نیست **بسم الله الرحمن الرحیم** و از دیگری کسب شده و نفوذ نمیکند بسیار در
 اجزای ان مخروط **بسم الله الرحمن الرحیم** بلکه هر چند در روشی زیاد میشود **بسم الله الرحمن الرحیم**
بسم الله الرحمن الرحیم پس هر گاه بویه باشیم مادر در سطح مخروط **بسم الله الرحمن الرحیم** خواهیم بود در آن یک سخت
بسم الله الرحمن الرحیم پس چون نزدیک شود **بسم الله الرحمن الرحیم** اقباب بان شرفی سبب میکند ان مخروط سایه بالایی
 و طرف مغرب مبالغه **بسم الله الرحمن الرحیم** که نزدیک میشود بصیران اجزای که در اطراف سایه روش
 شده بود **بسم الله الرحمن الرحیم** و در این وقت اندک فرقی میکند روشی ان اجزای **بسم الله الرحمن الرحیم** پس اوقات
 میکند انرا بصیر نزدیک صبح **بسم الله الرحمن الرحیم** و هر چند زیاد میشود در یکی اقباب
 باقی زیاد میشود در یکی روشی اطراف سایه بصیر **بسم الله الرحمن الرحیم** تا و فیکه طلوع میکند
 اقباب **بسم الله الرحمن الرحیم** و اول ربه که ظاهر میشود **بسم الله الرحمن الرحیم** روشی نزدیک صبح با ربات و بلند است
 مانده سنون و از هر کاذب میکنند **بسم الله الرحمن الرحیم** و هر چه شایسته است که در سبب تاریکی و بخت

۱۳

در بیان طالع من شب

شناختن اقباب روش

۱۴

در بیان طالع من شب

که دارد **بسم الله الرحمن الرحیم** و صبح اول نیز میگویند باعتبار آنکه قبل از صبح دویمست که مذکور
 خواهد شد **بسم الله الرحمن الرحیم** و از آنجمله آنکه کاذب میکنند ان **بسم الله الرحمن الرحیم** که در وقت تاریکی
بسم الله الرحمن الرحیم و بالانرا از روش شده **بسم الله الرحمن الرحیم** پس اگر راست میکشد که روشی اقباب است
 با سبب که این نیز باید باشد با اقباب که ان افق است **بسم الله الرحمن الرحیم** روشی باشد تا غیر دور است
 از آن که بالایی افق باشد **بسم الله الرحمن الرحیم** و این روشی صبح کاذب ضعیف و تاریک است **بسم الله الرحمن الرحیم** و در آن
 وقت باقیست و در زمین بر تاریکی خود **بسم الله الرحمن الرحیم** که بسبب سایه خود دارد **بسم الله الرحمن الرحیم** بعد از آن زبا
 میشود ان روشی **بسم الله الرحمن الرحیم** تا آنکه میرود بطرف طول و عرض **بسم الله الرحمن الرحیم** و چون میشود در عرض ان
 شکل نصف دائره **بسم الله الرحمن الرحیم** و این صبح دویمست و این را صادق میکنند **بسم الله الرحمن الرحیم** باعتبار اینکه
 دامن خیر داده است و از صبح **بسم الله الرحمن الرحیم** و ظاهر کرده است صبح و از برای **بسم الله الرحمن الرحیم** اینست کلام
 علامه **بسم الله الرحمن الرحیم** که در اند خدا بنقل مقام او **بسم الله الرحمن الرحیم** به آنکه نعلق نکند است بطول صبح
 اول مگر فیلی از عبادان **بسم الله الرحمن الرحیم** مثل دخول وقت فضیلت نماز و نیز **بسم الله الرحمن الرحیم** چه افضل اوقات
 ان **بسم الله الرحمن الرحیم** معنای صبح اول دویمست **بسم الله الرحمن الرحیم** چنانچه روایت کرده شیخ طایفه شیخ ابو جعفر
 طوسی و حمد الله **بسم الله الرحمن الرحیم** در کتاب تهذیب **بسم الله الرحمن الرحیم** بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری **بسم الله الرحمن الرحیم**
 که گفت سؤال کردم از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام **بسم الله الرحمن الرحیم** از ساعتی های و نیز
 پس آنحضرت علیه السلام فرمود **بسم الله الرحمن الرحیم** که دو سوزن آنها بسوی من صبح اول است **بسم الله الرحمن الرحیم**
 و روایت شده است که بروی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
 علیه السلام **بسم الله الرحمن الرحیم** که از روز اول شب **بسم الله الرحمن الرحیم** پس آنحضرت جواب فرمود پس چون میانه صبح
 اول دویم بیرون آمد آنحضرت علیه السلام بسوی مسجد **بسم الله الرحمن الرحیم** و سه مرتبه بلند کرد
 که چه شد آنکس که سؤال کرد از روز **بسم الله الرحمن الرحیم** خوب ساعتی است از برای و از این ساعت
 بعد از آن برخواست آنحضرت **بسم الله الرحمن الرحیم** و روز کرد و اما صبح دویم پس عبادان متعلق بان
 بسیار است **بسم الله الرحمن الرحیم** هر گاه خطی زمین کردی طلوع از آنجا **بسم الله الرحمن الرحیم**

۱۴

۱۵

در بیان طالع من شب

کتاب سنن ابی داود

بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْفَتْحِ مِنَ الْجَيْشِ لِأَرْمِيٍّ وَمُخْرِجِهِ مِنَ جَيْشِ أَرْمِيٍّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَجْعَلَ أَوَّلَ يَوْمِنَا هَذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا
وَكِبْرًا وَانْتِجَاءً فِي أَوَّلِ رُؤُسِ كَرَامَتِ صَلَاحِي وَبِئَانِ الْغِيَابِ عَنِ الْغَابِ وَأَمْرًا بِرُؤُسِ

وَبِحُجْرَانِ بَرِيقَةٍ رَوَيْتُ كَرِيمَةً اسْتَأْذِنَتْ بِي مُحَمَّدٍ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ
أَزْهَرَتْ فِيهَا صَاقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا غَضِبَتْ فَرَمُوهُ فِي رُؤُسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَرَجٌ وَشَامٌ ابْنِ رَعَابِيٍّ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنْتَ مَا أَصْحَبِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَارِفِي مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا قَبْلَتْ
خُدَاوَنِي أَمْ يَرَى سَيْبُكَ كَرَاهِيَةً مِنْكَ كَرِهْتُمْ عَمْرُؤُهُ لِي فِي مَقَامِي وَوَدَّعِي فِي مَقَامِي سِرِّي وَتَوَدَّعِي

وَحَدَّثَكَ لَا شَرَّكَ لَكَ لَكُمُ الْكَلِمَةُ وَلَكَ الشُّكْرُ يَا عَلِيُّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا
بَعْدَ تَوَدُّعِي بَرِيًّا بِرَأْسِهِ وَأَزْمَرَ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَبَعْدَ رُؤُسِ

وَبِحُجْرَانِ رَادِ صَبِيحٍ دَهْرِيَّةٍ وَدُشَامِ وَبَعْدَ رُؤُسِ دَهْرِيَّةٍ
بِسَبَبِ ابْنِ نَاهِيَةِ شَدِيدِ بَعْدَ شُكْرِهِ بِعَنِي بِنَايَةِ شُكْرِكَ كُنْتُمْ وَبِحُجْرَانِ نَبِيٍّ

أَخْبَرَهُ رَوَيْتُ كَرِيمَةً اسْتَأْذِنَتْ بِي مُحَمَّدٍ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرِيمَةً اسْتَأْذِنَتْ بِي مُحَمَّدٍ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْمَلِكِ الْفَدْوِيِّ
بَعْنِي بَسْمِ اللَّهِ نَسِيْبِي بِأَرْشَاءِ سَبَايَا كَيْفِيَّةٍ وَبَعْدَ أَنْ مَبْكَفَتُنِي بِمُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَوَالِ نَفْيَتِكَ وَمِنْ حُرْمَلِ غَابِيَتِكَ
ظَهَانَةِ لَمْ يَجِدْ بِسَيْدِكَ مِنْ خِدْمَةِ رَادِ صَبِيحٍ وَأَزْمَرَ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ

وَمِنْ فَجَاءِ نَفْيَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ بَشْرٍ مَا سَبَّوْا بِاللَّيْلِ
وَأَزْمَرَ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ
وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ مَلَكَاتِكَ وَبَشْرِكَ قَوْلِي
وَرُؤُسِ خُدَاوَنِي أَمْ يَرَى سَيْبُكَ كَرَاهِيَةً مِنْكَ كَرِهْتُمْ عَمْرُؤُهُ لِي فِي مَقَامِي وَوَدَّعِي فِي مَقَامِي سِرِّي وَتَوَدَّعِي

15

لَكَ رُؤُسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْمَلِكِ الْفَدْوِيِّ
بَعْنِي بَسْمِ اللَّهِ نَسِيْبِي بِأَرْشَاءِ سَبَايَا كَيْفِيَّةٍ وَبَعْدَ أَنْ مَبْكَفَتُنِي بِمُحَمَّدٍ

کتاب سنن ابی داود

وَبَعْضُ سُلْطَانِكَ وَبَعْدَ ذَلِكَ عَلَى خَلْفِكَ أَنْ نَصَبْتَ عَلِيًّا عَلَيْهِ
وَبِزْرَةِ مَطْلَبِ نَوْءِ بَعْدَ أَنْ بَرِحْتَ نَوْءَ ابْنِكَ رَحْمَتُ رَبِّكَ

وَالْحَمْدُ وَانْ تَفْعَلْ بِكَ وَكُنْ أَوْلَادًا وَادْعَاهَا بِكَمْ خَوَانَهُ مَبْشُورٌ
وَالْحَمْدُ وَانْ تَفْعَلْ بِكَ مِنْ جَنِّهِ وَجِنِّهِ (نَزَّاجِيَةً دَعَا بِنْتَ كَرَوَائِبِ)

کرده است از آنکه اسلام در کوفه پسندیدیم از حضرت بافر علیه السلام که حضرت
فرمود که کنش رسول خدا صلی الله علیه و آله بودی که میخواست در کوفه در باغی

که نامش را او بود پس آنحضرت در آنجا توقف نمود و فرمود که آیا میخواهی به نام تو را در کوفه
ثابت نماید یا نه فرمود که نه و در آنجا ایستاد و گفت که ای رسول خدا! پس فرمود که ای رسول خدا!

وای تو را باشد گفت آن مرد بلی به نام من ای رسول خدا! پس فرمود که ای رسول خدا!

عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرِيمَةً اسْتَأْذِنَتْ بِي مُحَمَّدٍ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْمَلِكِ الْفَدْوِيِّ

بَعْنِي بَسْمِ اللَّهِ نَسِيْبِي بِأَرْشَاءِ سَبَايَا كَيْفِيَّةٍ وَبَعْدَ أَنْ مَبْكَفَتُنِي بِمُحَمَّدٍ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَوَالِ نَفْيَتِكَ وَمِنْ حُرْمَلِ غَابِيَتِكَ

ظَهَانَةِ لَمْ يَجِدْ بِسَيْدِكَ مِنْ خِدْمَةِ رَادِ صَبِيحٍ وَأَزْمَرَ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ

وَمِنْ فَجَاءِ نَفْيَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ بَشْرٍ مَا سَبَّوْا بِاللَّيْلِ
وَأَزْمَرَ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ
وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ مَلَكَاتِكَ وَبَشْرِكَ قَوْلِي
وَرُؤُسِ خُدَاوَنِي أَمْ يَرَى سَيْبُكَ كَرَاهِيَةً مِنْكَ كَرِهْتُمْ عَمْرُؤُهُ لِي فِي مَقَامِي وَوَدَّعِي فِي مَقَامِي سِرِّي وَتَوَدَّعِي

وَبِحُجْرَانِ بَرِيقَةٍ رَوَيْتُ كَرِيمَةً اسْتَأْذِنَتْ بِي مُحَمَّدٍ بِنِهَايَةِ حُرْمَتِهِ وَخِطَابِهَا فِي رُؤُسِ رُفْعِهِ
أَزْهَرَتْ فِيهَا صَاقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا غَضِبَتْ فَرَمُوهُ فِي رُؤُسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَرَجٌ وَشَامٌ ابْنِ رَعَابِيٍّ

16

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْمَلِكِ الْفَدْوِيِّ
بَعْنِي بَسْمِ اللَّهِ نَسِيْبِي بِأَرْشَاءِ سَبَايَا كَيْفِيَّةٍ وَبَعْدَ أَنْ مَبْكَفَتُنِي بِمُحَمَّدٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْمَلِكِ الْفَدْوِيِّ
بَعْنِي بَسْمِ اللَّهِ نَسِيْبِي بِأَرْشَاءِ سَبَايَا كَيْفِيَّةٍ وَبَعْدَ أَنْ مَبْكَفَتُنِي بِمُحَمَّدٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَابُ الْمَلِكِ الْفَدْوِيِّ
بَعْنِي بَسْمِ اللَّهِ نَسِيْبِي بِأَرْشَاءِ سَبَايَا كَيْفِيَّةٍ وَبَعْدَ أَنْ مَبْكَفَتُنِي بِمُحَمَّدٍ

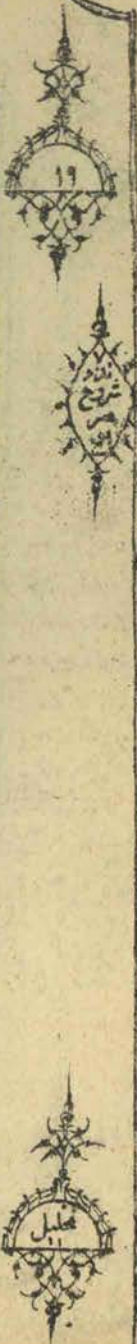
در بیان از آن است

و نه اینست که در این ایام از افعال مستحبی که پیش از آن در این وقت
میشود هرگاه قصد کنی نماز و غیره در وقت و اگر قصد کنی
هر یک از اینها و سوره یا علی و غیره نزدیجا آوردن آن هر یک از اینها
بر روی خود و مفاد آن در وقت و آن باشد مستحب یا لای روی خود و همیشه اثر
در حق آن نیست که تا قانع شوی چنانکه در پیشین روی خود

بسم الله الرحمن الرحیم
پس هرگاه که در کافری از حضرت بافر علیه السلام و ظاهر آن است که شهادت
اولی و وضو که شایعاً مذکور شد غنی میباشد از آن چه این شهادت و شریعت
در واجب است و آن از برای سنت است و بخوبی کرده اند علامه مفاد آن است
نیت را با شستن دستها که در اول وضو مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرط آن
باید وضو را مستثنای نیت و چنین گفته اند که باید از جمله افعال وضو

در بیان از آن است

که در وقت و در جایز مفاد آن است نیت با غیر شستن روی و احتیاط این است
که آن بزرگوار و نوظف نموده پس هرگاه بر بزیل بر روی سوزا و است
که بکشی در وقت خود و اینان جهت است اما آنچه فضل کرده اند از احتیاط
عصمت سلام الله علیهم نزد حکایت ایشان وضوی بیابان و چندی بیرون
آمدند از وقت بعضی علمای ما که واجب میدانند آنرا و واجب نیست بر او
که وضو در روی هر چه از اجزای بدن و در اینجه پائین تر باشد بلکه هر چه
در او باشد اگر روی شستن با لای روی که نیست و حد و در طول و در عرض
انفک و نیست بگردن و بران انگشت بر دست و انگشت میان چنانچه طوطی
بان حدیث صحیح زیاده از حضرت بافر علیه السلام و ما بسط داده ایم
کلام را در این مقام و شرح حدیث چهارم از کتاب اربعین در واجب است



در بیان از آن است

مجلسی موی که در این وقت و در آن زمان هر چه بر سر آب بر آن بر روی کشنده
شود و تا آنجا که در وقت و در آن زمان هر چه بر سر آب بر آن بر روی کشنده
موضع دیگر و موی آن بلند شده باشد و موضع دیگر و موی آن بلند شده باشد
در این صورت واجب است و نشانی آن آب این موضع و واجب نیست بر او که شستن
انچه موها و چنانکه بان از روی و باز که چشمهای خود را در وقت وضو و این
که در واجب کرده است هر یک از این دو وقت در وقت وضو است و الله اعلم و الله
باز که چشمهای خود را در وقت وضو و شایسته که در نیت شستن چشم را و اگر
ذکر نکردند این دو وقت شستن وضو و نگاه باشد که گمان شود که سبب و آن است
ایشان این را این است که فعل کرده است شیخ اجماع علماء را بر این است که نیت
اب وضو باید در وقت چشمها و شیخ فاشیح شریف در ذکر می که گفته
که منافات نیست میان این دو امر زیرا که چشم باز کردن لازم ندارد و در مساند
برای آن در وقت چشمها و این سخن خوب است و در وقت شستن شست

در بیان از آن است

پس هرگاه که در کافری از حضرت بافر علیه السلام و ظاهر آن است که شهادت
اولی و وضو که شایعاً مذکور شد غنی میباشد از آن چه این شهادت و شریعت
در واجب است و آن از برای سنت است و بخوبی کرده اند علامه مفاد آن است
نیت را با شستن دستها که در اول وضو مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرط آن
باید وضو را مستثنای نیت و چنین گفته اند که باید از جمله افعال وضو
که در وقت و در جایز مفاد آن است نیت با غیر شستن روی و احتیاط این است
که آن بزرگوار و نوظف نموده پس هرگاه بر بزیل بر روی سوزا و است
که بکشی در وقت خود و اینان جهت است اما آنچه فضل کرده اند از احتیاط
عصمت سلام الله علیهم نزد حکایت ایشان وضوی بیابان و چندی بیرون
آمدند از وقت بعضی علمای ما که واجب میدانند آنرا و واجب نیست بر او
که وضو در روی هر چه از اجزای بدن و در اینجه پائین تر باشد بلکه هر چه
در او باشد اگر روی شستن با لای روی که نیست و حد و در طول و در عرض
انفک و نیست بگردن و بران انگشت بر دست و انگشت میان چنانچه طوطی
بان حدیث صحیح زیاده از حضرت بافر علیه السلام و ما بسط داده ایم
کلام را در این مقام و شرح حدیث چهارم از کتاب اربعین در واجب است



و اینست که در این وقت و در آن زمان هر چه بر سر آب بر آن بر روی کشنده
شود و تا آنجا که در وقت و در آن زمان هر چه بر سر آب بر آن بر روی کشنده
موضع دیگر و موی آن بلند شده باشد و موضع دیگر و موی آن بلند شده باشد
در این صورت واجب است و نشانی آن آب این موضع و واجب نیست بر او که شستن
انچه موها و چنانکه بان از روی و باز که چشمهای خود را در وقت وضو و این
که در واجب کرده است هر یک از این دو وقت در وقت وضو است و الله اعلم و الله
باز که چشمهای خود را در وقت وضو و شایسته که در نیت شستن چشم را و اگر
ذکر نکردند این دو وقت شستن وضو و نگاه باشد که گمان شود که سبب و آن است
ایشان این را این است که فعل کرده است شیخ اجماع علماء را بر این است که نیت
اب وضو باید در وقت چشمها و شیخ فاشیح شریف در ذکر می که گفته
که منافات نیست میان این دو امر زیرا که چشم باز کردن لازم ندارد و در مساند
برای آن در وقت چشمها و این سخن خوب است و در وقت شستن شست

و در کتاب جبل المبین بعد از آن مسح کن بر سب پیش سر خود و پانزدهم از آنکه در دست
 سب کشیدن از حد پیش سر بعد از دست انگشت خم شده بیک دیگر بزمی دست
 و بیست و نهم آن نیمی مسح کن پشت پای راست خود را بر انگشتان ناگهیب بعضی
 مفصل ساق و قدم و مجری نیست مسح تا پانزدهم نواز آن که بعضی که مابیان کردیم
 این دو این کتاب هم مذکور باشد و زیاد بر آن بنا شد و بعد از آن مسح کن پشت پای
 چپ خود را بزمی دست چپ و زیاد باید که مسح سر و پاها بکند دست باشد که نه پیش
 آن مسک جفت ضروری و ناچار است از کشیدن کف بر محل مسح مسک کف است
 گذاشتن کف بر آن کشیدن آن و سوزا و راست مسح کنی پاها را بنام کف چنانچه
 روایت کرده است شیخ طائفه در حدیث بسند صحیح از احمد بن ابی نصر بن زینبی
 که گفت سؤال کردم از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام از مسح بر پاها
 چگونه است آن پس گذاشتند کف مینا و کرا بر سر انگشتان بعد از آن مسح کردند
 ناگهیبها پس هم من که اگر مردی بکند بد و انگشتان انگشتان خود را ناگهیبها
 حضرت فرمودند نه بکند تمام آن و باید که بوده باشد افعال وضوی نیمی در پی
 بیفصله میان انگشتان و غایت کرده شود در اوقات تریب مذکور حتی در مسح
 پاها نیز چنانچه بحثنا و جماعی از علمای ما است و روایت کرده است نفعه الاسلام
 در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند که مسح کن
 بر پاها و این است بکن بطرف راست و سوزا و راست که خوانده شود نردم فعلی
 از شنیدن و مسجها و غایت که وظیفه است چنانچه خواهد آمد در فصل آینده بر هرگاه
 فایز شوی از وضو بگو الحمد لله رب العالمین یعنی سپاس مر خدا را که پروردگار
 عالمیان است و روایت کرده است اینها در حدیث بسند صحیح بعد از آنکه
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي مِنَ الْوَضُوءِ
 از نور بکنم که مرا از پاکیزگان خدا داند بر سبب که من سؤال میکنم از تمام بودن



و تمام الصلوة و تمام وضووا نيك و الجسد
 تمام بودن نازم و تمام بودن رحمت نازم و در دست نازم
 و بدانکه اکثر افعال واجب است و افعال واجبه من حیث
فصل در
 حالیکه حکم آن باقی باشد با وضو
و سبب
 در سبب مسح بر سبب مسح بر سبب مسح
و در بیان احوال
 در بیان احوال و اینست که در سبب مسح بر سبب مسح
 و سوزا و راست مسح کنی پاها را بنام کف چنانچه
 روایت کرده است شیخ طائفه در حدیث بسند صحیح از احمد بن ابی نصر بن زینبی
 که گفت سؤال کردم از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام از مسح بر پاها
 چگونه است آن پس گذاشتند کف مینا و کرا بر سر انگشتان بعد از آن مسح کردند
 ناگهیبها پس هم من که اگر مردی بکند بد و انگشتان انگشتان خود را ناگهیبها
 حضرت فرمودند نه بکند تمام آن و باید که بوده باشد افعال وضوی نیمی در پی
 بیفصله میان انگشتان و غایت کرده شود در اوقات تریب مذکور حتی در مسح
 پاها نیز چنانچه بحثنا و جماعی از علمای ما است و روایت کرده است نفعه الاسلام
 در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند که مسح کن
 بر پاها و این است بکن بطرف راست و سوزا و راست که خوانده شود نردم فعلی
 از شنیدن و مسجها و غایت که وظیفه است چنانچه خواهد آمد در فصل آینده بر هرگاه
 فایز شوی از وضو بگو الحمد لله رب العالمین یعنی سپاس مر خدا را که پروردگار
 عالمیان است و روایت کرده است اینها در حدیث بسند صحیح بعد از آنکه
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي مِنَ الْوَضُوءِ
 از نور بکنم که مرا از پاکیزگان خدا داند بر سبب که من سؤال میکنم از تمام بودن



در سائر اوصیای حضرت

که فرمودند **وَأَشَأَى أَنْ يَكُونَ حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكْرُومٍ**
 نشسته بودند با برادر محمد بن حنفیه تا گاه فرمودند با و بنا و از برای من مرقی
 از آب که وضو بنازم از برای نماز پیش او و محمد برای آنحضرت
 پس آنحضرت بیدست راست دست چپ و بخت چپ فرمودند
بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا
 نام خدا و بخدا و بسپاس خدا را که در این روز است
وَلَمْ يَجْعَلْ مَجْمَعًا
 و نگردانده است از آب
 بعد از آن آنحضرت استغفار کردند و فرمودند
اللَّهُمَّ حَصِّنْ قَرْنِي وَعَقْبِي وَأَسْتَعِزُّ بِكَ عَلَى النَّارِ
 خداوند مناز را حفظ فرما از حرام و عقیب گردان از بدی و عورت را از شهوت
 و بعد از آن مضمضه کردند و فرمودند
اللَّهُمَّ لِقَتِي حَقِّي يَوْمَ الْفَالِكِ وَالْأَطْلِقِ لِيَا بَدْرِكَ
 خداوند ای بخت من بخت مرا روز که ملاقات کنم ترا در روز که برانند روز را باند
 بعد از آن استنشاق کردند و فرمودند
اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي عَلَى رِيحِ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسْتَمِدُّ بِهَا وَيَسْتَوْدِعُهَا
 خداوند حرام گردان من و از شهت در آن مرا از آن بوم و از آن و استمده از آن
 بعد از شستن روی مبارک خود را فرمودند
اللَّهُمَّ بَصِّرْ وَحَجِّرْ يَوْمَ كَسُوْتِ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تَسْوِدْ وَحَجِّرْ يَوْمَ يَنْقُصُ
 خداوند ای منهد گردان روز را که مردم در کینه به شود روز در دنیا و همه گردان روز را در آن
فِيهِ الْوُجُوهُ
 در روز روها
 بعد از آن شستن دست راست خود را فرمودند



در سائر اوصیای حضرت

اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلُقِي بِالْبَيِّنَاتِ بِسْمِكَ
 خداوند ای منهد گردان بسم الله اعط من و بینه بودن در این روز
وَأَخَاسِيئِي حَسَنًا لِيَسِيرًا
 و خالص کن مرا از حق بسم الله اعط من
 بعد از آن شستن دست چپ خود را فرمودند
اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَعْقُولَةً لِي عَنِفِي
 خداوند ای منهد گردان کتاب مرا از چپ من و گردان از این فعل کرده شده در گردان من
أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ السَّبْرَانِ
 پناه ببرم بنوا از جامه های بریده شده از این سبزان
 بعد از آن صبر کردند سه بار که خود را فرمودند
اللَّهُمَّ عَشِيَّتِي وَحَمَلَتِي وَكُلَّ مَا كَانَتْ
 خداوند ای منهد گردان مرا از عشت خود و هر که هر خود
 بعد از آن مسجود گردید با غای مبارک خود را فرمودند
اللَّهُمَّ تَبَيَّنْ فِدَائِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ نَزَلَ فِيهِ الْأَفْدَامُ
 خداوند ای منهد گردان فدا من بر صراط و روز که منهد زد در روز که منهد زد
وَأَجْعَلْ سَعْيِي فِيهَا رُضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 خداوند بگردان سع مرا در این روز را رضی گردان از من از من از صاحب بزرگ و کرامت
 بعد از آن بالا کردند سه بار که خود را بسوی آسمان عرض کردند ای صاحب بزرگ
 و کرامی داشتن خود را پیش نگاه کردند محمد و فرمودند ای محمد که وضو بنازم
 مثل این وضوی من و بگوید مثل این کفایت من بخان کند خدا بعلی از برای او
 از هر طرفه فرشته که نقد پس کند او را و کسب کند و یکبار کند او را پس بسوزد
 خدا بعلی از برای او ثواب از آن داد و فریاد کند و بد آنکه اندک اختلافی
 هست در میان شما (کافی) (و فضیله) (و تذهیب) (در بعضی)



در بیان از این صورت

الفاط ابن دعاها و رایج نقل کرده ام در این کتاب روشی است که شیخ حمزه است
 در هدیه که نزد من است نسخه معتمد است بخط بدوم طاب تراه و خوانند
 از ابریشم شهید ثانی قدس الله روحه و در اخوان حسنه از جمله خط او نقل
 است
 بپه گاه فارغ شوی از وضو منوجه شو بیا مسجده روایت کرده است و پس
 در فضیله از حضرت صادق علیه السلام که هر که برود بسوی مسجد نمیکند
 با بر هر چیزی و نه خشکی مگر اینکه تسبیح کند از برای او زمین نازدین مغفر
 است و سزاوار است که بخواند بیرون آمدن از خانه خود این دعا را
 بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطَهِّرُنِي
 شام چهارشنبه از هر چه بر او راه بر طایفه و آنچه که او اطعام میکند او
 و اذا مرضت وهو يتعفين والذي يميتني ثم يحييني والذي اطعم
 در گاه بیمار شوم بر او تسبیح در آنجا که میمیرد اندر اسرار از آن زنده میکند و آنچه
 ان يعفر لي خطيئتي يوم الدين ربي لي حكما والحقني بالصا
 است که با هر روز بر این خطا را که در روز جزا بر او در کار من بخیر من عفو و طمئین کرد آن مراد
 واجعل لي لسان صدق في الاخرين واجعلني من ورثة
 در کردن از برای من زبان راست در اینندگان و مکران مرا از آنکه مرا شرم
 حَسْبُ النِّعَمِ وَاعْفُ لِي
 است بر همه چیز که با هر روز بر او راه
 بر بطنی که جمال سالکین در کتاب عنا الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و اله
 که هر که وضو کند پس بیرون رود بسوی مسجد و بگوید درودش که میبرد از خدا
 بِسْمِ اللّٰهِ خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ
 در راه مابدا و در خدا بیغالی و مصیبات و ایمان و هر گاه بگوید
 وَالَّذِي هُوَ يُطَهِّرُنِي وَبَسْمِ اللّٰهِ

۲۵
 در روایت کرده
 اللّٰه
 اطعام

در بیان از این صورت

اطعام کند خدا بیغالی و در این نظام هشت و بیست و نهم و او از برای هشت
 و هر گاه بگوید و اذا مرضت فهو يتعفين و بگوید اند خدا بیغالی
 این کفاره کثافتان او و هر گاه بگوید
 وَالَّذِي يَمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي
 بپراورد خدا بیغالی او و در وقت شهیدان و فتنه گردانند و از دست شدن نیک
 بخنان و هر گاه بگوید وَالَّذِي اَخْلَعَنِي اَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ بیامرز او را
 خدا بیغالی از برای او خطاهای او و انما ما هر چند بیشتر باشد از کف در
 و هر گاه بگوید
 رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِينَ
 بپوشد خدا بیغالی مرا و از خطم و علم و ملکی گرداند بصلوات هر که پیش او
 باشد و صلوات هر که بعد از او بوده باشد و هر گاه بگوید
 وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِينَ
 بنویسد خدا بیغالی از برای او و در وقت سفیدی است که فلان بن فلان
 از عجز او است که با او باشد و هر گاه بگوید
 يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ
 بیامرز خدا بیغالی و مابدا و او را هر گاه بخواید که داخل مسجد شوی پس ملا
 و هر که کن نعلین خود را و پیش گذا نامی داشته باشد و بگوید
 بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ تَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ وَحَسْبُ الْاَسْمَاءِ كُلِّهَا
 بیامرز خدا و بخدا و سوره ضحی و سوره نهم نامها و نامها را
 تَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 او که در دم بر خدا که بنده است و در روز قیامت که خداوند رحمت بفرست بر او
 مُحَمَّدٌ وَآلِهِ فِيْ اَبْوَابِ رَحْمَتِكَ وَتَوَسَّلْ بِكَ وَاعْلِقْ عَنِّيْ اَبْوَابَ
 قهر و کشتن بر این در بار رحمت خود و در روز قیامت که بنده است در بار

۲
 در روایت کرده
 اللّٰه
 اطعام

مَعْصِيَتِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ زَوَارِكِ وَعِمَارِ مَسَاجِدِكَ وَمِنْ تَسَابِقِ
نَفَرَانِ زِيَارَةِ بَيْتِكَ وَبَارِكْ لِمَنْ كَتَبَكَ لَهُ وَتَمَرَّكَ كَتَبَكَ لَهُ وَتَمَرَّكَ كَتَبَكَ لَهُ
فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِينَ قَامُوا فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. وَأُدْحَرْ حَتَّى
دَرْشِبِ وَرُودِ وَازَانِ كِتَابِ اِنْ دَرْتَا خَوْشِ كَتَبَهُ وَوَجْرَانِ اِنْ

الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَحُودُ دَائِلِسِ اِحْمِيَنِ
شيطان رانده شده را در شره شیطانه نام

پس هرگاه بجوای یکی بغلبن خود را پس بکن از پای چپ پیش از راست بجای
پوشیدن و اگر بوده باشند غلبن نوزعی و ممکن باشد که او را بکنی
پس بکن آنها را چه در نماز و در آنها سنت است اما بشرط آنکه پاک
باشد و تحقیق که روایت کرده شیخ طائفة در هندی بسند صحیح از
مغوی بن عمار که گفت دیدم حضرت ابی عبد الله علیه السلام که نماز
سکر در وقت غلبن خود زیاد از یکبار روند بفرمان حضرت که بکن آنها را
هرگز روایت کرده است عبد الرحمن بن ابی عبد الله از حضرت ابی عبد الله
علیه السلام که فرمود هرگاه نماز کن در غلبن خود هرگاه بوده باشد
پاک پس بد و سبک میگویند که این سنت است و قول آنحضرت پس بد و سبک
میگویند تا آخر ظاهر امر او است که هرگاه نماز کردی بعد در غلبن خود معلوم پیش
شعبه را که نماز در آنها از سنت است و فائز میشوند باین چه داوی از
اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام است که اعتماد بوده بر آن
چون و افعال ایشان بعد از آن اذان بگو پس بد و سبک افان نماز صحیح
از منتهی است حتی اینکه سبب مرفعی فائز شده است بوجوب آن بر وارد
و موافقت کرده است تا او را بن عقیل و زیاد کرده بر او اینکه فائز شده
سطلان نماز صحیح بسبب نزل اذان و صورت اذان این است

اللَّهُ أَكْبَرُ

وهربك از شهادتین و حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و حی
علی خیر العمل و الله اکبر و لا اله الا الله و در مرتبه
و باید که ایستاده باشی و ذوال اذان و در وقت که با او بلند شود و از روی
تاتی بکوی و بکداری و او انکش خود را در گوشه ای خود و وقف
کنی بر هر باب از عبادت فصل و التفات کنی بطرف راست و چپ و حرف
نزدی و آشنای آن و صلوات بفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و از آن
آنحضرت پس بگفت و روایت کرده است در تیسرین حدیث در وقت پسند صحیح
از حضرت ابی جعفر علیه السلام که فرمود صلوات بفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه
و آله هرگاه ذکر کنی او را ذکر کند او را ذکر کند و در نزد اذان و غیر اذان
و پوشیده نماید که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب صلوات بر آنحضرت
بر هر ذکر کننده و شنونده که ذکر او را بکنند یا بشنوند ذکر او را صاف
و بعضی از اهل سنت و فقه اند بوجوب صلوات بر آنحضرت و در تمام
عمر بکوشند و بعضی در هر مجلس بکوشند و بعضی در هر شب ذکر شود
و این مذهب و تیسرین حدیث است فدس الله روحه و اما آنچه مذمت آید
از عدم وجوب صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و در وقت اول در
نماز پس مراد آن است که جزء نماز نیست و باعتبار آن واجب نیست
ندانند نام آنحضرت مذکور شده نیز واجب نیست پس منافاتی نیست
میان این کلام های واعلی الله در جنبه و تحقیق که مواذنت کرده است با
صاحب کفر العرفان در وجوب صلوات که هرگاه ذکر شود آنحضرت
و این قول صحیح تر است و تحقیق که اسناد لال میکند برین بقول خدا تعالی

و لا تجعلوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا
و این کلام را در حدیث خود مثل خواندن حضرت زین العابدین علیه السلام
و الله تعالی یعمل





علیه صلوات پس معارضت فاعده مذکور لازم نیامد و بعضی توجیه کرده اند
این تشبیه را با اینکه صلوات بر حضرت ابراهیم علیه السلام باعتبار اینکه پیشتر واقع
شده افریفتند و محض همین کافی است و در تشبیه هر چند مشبیه باعتبار کیفیت
افزونی باشد بجز توجیه کرده اند نه با اینکه تشبیه صلوات بر ابراهیم است
بر ابراهیم و آل او علیه السلام افزونی باشد از صلوات بر ایشان و وضعیفتر است
توجیه اول است اول آنحضرت صلوات الله علیه و آله

کنت نبیا و آدم بن الماء والطين

یعنی من پیشتر نبودم و حال آنکه هنوز آدم منزه از آب و گل بود پس چگونه صلوات
بر حضرت ابراهیم علیه السلام مقدم باشد بر صلوات بر او صلوات الله علیه و آله و
توجیه دوم نیز ضعیف شمرده اند و با اعتبار آنکه خلاف منزه در بعضی است
چنانچه سوال کردند از کیفیت صلوات بر پیغمبر صلوات الله علیه و آله و
غرض تشبیه صلوات بر آل آنها است بخلاف ظاهر است و این توجیهات دیگر
ذکر کرده اند و ما بعضی از آنها را ذکر کرده ایم در همین تفسیر کتاب حبل المتین

فصل

بهر گاه قانع شدی از اذان و پس فاصله کن میان آن و اقامه بجا باشی
و اگر در حالیکه در سجده باشی یا نشسته باشی
اللهم اجعل قلبی باراً و عیبی فارداً و رزقی خادراً و جعل لی عیلاً فقیراً
خداوند را که گردان دل مرا از گناهان پاک کند و رزق مرا قرار دهد و در روز جزا مرا
مستغنی سازد و فقر مرا برطرف کند

رسول خود مکان فرار و فرار گرفتار

بعد از آن می توان هر دعا را که میخواهی در سوال میکنی حاجت خود را بگو
که در این شده است از پیغمبر صلوات الله علیه و آله که دعای میان اذان و اقامه در کوفه
نمیشود و بعد از آن بر میخیزد و بجا اقامه صلوات بر رسول خود میخواند و آنست مگر



لا اله الا الله

ند در آخر اقامت بکبار گفتند میشود و زیاده میشود بعد از آن علی بن ابراهیم
قد قامت الصلوة و ذکر نیاید و یا آوردی بدان جمع امام اذان
مگر ناامان و گذاشتن انگشتان در گوشها و بلند کردن او از جایی که باید در آنجا
ایستاده باشد و ناگهید طهارت داشتن و ایستادن در حال اقامه پیشتر
از حال اذان و حق اینک واجب دانسته است آنها را استبداد بعضی از علماء قدس الله
روحه و میگویند هر گاه قانع شوی از اقامه و حال آنکه در بعضی باقی است

اللهم اليك توكلت و مرصياتك طمئت و قوايك ابغيت و بك استعانت

خدا را بر تو متوکل شده ام و در خوشی و بدی توکل کرده ام و تو را بر احوال من استعانت
و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افر قلبی لذکرک و
و بر تو توکل کرده ام خداوند را که در حق تو توکل کرده ام و تو را بر احوال من استعانت
توکلت علی مرصیاتک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من ذلک
توکلت و بر تو توکل کرده ام و تو را بر احوال من استعانت

و حجة انت الوهاب

و با اینکه بعضی در نماز یا در وضو و سجده و در سجده ای و در سجده های خود را بر تو
و اینها مقابل قنای خود و بگویم میان قدمهای خود را بگذرانند و انگشت کشاده
از یکدیگر بکشند و نگاه کنی بوضع سجده خود و بلند کنی نگاه کردن خود را بر
آسمان و در او روی بخاطر خود که این نماز کی است که در دعای میگردان نماز
بعد از آن قصد کن او را و نماز صبر و اجتهاد نماز بر دار امر خداست

و قنای من و رزق من

بسی از صفت تکیه بر تو که در اول نماز گفت میشود و بلند میکنی در هر یک از
تکیه نماز که در خود میخوانی و بعضی از کت در سجده ایستاده و انگشت



در بیان احوال و احوال

بیکدیگر چسبیده باشند و غیرت آنها که آنها باید کشاده باشند و نمیکند
کف و گشاده از بر کوشهای خود و مانند این یکی بیکدیگر نزادند ای سگت بر آشن
و تمام میکی از این همزد تمام شدن آن و خود بدانکه بعضی از علمای متأخرین
اطناب نموده اند و در باب نیت و در از کرده اند عنان کلام در آن و در آنجا

آیه اول

نیست چیزی از آن بلکه مسفاد از نیت و آنچه وارد شده است از ایشان
علم السلام در باب وضو و نماز و باقی عبادات که ملهم کرده اند آنها را بشعبان خود
این است که امر نیت سهل است و اینست که از غنی است از میان و موفرا در کشف
در خاطر جمع عقلا و خوف صاد و شدن و فعلهای اخشای از ایشان و از برای
این است که خداوند مایضهای نماز و صوان الله علیه و معترض بحث از آن نشدند
و خوش بگردد در آن و عکسها عینی از متأخرین و در آنده اند کلام در آن بود
موم اینست که هر گساست نیت از اجزای بسیار است و این باعث دشواری آن است
بر بسیاری از مردم و گشاده است ایشان را بر سواس و نیست نیت در صحت
مکوفد بسبب و موافق ساختن مثل معتبر از برای علت غائی آن و نیست ترکیب

در فعل منوی

و این قصد نزد نیت که جدا شود از آن عاقل نزد هر فعل که بجا آورد و در حق
اینکه گفته اند بعضی از علمای آنها که اگر تکلیف میگرد و ما و کتب عالی موافق ساختن
فعلی معتبر بر نیت هر ایند تکلیف کرده بود و بجز بیک طائفه آن نبود و حاضر
کردن فعل منوی و در ذهن بعینش که نیت و هکذا از غیر آن و قصد بجا آوردن
ان جهت و فرمان بر جاری امر خدا بفعال و در نهایت سهولت و آسانی (و مثلاً)

نماز ظهر

که ما مکلف هستیم باقی آن و در این وقت تصور کرده ایم این را این وصف عنوان
که نماز مشهور بان از جمیع نمازهای خود از عبادات و غیر عبادات و قصد کردن

در بیان احوال و احوال

واقع ساختن آن جهت و فایده داری امر خدا بخله و نیست دشواری
در آن اصل و چنانکه حکم میکند بان و چنان میگوید و هر که این را دشوار باشد
سؤال میکنم از خدا بفعالی که باطل است او در و چنان او را بدو سببیکر او
بر همه چیز و عبادت تواناست و بخیر آن میان آن هفت تکبیر و این سه دعا را که
که در وقت کرده است و نیت اسلام و در کافی بسند حسن
ان حضرت صادق علیه السلام پس بعد از تکبیر سوم

اللهم صل علی محمد و آل محمد

انت الملیک الحق المبین لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت
نویسه پادشاه و حق تعالی که نیت خداوند که نیت سببیکر نور ایدرسید
فصیتی یا عفر فی نبی ته لا یعفر الذنوب الا انت
نفس خود را بر سر شتر از بر سرین که و ایدرسید که نیت سببیکر نور ایدرسید

و بعد از تکبیر نهم

لبیک وسعدتک والخیر و بدتک والشر لبس البیت والهدی
استاده ام بر امر تو ایستاده کرده و خیر در و سببیکر نیت سببیکر نور ایدرسید
من هدیت لاملی امنک الا البیت سبحانک و حسانتک تبارک
کس است که هدایت کرد و نور او را است نیت سببیکر نور ایدرسید نیت سببیکر نور ایدرسید

و تعالیت سبحانک و تعالیت سبحانک
و عظیم است نیت سببیکر نور ایدرسید نیت سببیکر نور ایدرسید

و بعد از تکبیر دهم

و جنت و جملی للذی فطر السموات والارض عالم الغیب و
مردانده ام در خود را بجز خلق کرده است و این را در زمین را و این است نیت سببیکر نور ایدرسید
و تعالیت سبحانک و تعالیت سبحانک



حَنِيفًا سَلِيمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
 در حالیکه سید کشته ام از طاعت و سلام و نیت من از شرک آورده که بدین سبب از چهار دست من در زمین من
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِأَشْرَيْتَ لَهُ وَيَذَلِكِ أَهْرُوتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 از بر ارادت کور در کار عالمین از نیت من از شرک آورده که بدین سبب از چهار دست من در زمین من
 وَتَحْتِ وَجْهِ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمًا رَهِِيمًا وَرَبِّ
 کرد انعام در خود را بی نیکی از بد امان و در زمین در حالیکه سید کشته ام در زمین من
 مُحَمَّدٌ وَمِنْهَا جَعَلَ عَلِيٌّ
 محمد و در روز بر طرف عالم
 انا اخصه اضافة على الغيب
 والشهادي
 و اتفاق کرده اند علمای ما بر این که بخاطر است مقارن داشتن نیت با هر یک از
 هفت تکبیر پس در مخبری دوران و هر تکبیر یک مقارن داری نیت را با آن تکبیر و آن
 از آن تکبیر الاحرام و بعضی که ترجیح داده شیخ طائفه نور الله مراد در ذکر وضو
 گردانیدن تکبیر آخر را تکبیر الاحرام و نیزه و نیزه ظاهر میشود از حدیث صحیح زاده
 در اختلاف پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز با تکبیر مشابه کردن امام حسین
 علیه السلام بخاطر آنست که تکبیر اول را تکبیر الاحرام کرده اند و در نیت
 چنانچه ذکر کرده ایم در مقاله اش عشره و بسط داده ایم کلام در حیل المؤمنین
 استناد میسر نماز فرائض از دعای سوره بقره
 عُوذُ بِاللَّهِ لِمَجْمَعِ الْعُلَمَاءِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 یا مبرم نماز شورا را نماز از شرک آورده که بدین سبب از چهار دست من در زمین من
 واستعاذه نیت مخصوص بر کف اول و کف اول و کف اول
 میگرداند از بعد از آن خوان و در محمد زینب کبری و زینب کبری

خوان از ار غایت کشته و فقهای ترا در جای آن و حاضر کشته طلب خود را
 فکر کشته در مغایر آن و شاک میشوی بعد از آن بعد از نیت سید
 خوان سوره همان نحو خطا بد کرده باشد سوره سبأ یا عاشیه
 یا قلم یا قدر یا آنچه مانند آنها باشد در طول چنانچه روایت کرده
 از شیخ طائفه در حدیث بسند صحیح از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
 و شاک میشوی بعد از آن چنانچه شاک شدی قبل از آن بعد از آن بر سبب
 در کتفهای خود یا چنانچه بر سبب در آن هفت تکبیر و هر یک
 بعد از آن بر لوح برو یعنی یک بعد از دیگری در کف راست از نو میاست
 پیش از هفت چپ بر از نو چپ بر بر کفها و از نوهای خود و هر یک
 سازی آنها را بر ایشان خود بر بر در آن آنها را بر طرف پشت و هر یک
 پشت خود بر بر بر کردن خود بر کفها و چشمهای خود با نگاه کن
 میان کتفهای خود بعد از آن میگردان چنانچه روایت کرده است نیت الاسلام
 در کفانی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام و آن اینست
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ
 وَكَعْبَتِكَ وَوَلَّتْ أَسْلَمْتُ وَبِلَتِ أَمْنُكَ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ
 راجع کرده ام و هر نیت سبب من خوانم و نیزه او آورده ام و بر تو تکیه کرده ام و تو
 رَجِي خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَجَنِي وَدَمِي
 هر دو کف من فرود کرده است بر سر تو زمین و دیده من و بوسن و بوسن و بوسن و بوسن
 وَجَنِي وَعَصْبِي وَعِظَامِي وَمَا أَفَلَسْتُ فِدَايَ غَيْرِ مَنْكُفٍ وَلَا
 و مغز من و بوسن و بوسن و بوسن و بوسن و بوسن و بوسن و بوسن و بوسن
 هفت تکبیر
 در کف راست از نو میاست
 در کف چپ از نو چپ

در حالیکه سید کشته ام
 در حالیکه سید کشته ام
 در حالیکه سید کشته ام

در بیان احوال و عبادت

و لا یستحسب
و نه نیت کننده
بعد از آن تکبیر
سبحان ربی العظیم و مجده
سبحکم بر درگاه خود و درگاه برادران

و باید که این هفت مرتبه گفته شود تا پنج مرتبه باشد مرتبه بعد از آن را
میشوی میگوئی سبحان الله لمن حمدک بعد از آن تکبیر میگوئی و میگوید
بجودیم باخضوع و خشوع و خوارگی که کنایه از کفها و پیش از آنها و چنان
میگویی که دستها در وقت سجده همزله باها نشاند از برای تو و چنان میبینی
کفها را در خاک لیکه انگشتان مضمون باشد در برابر دو شهادت و در خرد و میگوید
همچو عضوی از بدن خود را بر روی عضو دیگر میگوئی بدینا فی خود با زمین
و افضل ان است ان تربت کعبته باشد کعبه صاحبها افضل التسلیمات
و میگوئی بدین خود را هشتی مساجد سعه و غیاک بممالی از آنجا نگاه میکنی
در وقت سجده بر زمین بعد از آن میگوئی الحمد و ربك کرده است نه در کاف

سبحان ربی العظیم و مجده
اللهم لك تسجدت و لك اعنت و لك استسلمت و عليك توكلت و
خداوند از برای تو سجده کرده و بر تو ایمان آورده و تو را اطاعت کرده و بر تو توکل کرده و
است و ربی تسجد و سجی للذی خلقه و شق سمعه و بصره و المذق ذوقه
تو در درگاه من سجده کردی و من از برای تو که از برای است از او شکر و حمد و ثناء
العالمین ببارک اسم العالمین
عالمین است بلند مرتبه خدا و بلند از همه عالمین است
سبحان ربی الاعلی و مجده سبحکم بر درگاه خود و درگاه برادران
بجواد



در بیان احوال و عبادت

و باید که بوده باشد چنانچه در کتب مذکور شد و بعد از آن سر خود را بر میگردانی و
تکبیر میگوئی و منشی میگوئی **سبحان ربی العظیم و مجده** و منشی میگوئی
سبحان ربی العظیم و مجده و منشی میگوئی
طلبه شکر میکنم از خدا بر درگاه برادران و تو بگویم برادران

بعد از آن آنچه در وقت کرده است **ثلاثا لا اسلام** بجهان ستم سابق از انحراف علیه
اللهم اغفر لی و اجزنی و اجزنی و اذق عینی انی لما انزلت الی
خداوند ای بار خدایم در زمین و در کون مرا و صلح کن شکایت را در زمین بر سر من که از این زمین برتر
من جنی و غیر نیارت الله رب العالمین
از غیر عالمین بلند مرتبه است خداوند که بر درگاه عالمین

و بعد از آن تکبیر میگوئی و میروی بسجده دوم مثل سجده اول پس بر میآی
سر خود را و منشی میگوئی **بعضون توکل بان خطه** و این را جلسته است و گفت میگویند
و ولما کناد افرا پس بنشین که واجب دانسته است مستبد مغنی رحمة الله
و دعوی جماع بر این کرده بعد از آن بر خیز بر میگردانی و از آنها را پیش از دستها
و اعتماد کن در وقت برخاستن مدینه **سبحان ربی العظیم و مجده**

بحول الله تعالی و قوتهم اقوم و افعند و اذکع و استجیر
بجود خدا استغنی و قوت او بر منم و قوت منم و بر کرم مردم و کرمه میکنم
پس هرگاه راست ایستادی بجز آن سؤ و صیقل چنانچه گذشت در گفت اول
و باید که بوده باشد **سوره قل هو الله احد** بعد از آن ساکت میشوی بقدرت
پس تکبیر میگوئی از برای قنوت و قنوت میگوئی کلمات فرج را در حالت تکبیر
بلند کرده باشی و دستها را در برابر روی خود و بگردانی کف دستها را
بطرف آسمان و هم گذاری **انکشیها و اخبر ان شئنها** پس میگوئی
لا اله الا الله للکیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
خداوند که خدا بر همه با وجود کننده است طاعتی که خدا را بلند مرتبه برادران با کرمه



رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ
 و در ذکر اینها راضی گانند و در ذکر زمین راضی گانند و در ذکر آسمانها و در ذکر
 وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 و در ذکر عرش عظیم و در ذکر خداوند بزرگوار و در ذکر عالمها
 این است کلمات فرج بر آن نوحی که در باب کرده است پسند حسن از حضرت باقر علیه
 و در بعضی کتابها و ما تخشعین بعد از او و ما بیدعین و ما بیدعین و ما بیدعین
 و در بعضی ما قوفین بعد از او و ما تخشعین و ما قوفین و ما قوفین و ما قوفین
 من این زمانه هزاران کس در آنجا طلوع شده اند بر آن از کتابهای معتبره احادیث و معتبره
کلمات فرج
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا
 خداوند ما را ببخشد و در رحم کن ما را و عافانه ما را و عفو کن ما را در دنیا
 وَالْآخِرَةِ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 و آخرت و بر هر شئی تو بر هر چیزی توانا
بعد از آن میگویند
 اللَّهُمَّ الْبَيْتَ وَشَخْصَتَ الْأَبْنَاءِ وَنَفْسَ الْأَقْدَمِ وَ
 خداوند نمازگاه تو را و شخصت گاه است و بد که و هر که داده گاه است با ما و
 رُفْعَتِ الْأَيْدِي وَمَدَنَ الْإِسْحَاقِ وَوَأَنْتَ دَعَيْتَ بِاللَّسِ
 بلند کرده نمازگاهت و تنهها و کسب نمازگاهت کردنها و تو خوانده شده بزبانها
 وَالْبَيْتَ سَرَّهٌ وَجَوَّهٌ فِي الْأَعْمَالِ وَبَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا
 و لیور است میان این درازان و در کارها و خداوند احسن میان ما و میان
 بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَائِزِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو الْبَيْتَ
 بحق و تو بهترین است که گانه خداوند از هر شئی که ما شکو میکنیم سورت
فصل نهم



وَعَيْبَةَ أَمَانِنَا وَفَلَدَ عَدَدِنَا وَكُتْرَةَ عَدْوَانَا وَنَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ
 و عیبت امانما و کمر عدوا و کثرت دشمنان ما و نظاهر دشمنان
 عَلَيْهِمْ وَوَفُوحَ الْعَيْنِ بِنَا فَمَسَّحْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَ لُظْمِ رُؤْيِهِ
 بر ما و در سرین فتنها با بر سر طرف کنیز از خداوند بعد از کثرت ظاهرا
 وَأَيَّامَ حَيْثُ تَعْرِفُ اللَّهُ لِحَقِّهِ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 و ایام حشر که بشناسد او را از خداوند آمین و امانت و امانت و امانت
بعد از آن میگویند
 اللَّهُمَّ مَنْ صَبَّحَ وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ عَجَاءٌ عَمَّرَكَ فَانْتَ بَقِيٌّ وَرَجَائِي
 خداوند هر که صبح کند و بوده باشد او را اعتماد در امید و غیره بر سر تو بنام خداوند و امید
 بِالْجُودِ مَنْ سَبَّ أَوْ بَا رَحِمَ مِنْ أَسْتَرْحِمُ أَرْحَمَ ضَعْفِي وَمَسْكَنِي وَفَلَدِي
 از دشمنی تو بر من که بر من است و در رحمت تو بر من که بر من است و در ضعف مرا در روز جزا
 حَيْثُ بَقِيَّتِي مِنْ عَيْتِكَ وَوَفَاتِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِيَّتِي فِي نَفْسِي
 چنانچه باقی مانده از رحمت تو بر من است و وفاتت بر من است از آتش و عافیت مرا در نفس
 وَفِي جَمِيعِ أَمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 و در جمیع کارهای من بر رحمت تو ای ارحم الراحمین
و هر که خواهد
 طول دهد فوئرا پس اضافه کند باین هر چه خواهد از فنونهای دیگر کرد
 صَبَّحَ الْبَيْتَ بِأَبِ شَشْرِ انْتِئَاءِ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ بَلَدَ مَبْكِي وَسَهْمًا وَبِكَبِيرِ
 و در کعبه کن و صبح کن بفرشته خداوند چنانچه گذشت بعد از آن بنشین او را
 لَشَيْءٍ تَزُولُ كُنْتَهُ وَنَكَاهُ كُنْتَهُ بِكُنْتَهُ وَنَكَاهُ كُنْتَهُ وَنَكَاهُ كُنْتَهُ
 بسم الله و بالله و خیر الاسماء كلها الله اشهد ان لا اله الا الله
 نام خداوند و با خداوند از هر شئی که نامها را از هر شئی که نامها را از هر شئی که نامها را
فصل دهم



در بیان احوال و فضیلت نماز و عبادت

وَحَدَّثَنَا لَأَشْرِكُكَ لَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَسْأَلُكَ بِالْحَيِّ
لَهَا تَنْزِيلُ شَرِكِ لِرَسُولِ كَوَا اِهْتِدَامِ حَمْدُهُ نَبُو اُو رَسُو لِ اُو سْتِ فَرَسْتَهُ لِب لَوْ
بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ وَأَشْهَدُ أَنَّ قِيَامِي نَعْمَ الرَّبُّ هَيَّوَانِ
اَنْ رَشَدِ مِزِيهِ وَرِثَانِ نَفْسِهِ وَرِثَانِ عَقْلِ كَوَا اِهْتِدَامِ بَرِيكِيهِ بَرُو دِ كَارِ عَقْدِي كَارِ
مُحَمَّدًا نَعْمَ الرَّسُولَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَا
وَبِرْسِيكَ بِمَنْزِلِ سَوَابِ خِدَائِكَ اَنْ تَعْلَمَ رَحْمَةُ وَالْحَمْدُ وَفِي لَيْلِ نَفْسِهِ
فِي مَتْنِهِ وَارْفَعْ
در بار است او بلند

بعد از آن حمد میکنی خدا را و در مرتبه پائین تر می نشینی و واجبات این تشهدین
شهادتها است و صلوات بر سید عالم و صلوات الله علیه هم بعد از آن سلامه
فصد کنند بان بیرون آمدن از نماز و از نماز را
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
سلام بر شما و رحمت خدا و برکت او
و قصد میکنی انبیا و حفظند و اشاره میکنی کوچکترین فایده و است
جمع آنچه ذکر کرده شده در این فصل سنت است مگر آنچه اشاره کرده شده بفعل امر پس بدو آ

و در کافه فارغ شدی از نماز بر شروع کن در تعقیب پس بجزئی که وارد شده در
تفسیر نور خدا بنفالی بخوان اگر گفت فَا نَصَّبْتَ وَآلِي رِبَاكَ فَاذْ عَنَيْتُ كَمَا كَرِهْتَ
که گاه فارغ شوی از نماز واجب کن بگویش بسوی پروردگار خود در دعای
و در غایت کن بسوی او و در کسوال که عطا میکند بنویس و در واجب که بدست شیخ
فاطمه زهرا است پسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که تعقیب منافع
کنند نماز است و در طلب و در نماز و در نماز و در نماز و در نماز و در نماز و در نماز
در عیب نماز و در واجب که است نیز در تعقیب پسند صحیح از احدی علیه السلام

در بیان تعقیب نماز و عبادت

که در عبادت و عیب نماز و واجبات افضل است از عبادت و عیب نماز سنت مثل فضیلت
نماز واجب بر سنت و در واجب کرده است تقیما اسلام و در کافه بیست و هفت
حضرت باقر علیه السلام که در عبادت نماز واجب افضل است از نماز سنت
و در واجب مداین باب از ائمه علم السلام پسند است و افضل تعقیب است
حضرت فاطمه زهرا است علیه السلام و در واجب کرده است شیخ طائفه در تعقیب
پسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که هر که تسبیح کند تسبیح فاطمه زهرا
علیه السلام پیش از اینکه بگوید اذان یا ایهای خود را از نماز واجب نماید بیشتر بود
و باشد میشود بکسب و در واجب کرده است نیز از آن حضرت علیه السلام که
فرمودند که ما امر میکنیم اطفال خود را تسبیح فاطمه زهرا چنانچه امر میکنیم
ایشان را چنانچه پس ملازم شوا را بدو تسبیح ملازم نشد از ابتدا که بدین معنی شود
و آنحضرت علیه السلام فرمودند که تسبیح فاطمه زهرا علیه السلام در هر روز غیر نماز
دو ستر است نزد من از هر دو رکعت نماز در هر روز و آنحضرت باقر علیه السلام فرمودند
که فرمودند که نیست بنده که عبادت کند خدا را چیزی از تسبیح فاطمه زهرا
علیه السلام مگر آنکه بگوید افضل از آن هر آنچه عطا مس کرد از استیلا علیه و اله
بفاطمه علیها السلام و در واجب در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بشما و در
ابد و باید که بوده باشد نشستن بود در تعقیب متصل بنشستن نزد و تشهد
و بر همان هیأت و بقبله بودن و تویذ کن و در نشستن کلام و النفاث و ماند
از پس بجزئی که در واجب شده است که آنچه ضروری می نماید نماز ضروری می نماید
بتعقیب پس هر گاه سلام دادی پس تکبیر بگوسته تکبیر و بلند کن و در هر بار
دو ستر است تا بر روی خود بنویس که پیش از نماز بر روی خود باشد
و گفت انها طرف خلد و این تکبیرها اول تعقیب است بعد از آن مسکونی

لا اله الا الله
بیت صامت مگر خدا

در بیان تعقیب صبیح

الها و احد و نحن له مسلمون لا اله الا الله الها و احد و نحن له
خداي است بكن او و از سر او و ستم کند تا من ستم خدا خدا است بكن او و از سر او
مخضون لا اله الا الله لا نعبد الا اياه مختصين له الدين
خالد کند تا من ستم خدا خدا نمکنیم بر ستمگر او را و ستمگر خدا خدا را که او را
ولو كره المشركون لا اله الا الله و تبا و رب ابائنا الاولين
در حضرت ناخوش و اندیشگان است خدا را که خدا را و در کار او و در کار ما که از پیشین
لا اله الا الله و حده و حده اخرج و عده و نصر عبده و اعز
ستم خدا را که خدا را تنهاست و بختی بی او و است و عده خود را و بار کرد و عده خود را
و همم الاخراب و حده فله الملك و له الحمد و هي و هي و هي
دور دور است و دور است و دور است و دور است و دور است و دور است و دور است
و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير استغفر الله
و او زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است
الذي لا اله الا هو الحي القيوم الجلجل والاکرام و انوب السيد اللهم
انجند از ستم خدا را که او زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است
اهدني من عندك و افض علي من فضلك و انشر علي من رحمتك
بر اهد کن مرا از نزد خود و بر بر من از فضل خود و نشر بر من از رحمت خود
وانزل علي من برکاتك سبحانك لا اله الا انت اعز لي ذنوب
و فرودار بر من از برکات خود منزه من است خدا را که من تو را تنهاست و ما که آن را
کما جامعافاته لا تقبل الذب كلها جميعا الا انت اللهم اني
بما انرا ما که بر من ستم کند که من ستمگر آنرا است و انرا ما که خدا او را ستم کند
استغلت من كل خير اصابه عليك و اعوذ بك من كل شر اصابه
سوال میکنم ترا از هر چه بر من ستم کند که من ستمگر آنرا است و پناه میبرم ترا از هر چه بر من ستم کند



در بیان تعقیب صبیح

اللهم اني استغلت غافيتك في امورى كلها و اعوذ بك من
خدا او ترا بر ستم کند من سوال میکنم غافیت خود را در امور من تمام پناه میبرم ترا از ستم
الدنيا و عذاب الاخرة و اعوذ بوجهك الكريم و سلطانك العبد
دنیا و عذاب آخرت و پناه میبرم بوجهت کریم تو و پناه میبرم بر سلطانت عابد
و عزتك التي لا ترام و قد وثقت التي لا يمتنع منها شيء من شئ
دعوت تو را که از هر چه بر من ستم کند و قدرت تو را که از هر چه بر من ستم کند از هر چه بر من ستم کند
الدنيا و الاخرة و من شر الاوجاع كلها و الاحوال و لا قوة الا
بها و عزت و از سرش و در حق تمام آنها و نیست قدرت و قوتش
بالله العلي العظيم تو کلمت علی المني الذي لا يموت و الحمد لله الذي
بکار بند و ستمگر بر من ستم کند و کار کند بر من ستم کند و ستمگر بر من ستم کند و ستمگر بر من ستم کند
لم يخذ و لدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له و ط من الد
که تو بر من ستم کن و ستمگر بر من ستم کن و ستمگر بر من ستم کن و ستمگر بر من ستم کن
و كبره تكبير
و کبره تو را و کبره تو را و کبره تو را و کبره تو را و کبره تو را و کبره تو را
بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا را بعد از آن ده مرتبه میگوئی و این
لا اله الا الله و حده لا شريك له له الملك و له الحمد
ستم خدا را که خدا را تنهاست و بختی بی او است و ستمگر او را و ستمگر او را و ستمگر او را و ستمگر او را
و هي و هي و هي و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير
و او زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است و زنده است
اهدني من عندك و افض علي من فضلك و انشر علي من رحمتك
بر اهد کن مرا از نزد خود و بر بر من از فضل خود و نشر بر من از رحمت خود
وانزل علي من برکاتك سبحانك لا اله الا انت اعز لي ذنوب
و فرودار بر من از برکات خود منزه من است خدا را که من تو را تنهاست و ما که آن را
کما جامعافاته لا تقبل الذب كلها جميعا الا انت اللهم اني
بما انرا ما که بر من ستم کند که من ستمگر آنرا است و انرا ما که خدا او را ستم کند
استغلت من كل خير اصابه عليك و اعوذ بك من كل شر اصابه
سوال میکنم ترا از هر چه بر من ستم کند که من ستمگر آنرا است و پناه میبرم ترا از هر چه بر من ستم کند





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَمَجْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 منزله است خداوند بزرگوار است و بزرگوارتر از او نیست و قوت هر که از بند او بزرگوارتر
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 آنچه خواست خداوند هست و نیست قدرش و نه قوتش هر که بخدا از بند او بزرگوارتر
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْكَ
 طلب از تو می کنم ای خدا که در دنیا و آخرت از تو بگریزم و توبه می کنم به سوی تو
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
اسْتَجِبْ يَا اللَّهُ مِنَ التَّائِبِ وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ
 پناه می برم ای خداوند که از توبه او قبول کن و سوال می کنم از تو ای خداوند
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَجَلِّ مَرَجَهُمْ
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مجید فرما وضع ایشان را
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
شَهِدْنَا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْمَأْوَجِدُ أَحَدٌ
 گواهی می دهیم و می گوئیم که خداوند یگانه است و شریک ندارد و ما را خداوند یگانه و یگانه
فَرْدًا صَدِيقًا لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ
 تنها کسی است که زنده است و زنده است و زنده است و زنده است
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 هر که تسبیح کند تسبیح خداوند از بزرگوارتر است و نیست خداوند بزرگوارتر از او
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



و سزاواران است که شمرده شود این ذکرها و تسبیحها بس که از تربت امام حسین
 علیه السلام پس تحقیق که در ولایت کرده است شیخ طائفه و زهد بی بسند صحیح از حضرت
 صاحب الامر علیه السلام که تسبیح افضل چیز است که تسبیح کرده شود بان و بدین تسبیح
 تسبیح کننده فراموش نمیکند تسبیح را و میگرداند تسبیح را در هر نوشته می شود
 از برای او و این تسبیح بعد از آن میگویند و این نیز مخصوص است تعقیب صحیح است
يَا مُطَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَتَبَّتْ قَلْبِي عَلَى رَجُلٍ
 از غیر تو بمانده دلها و دیدم که رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که ثابت کرد اول را از غیر
 و دین تبت قلبی صلی الله علیه و آله و آلائع قلبی بعد از هدایتی
 و دین پیوسته خود رحمت بر من هدایت بر او داد و میرسد دل را که از او دور را
وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
 در چشم مرا از نزد خود رحمت بر من بفرست که توبه بخشد خداوند از هر کسی که من بخواهم
مِنْ ذَوَالْغَمَاتِ وَتَحْوِيلِ غَافِيَتِكَ وَمِنْ حِجَاةِ نَفْسِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّيْطَانِ
 از امر دشمنان نجات ده و گردانیدن غمها و از ناله رسیدن عقاب و از دور رفتن شیطان
وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي الْكِتَابِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّ وَمُلْكِكَ
 و از شر آنچه پیشتر در کتاب است در کتاب خداوند از هر کسی که من سوال کنم بفرست بر من
وَعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَسَيِّدَةِ قَوْلِكَ عَلَيَّ حَتَّى خَلِّفَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 و بزرگ عظمت تو و سخن فرمان تو بر همه از کار تو ایستادگی من
مُحَمَّدًا وَعَلَى آلِهِ وَأَنْ تَفْعَلْ لِي كَذَا وَكَذَا
 محمد و آل محمد و ایستادگی من
وَعَدَاؤُكُمْ مِنْكُمْ
 بجا آوردن من جنین و جان
أَعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَقَلْبِي وَأَخْوَانِي
 پناه می برم از نفس خود و دین خود و اولاد خود و مال خود و قلب خود و دوستان خود
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



وَرَجِي وَجَمِيعٍ مِّنْ بَعِيْنِيْ اَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
 و زود که است بر او در کار من هر چه را بخواهم و نام در باره عقوبت که نه از کار او و نه از او
 و كَمْ يُوَلِّدُ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ كُفُوًا اَحَدًا وَيَتَبَّعُ الْعَالَمِيْنَ مِمَّنْ شَرَّ مَا خَلَقَ وَمِمَّنْ شَرَّ
 و زود که در همه گشته و نسبت را در این عالم گسسته و پیوسته و کار خلق از سر تا آخر از او است و از او است
 غَالِبًا اِذَا وَقَبَّ وَمِمَّنْ شَرَّ النِّفَاثَاتِ فِي الْعُقُوْبَاتِ وَشَرَّ خَاسِدَا اِذَا حَادَا
 شبیه به آن که در کار او در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 وَيَتَّبِعُ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلَى النَّاسِ مِنْ بَيْنِ السُّوَسِ اِلَى النَّاسِ الَّذِي
 و پیوسته بر مردم هر چه در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 يُوسُوسُ فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْخَيْرِ وَالْاَيْسِ
 و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ لَّهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
 خداست که نیست خدای دیگر او و نیست زنده و بر او نیست فراموشی و او نیست که در خواب او است و در کار او است
 وَمَا فِي الْاَرْضِ مِمَّنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهٗ اِلَّا بِاِذْنِهٖ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ
 و آنچه در زمین است که است که شفاعت کند نزد او که باذن او و نیست که در پیش او است
 وَمَا خَلْفَهُمْ وَّلَا يَحِطُوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِ الْاِيْمَانِ اَشَاءُ وَّسِعَ كُرْسِيُّهٗ
 و آنچه پشت سر او است و احاطه میکند با همه آنچه خواهد و است که کرسی او است
 السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَّلَا يَـُٔودُهٗ حِفْظُهُمْ وَّهٗوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
 از او است که در زمین است و نیست که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 فِي الدِّيْنِ فَذٰلِكَ تَبَيَّنَ الرَّشِدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَ يُوْمِنْ
 در دین است که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 بِاللّٰهِ فَقَدْ تَبَيَّنَتْ بِكَ الْعَرَبِيَّةُ الْوَقْفِيَّةُ لَا اِنْفِصَالَ لَهَا وَّاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ
 بخداست که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است



اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاخْرَجَهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا
 خداست آنکه است از آن که آورده از بیرون را و در این از آن که در تاریکی بود و روشن است و از آن که در تاریکی
 اَوْلِيَا وَّلَمْ يَطَّاعُوْا يَخْرُجُوْنَهُم مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ اَوْ لَثٰكٍ اَصْحٰبُ
 در شان ایشان است که در تاریکی است و در تاریکی است و در تاریکی است
 النَّارِ فَمِمَّا خَلَقَ الدُّوْحَ وَاِلٰهَ شَرِّ قَلْبٍ
 از آن که در تاریکی است و در تاریکی است و در تاریکی است
 شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدِيْمُ الَّذِيْ لَا يَلْبَسُ
 که بر او خداست که نیست خدای دیگر او و فرشته که است و در تاریکی است
 لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ
 خداست که نیست خدای دیگر او و در تاریکی است
 وَاِلٰهَ مَمْلُوْكٍ
 خداست که نیست خدای دیگر او و در تاریکی است
 قُلْ اَللّٰهُمَّ مَا لِكَ الْمَلِكِ الْقُوْوَةِ الْمَلِكِ مِّنْ تَشَاؤُكَ وَّلَا تَنْزِيْحَ الْمَلِكِ مِمَّنْ تَشَاءُ
 ای خداوند و خداوند ما را چه حاجت به شکر میمیدم و شکر میمیدم از آنکه میمیدم از آنکه میمیدم
 و تَقُوْرُ مِمَّنْ تَشَاءُ وَّلَا تَنْزِيْحَ مِمَّنْ تَشَاءُ سُبْحٰنَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْمٌ
 و عزت میمیدم از آنکه میمیدم از آنکه میمیدم از آنکه میمیدم از آنکه میمیدم
 تَوَخَّجَ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَنَوَخَ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَخَرَجَ الْحَيُّ مِنَ الْمَيِّتِ
 در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 وَخَرَجَ الْمَيِّتُ مِنَ الْحَيِّ وَتَرَدَّدَ مِمَّنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
 و بیرون را و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است
 اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ
 چه بر شماست که در کار او است و در هر چه که در کار او است و در هر چه که در کار او است



ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ بُعِثْنَا لِلنَّهَارِ بِطَلَبِ حَبِيبِنَا وَالثَّقَمِ

بهر سوره شکر بر عرش بیرون آمدیم در روز طلبان میگردانیم

وَالْعَمْرُ وَالنَّجْمِ مَسْحَرَاتٍ بِأَمْرِ الْإِلَهِ الْخَلْقِ وَالْأَمْرِ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

والماء و زمین و ستارگان را بر امر خداوند بخواند و او آگاه باشد از هر امری که خلق در زمین است

الْعَالَمِينَ أَدْعُوا بِكُمْ نَضْرَعًا وَخَفِيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا يَأْتِي

عالمیان است که بخوانید بر روی کافران و منکرانند و پنهان بدستند خداوند دوست ندارد معتمدان را

لنفسد و اقی الأرض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحم الله

و نیکو کند و در زمین بعد از اصلاح آن بخوانید و بترسید و امیدوار باشید که رحمت خداوند بر شماست

فَلَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفُذَ

کلمات حق را که در عالم بود و اگر دریا مداد بود و کلمات حق در کلمات حق بود

كَلِمَاتِ رَبِّي وَلَوْ جُمْنَا مِثْلَهُ مِدَادًا فَلِأَنَّمَا أَنْبَشْتُ مِثْلَكُمُ يَوْمَ الْحِسَابِ

کلمات حق را که در عالم بود و اگر دریا مداد بود و کلمات حق در کلمات حق بود

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ وَاحِدٌ مَنْ كَانَ يَرْجُوا الْفِتَاءَ رَبِّي فَلْيَعْلَمْ عَمَلُ الصَّالِحِينَ وَاللَّيْسُ

بدرستیکند خداوند را خداوند است یگانه هر که در دنیا بود و در آخرت در کلمات حق بود

بِعِبَادَةٍ يَوْمَ تَذَكَّرُ الْمَنَافِقُ وَإِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ لَلْفِتَاءِ رَبِّي فَمَا يَكْفُرُ الْإِنْسَانُ

بعبادت تو در روزی که منافقان تذکره کنند و اگر دوست دارید که در دنیا بود و در آخرت در کلمات حق بود

لِيَسْمِعَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَالصَّافَاتِ صَقَافًا لَنْ أَجْرَاتِ وَحَرَّ أَقَابَاتِنَا

تا خداوند رحیم و مهربان را بشنود و صافان را در آنگاه که در دنیا بود و در آخرت در کلمات حق بود

تَارِقَاتِ السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِنَيْهِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

در ستارگان که در آسمان است و نگاهبانان را بر زمین و در حفظ از هر شیطان سرکش

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَبُقَدْنَا فَوْنٍ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُخُورًا وَلَهُمْ

نمیشنوند و در بالا نگاهبانان را بر زمین و در حفظ از هر شیطان سرکش

عَذَابٌ وَأَصْبَحْنَا لَمَنْ خَطَفَ الْمُخْطَفَةَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ

عذاب است و صبح کردیم برای هر که در آسمان نگاهبانان را بر زمین و در حفظ از هر شیطان سرکش

سُبْحَانَا رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ

منزه است برای ما از هر که در آسمان نگاهبانان را بر زمین و در حفظ از هر شیطان سرکش

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بدرستیکند برای خداوند رب عالمیان

وَسَيَأْتِيكُمْ سُورَةُ الرَّحْمَنِ

و سوره رحمن خواهد آمد

بِأَمْرِ اللَّهِ وَاللَّيْسُ إِلَّا أَنْ تَقْضَى الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

بدرستیکند برای خداوند رب عالمیان

وَالْأَرْضُ قَائِنَةٌ وَاللَّيْسُ إِلَّا أَنْ تَقْضَى الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

و زمین نگاهبانان را بر زمین و در حفظ از هر شیطان سرکش

وَأَنْ لَنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتُمْ خَاسِفَاتِ غَمَامٍ

و این است که ما این قرآن را بر کوهی داریم و آیا ندیدید که غمامها را در کوهها



در بیان تعظیم صحیح

هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
اوست خدا را بخانه درست خدا را بخانه دانست بغير نبود اوست بخانه بنده هر دو از
هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
اوست خدا را بخانه درست خدا را بخانه دانست با سب با بزرگوار مسلم و امان دهنده و حفظ کننده
العزیز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ
و عزیز و جبار و متکبر آنچه شکر است خداوند از آنچه شکر کرده اند از شکران است خداوند
المصور له الاسماء المستفی بسم له ما فی السموات والارض وهو
صورت بخشد از برابر اوست نامها را بگویند از برابر او از خود با او از زمین است او است

العزیز الجبار المتكبر

عبدالان معنی این سوره قل هو الله احد و لا اله الا هو بعد از آن میگوید در حق
کتابه باشد و ستمها بخورد بر او و می خورد
اللهم اني استنلت باسمك الكون الخ و ان الظفر الطاهر المبارك
خداوند بدست من تو را میگویم که تو را بخانه درست و در حق است با بزرگوار مبارک
واستنلت باسمك العظيم وسلطانك القديم يا اوهب العطا با مطلق
در سوال میکنم ترا بحق نام عظیم تو را بدو با دستم قدم تو را از خشنود عطا کن از راست
الاسارى با فكاك الرقاب من التار واستنلت ان فصل على محمد وال
از سر من از خنده ص کند کردن با هر چه از سر من سوال میکنم ترا بخانه درست و در حق است با بزرگوار مبارک
محمد وان فعين رقتي من التار وان يخرجني من الدنيا امانا وقد
محمد و ایستاد از او کنم بر من از سر من و ایستاد بدون بر سر از او کنم بر من و ایستاد
الجنة سالما وان يجعاري عاقبا و له فلاحا ولو سطره فجاجا واخره
در پشت تمام من از او کنم بر من از سر من از او کنم بر من از سر من و ایستاد

و ان يخرجني من الدنيا امانا وقد
محمد وان يخرجني من الدنيا امانا وقد
محمد وان يخرجني من الدنيا امانا وقد

در بیان تعظیم صحیح

بعد از آن میگویند و این خصوصیت

اللهم اني استنلت باسمك وكفى بك شهيدا وكفى بك شهيدا واشهدك لا اله الا
خداوند بدست من در حق میگویم ترا و کافی است ترا و کافی است ترا و کافی است ترا و کافی است ترا
و خلدك عرشك وسكان سمواتك وارضك و انبيائك ورسلك
و بر دارندگان عرش تو را و ساکنان آسمان تو را و پیغمبران تو را و رسولان تو را
والصالحين من عبادك وجميع خلائك فاشهدك وكفى بك شهيدا
و صالحان از بندگان تو را و همه از خلائق تو را و کافی است ترا و کافی است ترا و کافی است ترا
اني استنلت باسمك انت الله لا اله الا انت المعبود وحده لا شريك
بدست من که ایستادم که تو را بخانه درست خداوند از آنچه شکر کرده اند از شکران است خداوند
لك وان محمدا صلى الله عليه واله عبدك ورسولك وان كل
از هر چه در دست من است از هر چه در دست من است از هر چه در دست من است از هر چه در دست من است

معبود بما دون عرشك الى فراغك السابعة السغلى

عبادت کرده شده نزد عرش تو را که در هر چه که در دست من است از هر چه که در دست من است
ما عدا وجهك الكريم فانه اعز و اكرم و اجل واعظم من ان تصف
غیر از آنست که تو را که در دست من است از هر چه که در دست من است از هر چه که در دست من است
الواصفون كنت جلاله او تهشده اليك الواب الى كسر عظمته بنا
وصف کنندگان نهایت بر سر او با هر چه که در دست من است از هر چه که در دست من است
فاق مدح المادحين فخر مدحيه وعدا وصف الواصفين ما يش
به لا شريك له من مدح کنندگان فخر مدح او را و بخود کرده است از وصف و وصف کنندگان
حمده وجلت عن مقال الناظفين لعظم شأنه صلى على محمد وال
حمد او را و جلست از سخن گفتن حرف زدن کنندگان بظهور شأن او را و رحمت بر محمد و آل
محمد وافعل بنا ما انت اهلها يا اهل النفوس و اهل المعفر
محمد و ایستاد بر ما آنچه که تو را بخانه درست از هر چه که در دست من است از هر چه که در دست من است

محمد وافعل بنا ما انت اهلها يا اهل النفوس و اهل المعفر
محمد وافعل بنا ما انت اهلها يا اهل النفوس و اهل المعفر
محمد وافعل بنا ما انت اهلها يا اهل النفوس و اهل المعفر

۵۲

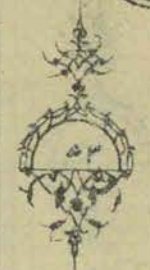
و درستی
و درستی

باللذات

بعد از آن

در بیان تعقیب صحیح

بسم الله الرحمن الرحيم
 سبحان الله كما سبغ الله شئى وكما حبت الله ان يتبعه وكما هو اهل
 و كما يتبعى لكم وجهه وعز وجلاله والحمد لله كما سجد الله شئى وكما
 الاله الا الله كما هلك الله شئى وكما يحب الله ان يتبعه وكما هو اهل
 و كما يتبعى لكم وجهه وعز وجلاله والله الا الله كما كبر الله شئى
 و كما يحب الله ان يتكبر وكما هو اهل و كما يتبعى لكم وجهه وعز وجلاله
 سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله الا الله كبر على كل محمد اتم لها
 على وعلى كل احد من خلفه من كان او يكون الى يوم القيمة اللهم
 ما الا ارجو واعود بك من شئ احدى
 بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله
 بسم خدا بزرگوار نام او بسم خداوند بزرگوار در کار زمین و آسمان بسم خداوند



در بیان تعقیب صحیح

الذبح لا يضرب مع اسمه ثم ولاداء بسم الله اصححت وعلى الله توكلت
 بسم الله على قلبى ونفسي بسم الله على بنى وعقلي بسم الله على
 اهل و ما لي بسم الله ما اعطاني و بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
 شئى في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم الله الله و بسم الله
 لا اشرك به شئ الله الا الله الا الله الا الله الا الله الا الله الا الله الا الله
 ولا تحذروا من جادك و جعل ثناؤك ونفدت اسمائك ولا اله غيرك
 اللهم انى اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل سلطان شديد
 ومن شر كل سلطان مريد ومن شر كل جبار عنيد ومن شر قضا
 السوء ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها انتك على صراط مستقيم
 بتواكى الضالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه
 توكلت



وهو رب العرش العظيم فكفكم الله وهو الصبح العليم و
اولت پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

محمد وآله الطاهرين
محمد است و آل او که با او است و در روز قیامت همه را حساب کند

بسم الله وصلى الله على محمد وآله وافوض امرى الى الله ان الله
بسم خداوند پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

بصيرت العباد فوفى الله سنتك فامكروا الا الله الا انت سبحانك
بصیرت پروردگاران است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

انك كنت من الظالمين فاستجيبنا من الغم وكذلك نجي المؤمنين
اینکه تو بودی از ستمگران است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

حسنينا الله وبع الوكيل فانظروا بعينكم من الله وفضلكم بحسنهم
حسن پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس
سوء پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب من المؤمنين حسبي
ما شاء پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

من المخوفين حسبي الازن من المؤمنين حسبي الله الذي لم يزل
من المخوفین حسبی الازن من المؤمنین حسبی الله الذی لم یزال

حسبي حسبي من كان من كنت حسبي حسبي الله لا اله الا هو
حسبی حسبی من کان من كنت حسبی حسبی الله لا اله الا هو

بسم الله وصلى الله على محمد وآله وافوض امرى الى الله ان الله
بسم خداوند پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
بر او توکل کنم و او است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند

بعد از آن میگویند
بعد از آن میگویند

اللهم اصبح على مسجرا يعقوك واصبح ذنوبي مسجرا
اللهم اصبح على مسجرا يعقوك واصبح ذنوبي مسجرا

بمعقرفيك واصبح خوفا مسجرا يا مانيك واصبح فقرا مسجرا
بمعقرفيك واصبح خوفا مسجرا يا مانيك واصبح فقرا مسجرا

بغناك واصبح ذلي مسجرا بعرك واصبح ضعفي مسجرا بعقولك
بغناك واصبح ذلي مسجرا بعرك واصبح ضعفي مسجرا بعقولك

واصبح ونجى الكفاني مسجرا بوجهك الباقي يا كاشفا لكل شيء
واصبح ونجى الكفاني مسجرا بوجهك الباقي يا كاشفا لكل شيء

ويا كاشفا بعد كل وباء يكون كل شيء صل على محمد وآل محمد وكل
ويا كاشفا بعد كل وباء يكون كل شيء صل على محمد وآل محمد وكل

لي من امرى فرجا وفرجوا واذ ذنبي من حيث اخطيب وفرج حدث
لي من امرى فرجا وفرجوا واذ ذنبي من حيث اخطيب وفرج حدث

بعد از آن میگویند
بعد از آن میگویند

بعد از آن میگویند
بعد از آن میگویند

بارك على محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد
بارك على محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد

بسم الله وصلى الله على محمد وآله وافوض امرى الى الله ان الله
بسم خداوند پروردگار است که بزرگتر از پروردگاران است و او است که در روز قیامت همه را حساب کند



ربنا اغفر لنا صلاتنا

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
 ورسوله واشهد ان الساعه آتية لا ريب فيها وان الله بعث
 من في القبور وعلى ذلك اجمعت امة من امة وعلمت ان الله
 تعالى افرأ محمد صلي الله عليه واله وسلم
 بعد ان منى الله به في مكة

بعد ان منى الله به في مكة

اللهم صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين
 صل على محمد وال محمد في الثمانيات والاربعين



ما حذر
 الخادمان
 صل على محمد
 وال محمد
 في الثمانيات
 والاربعين
 صل على محمد
 وال محمد
 في الثمانيات
 والاربعين

ربنا اغفر لنا صلاتنا

خسبنا الا لمن بالشاء عليك اللهم اعل منزله وانفع درجاته
 واخره حجه وتقبل شفاعة وابعث القائم المعز الذي وعدته
 واغفر له ما احدثت الخلق من اثم بعد ان الله انما استلذ
 موجبات حنك وعزائم مغفرتك والغنم من كل بر والسلا
 من كل اثم واستلذ الفوز بالجنة والنجاة من النار

بعد ان منى الله به في مكة

اللهم صل على محمد وال محمد واجعل لي في صلواتي ودعائتي
 حظا من فضلك ورحمتك وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي
 وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي وعلو درجاتي



ربنا العفیف

اللَّهُمَّ تَرَقَّى أَدْعُوكَ لِحِمِّمْ لَا يَفْرَحُهُ رِعْرَعُكَ وَلَا حَمْدُ لَانْتِئَالَ إِلَّا
خداوند ما بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او
مِنْكَ وَلَا حَاجَةَ لَا يَفْقِضُهَا إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ
از جانب تو و از امر او چه کسی که بر او بود و در او بود و در او بود و در او بود و در او بود و در او بود
مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَكَلِمَتَيْهِ مِنْ شُكْرِكَ وَدُعَاؤِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ
آنچه اراده کرده بودی بر من از ذکر تو و کلمات تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو
شَأْنِكَ الْإِجَابَةِ لِي فِيهَا دَعْوَتِكَ وَالنَّجَاةَ تَمَّا قَرَّبْتَهُ إِلَيْكَ مِنْهُ فَإِنْ
شأن تو را اجابت از من در این خواننده ام نوبه و نجات و نجات و نجات و نجات و نجات و نجات و نجات
لَمْ يَكُنْ أَهْلًا أَنْ أبلغَ رَحْمَتِكَ فَإِنْ رَحِمْتَ فَإِنَّ رَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ
نموده باشم ترا و در این بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او
تُبَلِّغَنِي وَسَعْنِي لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلَسَعْنِي رَحْمَتَكَ
برسد بلیغ و کنش را به بهر آنکه گنجش را در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود

ربنا العفیف

اللَّهُمَّ تَرَقَّى أَدْعُوكَ لِحِمِّمْ لَا يَفْرَحُهُ رِعْرَعُكَ وَلَا حَمْدُ لَانْتِئَالَ إِلَّا
خداوند ما بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او
مِنْكَ وَلَا حَاجَةَ لَا يَفْقِضُهَا إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ
از جانب تو و از امر او چه کسی که بر او بود و در او بود و در او بود و در او بود و در او بود و در او بود
مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَكَلِمَتَيْهِ مِنْ شُكْرِكَ وَدُعَاؤِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ
آنچه اراده کرده بودی بر من از ذکر تو و کلمات تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو و دعا تو
شَأْنِكَ الْإِجَابَةِ لِي فِيهَا دَعْوَتِكَ وَالنَّجَاةَ تَمَّا قَرَّبْتَهُ إِلَيْكَ مِنْهُ فَإِنْ
شأن تو را اجابت از من در این خواننده ام نوبه و نجات و نجات و نجات و نجات و نجات و نجات و نجات
لَمْ يَكُنْ أَهْلًا أَنْ أبلغَ رَحْمَتِكَ فَإِنْ رَحِمْتَ فَإِنَّ رَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ
نموده باشم ترا و در این بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او
تُبَلِّغَنِي وَسَعْنِي لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلَسَعْنِي رَحْمَتَكَ
برسد بلیغ و کنش را به بهر آنکه گنجش را در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود

ربنا العفیف

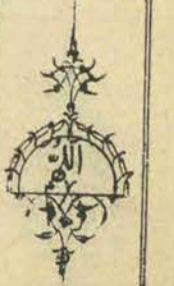
اللَّهُمَّ بَغْفِرِ الدُّنْيَا جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ وَحَقَّ رَبُّ الْعَالَمِينَ
بدرستی که خداوند می اورد که تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند
مِنْ رَحْمَتِكَ فَكُنْتُ وَمَنْ يَفْقَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا إِلَهَ الصَّالُونَ سَمِعَ
از رحمت خود بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او
نَدْبَتْنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَى دُعَاؤِكَ فَقُلْتُ أَدْعُوكَ اسْتَجِبْ لَكُمْ أَنْ
خواننده تو ما بر رحمت خود بر سر خواننده تو که بر سر خواننده تو که بر سر خواننده تو که بر سر خواننده تو که بر سر خواننده تو
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَبِّحْ لِحَمْدِكَ يَا خَيْرَ الْهَيْلِ لَعَنَ
کس که بر سر زنده که از عبادت من زود باشد در احدی نماند که خوارش گان از خدا این امر
كَانَ ذَلِكَ الْأَبْسَرُ عَلَى مَشْفُوقٍ وَالضُّوْطُ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا مَلِيحًا
بود که بر سر تو نماند بر سر کسی که من بخوانم از بر او بر سر کسی که من بخوانم از بر او
الْحَيُّ قَدَا وَعَدَّتْ السَّيِّئَاتُ بِكَ فَخُذْ عِقَابًا يَا اللَّهُمَّ وَقَدْ اسْتَبَلْتُ دَمْعِي
از خدا من بطلب و عده کرده ام که بر سر تو گان او عذرا خداوند و بطلب و بطلب و بطلب و بطلب و بطلب و بطلب
حَسْرَةَ الظَّنِّ بِكَ فِي عَيْنِي وَفِي عَيْنِي مِنَ التَّارِ وَأَمِدُّ لَكَ يَا قَالِدًا
بلیغی که گان من بلیغی که از او کردن کردن مرا از بشر و بلیغی که گان من بلیغی که از او کردن کردن
عَشْرَتِي وَقُلْتُ وَقَوْلِكَ الْحَيُّ الَّذِي لَا خَلْفَ فِيهِ وَلَا يَنْدُبُ
خطای من و گفتند و حال آنکه گفتند حق است و نیت خلدن و نیت خلدن و نیت خلدن و نیت خلدن و نیت خلدن و نیت خلدن
يَوْمَ نَدْعُوكَ أَنْتَ يَا مَلِيحًا يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ
روزیکه بخوانم هر گانه از مردمان این عالم و بخوانم از این عالم او نماند بر سر کسی که من بخوانم از بر او
وَلَا الْحَمْدُ وَأَسْرُ وَأَظْهَرُ وَأَعْلَنُ وَأَبْطَنُ يَا نَتِ اللَّهُ
و انچه بگفتند در جهان و انچه بگفتند در جهان و انچه بگفتند در جهان و انچه بگفتند در جهان و انچه بگفتند در جهان
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ
بدرستی که تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند تا ما نماند

ربنا العفیف





وَأَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَسِيْدَ الْأَوْصِيَاءِ وَقَارِبَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ
 و کواکب مدبره با یکدیگر روشن است و در سید و وصی است و ارث برنده پیغمبران
 وَفَائِلَ الْمُشْرِكِينَ وَآمَامَ الْمُتَّقِينَ وَجَاهِدَ النَّاسِكِينَ وَالْفَاسِقِينَ
 و کوفنده مشرکان و پیشوایان پرهیزگاران و وجه کوفنده با کفر زنیان شکن و وجه
 وَالْمَارِفِينَ إِيْمَانِي وَحُجَّتِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَحُجَّتِي وَمَنْ لَا رُفُقَ بِالْأَلْفِ
 و پیروان نماز دین و زنگان ایمان و حجت و راه نوا و دلیل فرخ بخت انظار و اینکه نماز ابرام
 وَإِنْ ذَكَرْتَ وَلَا أَدَاها مُخَيَّبِي وَإِنْ صَلَّحْتَ الْإِبْرَاقَ لَا يَبْدُو الْإِيْمَانِ
 اگر چه بگویند و من میم کردار را رانجه دهد مرا هر چند بگویند که در دست و کف دست او در
 بِرِيقِ الْأَفْرَادِ بِفَضَائِلِهِ وَالْقَبُولِ مِنْ حَمِيمَةٍ أَوْ التَّسْلِيمِ لِرِوَاغِيهَا
 با در اقرار کردن بفضیلتی او و قبول کردن از نظر کندگان او و تسلیم نمودن در روی
 اللَّهُمَّ وَأَفْرِقْ بَيْنَ أَوْلِيَاءِ أُمَّتِي وَبَيْنَ أَوْلِيَاءِ دَوْلَتِي وَبَيْنَ أَوْلِيَاءِ
 خداوند اقرار بکنند با وصیای او از یهودان او که امانتند و دشمنان او را امانتند و امانت
 وَأَعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَةً أَبْرَارًا وَأَنْ يَسْتَرْجِعَ ظَاهِرُهُمْ وَبَاطِنُهُمْ
 در آن نهاد و عدل نماید از انظار و نیز گان سواد کند و عقاب و درم نهان را و ظاهر را و باطن را
 حَقِيمَةً وَمَتِّبُهُمْ وَسَاهِدُهُمْ وَعَايِمُهُمْ لِأَنَّكَ فِي ذَلِكَ وَلَا أَرِيْبًا
 و زنده این و عقوبت این و کوه صراط و عقاب در آن است و در این روز و در این روز
 وَلَا تَحْوُلْ عَنِّي وَلَا أَفْعَلْ اللَّهُمَّ فَأَدْعِي يَوْمَ حَشْرِي وَحَشْرِي
 و نیت بر کشتن زنا با هم عقاب و نه بقتل با هم خداوند ایس بخوان مرا در حشر و عقاب
 نَشْرِي بِأَمَانَتِهِمْ وَأَحْشُرِي فِي دَفْنِهِمْ وَأَلْتَبِي فِي أَصْحَابِهِمْ وَأَفْعَلْ
 بر این زمین با امانت ایشان و محشر کنم مرا در کف آنها و بسوزد در نار صحرای کافران
 بِهِمْ بِأَمْوَالِي مِنْ حَرِّ النَّبْرِانِ فَإِنَّكَ أَنْ اعْفَيْتَنِي مِنْهَا كُنْتُ
 با آن ایس خداوند مرا از کفر و شرک برسان و بسوزد در کف آنها و در این روز
 مِنَ الْفِتَنِ
 از فتنه



اللَّهُمَّ وَفَدَا صَبْرِي فِي يَوْمِي هَذَا لِأَنَّكَ تَقْبَلُ وَلَا تَمْتَرُ
 خداوند نه از صبر من صبح کرده ام در این روز و نه از صبر من صبح کرده ام در این روز
 وَلَا أَمَلًا وَلَا مَلْجَأًا غَيْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِكَ مِنْ أَلِ رَسُولِكَ
 و کسکه بر او پناه ببرم و کسکه فرار بر او پناه ببرم و کسکه فرار بر او پناه ببرم
 عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ وَعُمَرَ وَعَجْرَةَ وَمُوسَى وَعَلِيَّ
 علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و عمر و عجره و موسی و علی
 وَمُحَمَّدًا وَعَلِيَّ وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ
 محمد و علی و حسن و حسین و محمد صلواتی بر آنهاست
 فَاجْعَلْهُمُ حَضْرَتِي مِنَ الْكَارَةِ وَمَعْظَمِي مِنَ الْخِائِفِ وَنَجِّتِي بِهِمْ
 بر سر کردن این سر تا کفایت از کرب و غم و پناه من از آن خوف و پناه من از آن خوف
 مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطَاغٍ وَفَاسِقٍ بَاغٍ وَمَنْ شَرَّ مَا أَعْرِفُ وَمَا أَنْكَرُ وَمَا لَمْ
 از هر دشمنی از دشمنی و کفر و فاسق باغ و دشمنی از دشمنی و کفر و فاسق باغ و دشمنی از دشمنی
 عَلَيَّ وَمَا أَبْصُرُ وَمَنْ شَرَّ كُلِّ ذَا بَرٍّ رَيْبٍ إِخْتِذْ بِمَا صَدَّقْتَهُمْ أَنْ رَيْبٍ
 بر من و آنچه بر منیم و از شر دشمنی و از هر دشمنی و از هر دشمنی و از هر دشمنی
 عَلَيَّ حِرَاطِي مُسْتَعِينًا اللَّهُمَّ تَوَسَّلْ بِنَبِيِّكَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَتَقَرَّبْ بِي
 بر کوه امانت است خداوند ایس که تو شرف من از رسولت است ایس که تو شرف من از رسولت
 بِحَسْبِهِمْ أَفْتَحْ عَلَيَّ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحَسْبِي إِلَى
 بسوی من ایس که تو شرف من از رسولت است ایس که تو شرف من از رسولت
 خَلْفَتِكَ وَحَسْبِي عِزًّا وَنَهْمًا وَبَعْضُهُمْ أَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ فَذَرِّ
 جان خود را و خود کردن از اهل نظر من و کسکه این نام بر من است ایس که تو شرف من از رسولت
 اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِكَ إِلَيْكَ فِي شَفَاعَتِهِمْ حَقٌّ فَاسْأَلْكَ
 خداوند ایس که تو شرف من از رسولت است ایس که تو شرف من از رسولت
 مِنَ الْفِتَنِ
 از فتنه



جَعَلْتُمْ لِيكَ سَبِيحًا وَفَلْتُمْ مِنْهُمُ أُمَّامًا طَلِبْتَنِي أَنْ تَعْرِفَنِي بَرَكْتُ يَوْمِي
 كذا از سره ام این نماز سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 هَذَا وَشَهْرِي هَذَا وَعَامِي هَذَا اللَّهُمَّ فَهَمُّ مَعُولِي فِي سِدْقِي وَ
 كونا از سره ام این نماز سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 وَخَائِي وَغَائِبِي وَبَلَدِي وَتَوْفِي وَتَقْضِي وَطَعْنِي وَإِقَامِي وَعَشْرِي
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 وَتُسْرِي وَصَبَاحِي وَمَسَائِي وَمَنْفَعِي وَمَقْتَوَائِي اللَّهُمَّ فَلَا تَجْلِسْ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 مِنْ نَعْمَتِكَ وَلَا تَجْهَبْنِي بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ حَمَلِكَ
 از نعت خودت و تو نمیدانی که در آن ام این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ حَمَلِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ حَمَلِكَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 مَذَاهِبِهِمْ وَأَفْخِ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَخًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ صُنْدُقٍ
 طریقی را که در آن سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 مَخْرَجًا وَإِلَى كُلِّ سَعَةٍ مِنْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 وَاجْعَلْ لِي الْبَيْتَ وَالرَّهْمَةَ وَخَلْفِي عَلَى بَرَحْمَتِكَ وَمَعَا فَانِكَ وَصِيَّتِكَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 وَفَضْلِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ حَمَلِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ حَمَلِكَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَيَكْتُبُ لِي حَسْبُكَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ



اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِثْنَاءَكَ بِأَمْرِكَ الْهَارِبِينَ وَيَا مُجِيبَ الْخَائِفِينَ وَيَا
 خداوند ما بدو سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 صَبِيحِ الْمُسْتَخْرَجِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُنْتَهَى غَايَةِ السَّائِلِينَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ يَا ذَاكَ يَا ذَاكَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 يَا حَكِيمَ يَا عَفُوفَ يَا رَحِيمَ يَا فَاهِرَ يَا عَلِيمَ يَا سَمِيعَ يَا بَصِيرَ يَا طَيِّبَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 يَا خَبِيرَ يَا فَهَامَ يَا جَبَّارَ يَا رَحْمَنَ يَا مَتَّانَ يَا سَبُوحَ يَا فَادِيَ وَسْ يَا مُقَدِّمَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 يَا مُعَبِّدَ يَا بَالِغَ يَا وَارِثَ يَا فَارِجَ اللَّهُمَّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا مُنْزِلَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت

الْحَيُّ يَا قَائِلَ الصِّدْقِ يَا ذَا الْمَلَكَةِ	و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
الْبَيْتِ وَالطَّوْلِ الْعَظِيمِ يَا مَعْرُوفًا	و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت

بِالْإِحْسَانِ يَا مَوْصُوفًا يَا لِمُنْتَانِ يَا مَنْ فَضْرَتُ عَنْهُ وَصْفُهُ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 السِّنِّ الْوَاصِفِينَ وَانْفِطَعَتْ عَنْهُ أَفْكَارُ الْمُتَفَكِّرِينَ يَا شَاهِدَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 الْخَوِيِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ وَذَافِعَ الْبَلْوَى يَا نِعْمَ النَّصِيرَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت
 يَا مُنْجِيَّ الْوَالِدِينَ يَا مُنْجِيَّ الْوَالِدِينَ يَا مُنْجِيَّ الْوَالِدِينَ
 و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت و این سوره سبوح و معوذت



در بیان عقوبات صبح

عَلَيْهَا مِنْذُوقُكَ رِسَالَتِكَ يَا أبا إِبْرَاهِيمَ أَنْ تُوَفِّيَهُ وَبِهِمَا بَيْنَ ذَلِكَ مَنْ
بر آن از وقت فرستادن آن کس و در وقت رجعت در او را و در میان آن دو
افوا له الحكمة وفعال الكرمه وقيامانه المشهوده و ساعانها
فولها من حكيم نزل و فعلها من شور ان به و مقامها من صفة كرمه و در مقام كرمه
ان نصيبا عليه كما وعدته من فضلك و نعطيه افضل ما امرت
ان يكرهت بفرستادن او چنانچه وعده كرده از آنجا بنمود و على من ياد اخصها كرمه
من تو اياك و توفيت لذاتك منزلة و تعلق عندك درجة
از تو اياك و توفيت كرمه خود و در مقام كرمه و بلند كردن رتبه خود در نزد
و تبعته المقام المجد و توفيقه حوض الكرم و الجود و على الله
و بفرستادن او را بجهت بفرستادن او و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
الطيبين الاطهار المنجيين الارباب و على خير من و ميسر و اللذات
چنانچه كرمه و جود او در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
المؤمنين و على جميع الانبياء و المرسلين و الشهداء و الصالحين
مؤمنان و بر جميع پيغمبران و رسولان و شهدا و صالحان
اللهم اني اصبح لا املك لنفسي حرا و لا نفعا و لا موتا
خداوند ابراهيم كه در حق صفت تمام كرمه و جود او در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
و لا حيوه و لا شورا و لا تقطعت و سائل و قد هبت مسائل
و نه در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
و قد تاصرتي و اسلمتني اهلي و و لذي اللبنة و قد اكدني الطل
و جوار كرامت بفرستادن او و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
و احببت الحبل الاعدتك و انقطع الطرف و ضاقت المذ
و جوار كرامت بفرستادن او و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه



در بیان عقوبات صبح

و در دست الامال و انقطع الرخاء الامنك و كذب الظن
و در دست و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
و اخلفي العدة الاعدتك اللهم ان مناهل الرجاء
و خلدت كرامت و عدما مكر و وعده تو خداوند از آنجا بفرستادن او
لفضلك منزعجة و ابواب الدعاء لمن دعاك مفضي و الاستغا
مرفضه من مملوت و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
من استغنان بك عبادة و الاستغانة من استغاث بك مؤمن
بر آن كرمه و جود او در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
و انت لدايمك بموضع اجابة و اللسان اليك و في الاثنا
و توفيقه خود را و جوار كرامت بفرستادن او و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
و للفاصد اليك قريب المسافة و انت لا تخيب عن خلفك
و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
الا ان نجبهم الاعمال السببة و قد علمت ان افضل زاد الرا
مكره ايضا كه در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه
اليك عنم اراذله و اخلاص نبي و قد دعوتك بعزم اراذلي
ببروت عن اراذله و اخلاص بودن نبي و جوار كرامت بفرستادن او
و اخلاص طوبى و صادق نبيها انا اذ امسكتك
و اخلاص بودن طوبى خود و در مقام كرمه و جود او در مقام كرمه



بأشك اسبرك فمرك
مخرج توام لا سير توام
سلمات منقناك فارخ
سوال كنده توام انات كنده و ضاقت توام

و جانتک و انت اولی بنصر الوالی بک و احسن بر عابہ المنقطع
اسم در آیه اولی بنصر الوالی بک و احسن بر عابہ المنقطع
لیکست سیری لک مکشوف و انا البیت مالمهوف اذا اردت
سیرت در برار و ظاهر است که در هر کس که در راه حق راه را بر او
باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند

حسنتی القریه انشی بک و اذا
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
صبت علی الامور اسخرت بک و اذا
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
تلاحت علی الشدائد املتک و ان
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
بذ هب بی اوب عنک و اوقمت الامور
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
کامها بک صاوتة عن فضائک
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
مدعنة بالخنوع لعلک و انک قنیر
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
الی عفتک ذات فاقه الی صحتک
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند

و نالی الضر و شملتني الخصاصة و عرفتني الحاجة
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
و نومت بالذل و علفتني المسکنة و حفت علی الکلمتی
و حلت از در و از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند

و احاطت فی الخیطة و هذا الوقت الذی بک عدت اولی
و احاطت در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
فیبدا الاجابة فاشح ما بدیمینک الشافیة و انظر الی بعینک
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
الراحمه و اذ خلعتی فی رحمتک الواسعة و اقبل علی بوجهک
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
بأذا الجلال و الاکرام فانک اذا اقبلت علی اسیر فکنت
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
و علی ضال هدیته و علی جار اوبته و علی ضعیف قوتته
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
و علی خائف امنته اللهم انک انعمت علی فام اشکر و ابلیت
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
فلم اصبر فلم توجب عجزی عن شکرت منع المؤمن من فضلتک
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
و اوجب عجزی عن الصبر علی بلائک کشف ضرتک و انزل
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
رحمتک فبا من قل عند بلائک صبری فعا فانی و عند نعمتک
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند
شکری فاعطانی اسئلت المزید من فضلتک و الارباع
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند

شکرت و الاخذاء تنعمتک
و اعجو العافیات
در هر کس که در راه حق راه را بر او باز کند و او را از هر چه که در راه حق مانع است برطرف کند



وَأَسْبَغَ النِّعْمَةَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَذِي اللّٰهُمَّ لِأَخْتِ
دعا در نماز صبح بر سبب تو بر همه چیز تو انعام خواهی و نماز را
مِنْ يَدِكَ وَلَا تَنْزِكُنِي لِمَا لِعَدْوِكَ وَلَا لِعَدْوِي وَلَا لِأَخِي
از دست خود و دعا که از راه عدو من تو و از راه من تو در حق من
مِنْ لِحافِكَ الْكَفِيَّةِ وَكَفَايَتِكَ الْجَمِيلَةِ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِيكَ
از لطفها که کفایت و کفایت این جمیله هذا مقام العائديك
اللّٰهُ أَكْبَرُ الْعَقُولِ السَّجْدِ بِعِزِّ جَلَالِكَ فَذَلِكُنِي أَعْلَامُ فَذَلِكَ
و العباد و انوار با عزت و جلال تو سجدت و درود و شکر و حمد
فَأَيُّهُ إِثَارَةٌ وَرَحْمَتِكَ اللّٰهُمَّ تَوَلَّنِي وَلَا يَبِئْسَ لِي جَانِبٌ مِّنْهَا
سزا و با علم رحمت خود و خداوند متعال و متوالی و متوالی و متوالی
وَاعْطِنِي عَطِيَّةً لَا أَحْتَاجُ إِلَىٰ عَيْتِكَ مَعَهَا فَإِنَّهَا لَبَسَتْ بِي
و عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا
مِنْ وَلَا يَبِئْسَ لِي جَانِبٌ مِّنْهَا عَطِيَّتِكَ إِزْفِجِ الصَّرْعَةِ وَالْعَيْشِ
از دست تو و عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا عطا کن مرا
لَسْقَطَةً وَتَجَاوَزَ عَنِ الزَّلَّةِ وَأَقْبَلَ التَّوْبَةَ وَأَنْجِمِ الْهَفْوَةَ
عزیزه و بگذر از لغزش و قبول کن توبه مرا و رحم کن افکاره
وَأَنْجِمِ مِنَ الْوَرِظَةِ وَأَقْبَلَ الْعَثْرَةَ بِأَمْنِهِ الرِّجْبِيَّةِ وَغِيَاثِ
و نجات ده از خطا و بگذر از لغزش و بگذر از لغزش و بگذر از لغزش
لَكَرْبِيذٍ وَوَعْدِ النِّعْمَةِ بِوَصَائِحِي فِي الْعَرِيفِ وَالْكَرِيمِ
از دهانه نهد و وعده نعمت و وصایای من در عریف و کریم
و رَحْمَتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
و رحمت دنیای من و آخرت

۷۸

من

مِنْ وَحَضْرَةِ الْمُرْتَلَةِ فَفَعَدَ كِبُوتُ وَثَبْتِي عَلَى الصِّرَاطِ السَّيِّدِ
از محض لطف تو و در حضور مرتله ففعد کبوت و ثبوت بر صراط سید
وَإِلَّا فَوَيْتَ بِهَا هَادِي الطَّرِيقِ يَا فَارِحَ المَصْبُوحِ يَا رَحِيَّ المَصْبُوحِ
و الا فویت بها هادی الطریق یا فارح المصبوح یا رحیمی المصبوح
يَا رَكْبِي الرَّسِيقِ أَخْلَجَ عَنِّي المَصْبُوحِ وَالْكَيْفِي شَرَّ مَا أُطِيقُ وَشَرَّ
یا رکب منی الرسیق اخرج منی المصبوح و کیفی شر ما اطاق و شر
مَا لَا أُطِيقُ يَا أَهْلَ النُّقُوتِ يَا أَهْلَ المَعْفِرَةِ وَالْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ
ما لا اطاق یا اهل النقوت یا اهل المعفرة و العزّة و القدر
وَالْإِلَاءِ وَالْعِظْمَةِ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ وَالْكَرَمِ النَّاطِقِينَ
و الالاء و العظمة یا رحم الراحمین و الکرم الناطقین
وَرَبِّ الْعَالَمِينَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَلَا خَيْبَتِي
و رب العالمین لا قطع منک رجائی و لا خیبتی
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و الحمد لله رب العالمین
وَلَا يَجْهَدُ بِلَايٍ وَلَا شَيْءٍ فُضَائِي وَلَا يَجْعَلُ النَّادِمَا
و لا جهد بلبای و لا شیء فضائی و لا جعل النادماء
وَأَجْعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوَايَ وَاعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا مَنَامِي وَيُلْغِنِي
و اجعل الجنة مثنوی و اعطنی من الدنیا منامی و یلغنی
مِنْ الْآخِرَةِ أَمَلِي وَرِضَائِي وَأَنْبِيَاءَ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
من الآخرة امالی و رضائی و انبیاء الدنیا حسنة و فی
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِنَاعَ عَذَابِ النَّارِ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الآخرة حسنة و فیناع عذاب النار انت علی کل شیء قدير
وَرَبِّ الْعَالَمِينَ
و رب العالمین

۷۹

عبدال

بگو خداوند از آن سخنان
در حق خود بفرموده است که
و ان اراد ان يظلم احدكم فليقبل

لنصفه لله الذي خلق الليل والنهار بقوة ومات بينهم
بفقدانه وجعل لكل واحد منهم احدا محذورا واما
موفوا بما مددوا بوجع كل واحد منهم ما في ضاحيه و
بوجع ضاحيه فيه بنصفه من العباد واما بعد و
يا ايها الذين آمنوا اذبحوا ما كان لله منكم
من حركات التعب وانهضات النصب وجعل الله
للباساء اليسوا من راحتهم ومنامهم فيكون ذلك

اجاما و قوة و كما لو
بذلته و شهوة و خلق
الاشياء كلها

مبصر البصير
فبئس ما يبغون الى

در زنده و تر خوافی از خصم طلبا ما في منزل العاقل
من دنياه و تدرك الاجل في اخرتهم بكل ذلك
سائرهم و يبطلوا اخبارهم و يبطلوا في اوقات طارئة
و منازل فروضه و موافق احكامه لئلا يذنبوا
بما عملوا و محرمي الذين احسنوا الحسنى الكريمة فلان
عليه ما افلقت لنا من اصباح و منعنا يد من صنوع النعمان

الافاق اصبحنا و اصبحنا
الاشياء كلها

من
فقط



در بیان تعصبات صحیح

لَكَ سَمَائُهَا وَأَرْضُهَا وَبُشَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا سَائِكُنْهُ وَ
 از هرگز تو همان آنها و زمین آنها و آنچه هست در هر یک از این زمینها سائیک
 مَخْرَجُكَ وَسَاحِصَهُ وَمُقَبِلَهُ وَمَا عَلا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كُنَّ تَحْتِ الْكِبَرِ
 و جنبه او و چشم و حقه او و اقامت کند از او آنچه بالرفعه است در هر روز از هر یک
 اجْتَمَعْنَا فِي قِبْضَتِكَ حُجُوبِنَا مَمْلُوكَاتِ وَسُلْطَانِكَ وَرَضْمَتِنَا
 جمع کردیم در پنج افتاد از تو و سبک کردیم از ملک تو و این بر تو و جمع میکند ما را
 مَشِيَّتِكَ وَتَنْصَرَّتْ عَنْ أَمْرِكَ وَتَقَلَّبَ فِي تَدْبِيرِكَ كَثِيرٌ
 خوب تو و تصرف میکند در کار ما با هر تو و هر کردیم از جلال جلال در آنچه بخت تو است
 لِنَامِنِ الْأَمْرِ الْأَمَّا فَضَيْتَ وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَحْطَبْتَ اللَّهُمَّ
 ما را از کار خود مگر آنچه از تو در حق ما قرار دادی و نیز از بخت تو مگر آنچه عطا فرمودی خداوند
 وَهَذَا يَوْمٌ خَائِفٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَيْدٌ إِنْ أَحْسَنَّا
 این روز است حادث نوید تازه و او بر ما شاهد است در روز عید اگر احسن کنیم
 وَدَعْنَا مُحَمَّدًا وَإِنْ أَسَأْنَا فَادْفِنَا بِدَمِ اللَّهِ مُحَمَّدًا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 و داغ میکند ما را میماند و اگر بد کردیم با ما فرزند محمد زنا کند خداوند او را عید غمناک
 وَادْفِنْنَا حَسَنٌ مُصَاحِبِيهِ وَأَحْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُقَادِفِيهِ بِأَدْوَانِ
 در روز کنز ما خوب است مصاحب داشتن با او در روز و ننگه ما را در روز بد رفتن او از بد رفتن او
 جَرِيرَةٍ أَوْ قَتْرَافٍ صَعْبَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ وَأَجْرُكَ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنِ
 معصیت یا کتب یا گناه کوچک یا گناه بزرگ و پاداش تو در روز از ما در روز از ما در روز
 وَأَخْلَيْنَا فِيهِ مِنَ الشُّبُهَاتِ وَأَمْلَأْنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا
 و صاف ساختن ما در این روز از بهر آنکه او را از هر یک از اینها حلال و حلال و حلال
 وَأَجْرُكَ وَخَيْرٌ
 و فضل او احسانا آنچه بود جز او هرگز
 اللَّهُمَّ تَسْرِعْ عَلَى الْكِرَامِ
 و فضل و احسان
 خداوند از این که هر روز در نگاه



در بیان تعصبات صحیح

الكَائِبِينَ مَوْنِنًا وَأَمْلَأْنَا حَسَنَاتِنَا صِحَابًا وَنَحْنُ نَأْتِيهِمْ
 از هر یک از اینها مونس و مونس و پر کنیز از هر یک از اینها در راه او و هر یک از اینها در روز
 لِسُوءِ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَقًّا
 بسبب کار ما یا بد یا خوب خداوند چه بگردان روزی هر ساعت از ساعات او را حقا
 مِنْ عِبَادَتِكَ وَتَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدًا صِدْقِي مِنْ مَلَأْتِ
 از پرستش خود و در نصیبش از شکر تو و شاهدی صحت من را مملو کن
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و نگاه دار او را از روز از پیش رو ما تا ما بجا بمانیم
 وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شِمَائِلِنَا وَمِنْ جَمْعِ نَوَاجِيزِنَا حَقًّا
 در پشت ما و در برابر ما و از چپ ما و از راست ما و از همه جایها را نگاهدار حقا
 عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعِيزًا لِمَجْنِبَتِكَ
 نگاهدار از گناه تو که از معصیت تو راه نماند ما را به طاعت تو که از فریب تو ما را برساند
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلِبَلِينَا
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و توقف کن ما را در روز ما و این شب ما
 هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهَجْرِ الشَّرِّ وَشُكْرِ اللَّهِ
 این شب و در هر روز ما را و در همه روزهای ما را از کار خوب کردن و دور کردن از شر و شکر کردن
 وَتَتَابَعِ الشُّكْرِ وَتَجَانِبِ الْبِدْعِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 و پیوستگی شکر و دور کردن بدعتها و امر کردن بجهت نیکی و نهی کردن از کارهای بد
 وَحِطَّاطَةِ الْإِسْلَامِ وَاسْتِغْفَارِ الْبَاطِلِ وَإِذْ لَالِدِهِ وَنُصْرَةَ الْحَقِّ
 و محافظت کردن بحد اسلام و استغفار از باطل و یاد کردن او را و نصرت حق
 وَأَعِزَّنَا فِي الْوَأَسْبَابِ
 و عزیز گردان ما را در همه سببها
 الصَّالِّ وَمُعَاوَنَتُهُ
 و صلوات و معاونت او
 الضَّعِيفِ وَإِذْ ذَلِكَ
 در روز و در روز و در روز
 الضَّعِيفِ وَفِي ذَلِكَ



بدا نکه این نماز کریم

ان از تعقیب ما خواند است از روایات متعدده و جمیع نشانه
 دو روایت واحدی پس از آنست که افشاء و تباہی بر بعضی اذان هرگاه
 وسعت نداشته باشی از برای همه و هرگاه بسای در نفس خود
 سستی و مندی پس تکلیف میسر ما انرا بی میل بسوی آن و اقبال بر
 زبراکه زود و اقبال بر روح عبادت و دعاست

نشستن خود در مصلاهی خود بعد از
 فراغ از نماز صبح تا آنکه طلوع کند
 آفتاب هر چند نبوده باشی مشغول
 بتعقیب پس بخصیص کرد و ابیت شد
 از حضورت امیر المؤمنین علیه السلام که
 فرمودند که هر که نماز کند و نشیند
 در مصلاهی خود تا طلوع آفتاب
خود اهدا کند بود از فرایند

سپس از آن و منزه آن خواندن پس بعد از تعقیب
 پس بدو سینه که خوانده ان در صبح همیشه محفوظ است و روزی داده شده
 تا آنکه شام کند و این سورئ بقا دفعه میگویند جهت آنکه دفع میکند از
 خواننده خود هر شیئی و او فاضله نیز میگویند باعث آنرا آنکه بر حیا او و از برای
 خواننده خود

بدا نکه وارد است فیه روزی و از ده ساعت سبب هر ساعتی یکی

در خلو ص
 در دعای سیده باشد
 در اقصی منظوم در نظر
 باشد که هر وقت
 در اعلان
 جلت
 عظمت
 این

این عشره علیه السلام

و خصیصه ان بی غایت که خوانده شود در آن هر نماز که میکنیم هر یک از انها را
 با دقایق آن در محل خوانده آنست پس ساعت اول همین ساعتی است که کلام خدا در آن
 در آن آنست یعنی مینامد طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این مذکور است

بِحَضْرَتِ امیر المؤمنین
 علیه السلام و دعا این است
 اللَّهُمَّ رَبِّ الظُّلَمِ وَالْقُلُوبِ
 ادر ما در نماز هر روز در نماز هر روز
 وَالْقَبْرِ وَالشَّقِيقِ وَاللَّسَلِ وَمَا
 ادر ما در نماز هر روز در نماز هر روز
 وَسَوْنٍ وَالْقَصْرِ اِذَا الشُّوقِ
 ادر ما در نماز هر روز در نماز هر روز
 لِحَالِقِ الْاِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ
 ادر ما در نماز هر روز در نماز هر روز
 اصْحَرَتْ فَذَرْنَتْ بَسِیْجِ
 ادر ما در نماز هر روز در نماز هر روز

صَدَعِيكَ وَخَلَفْتَ عِبَادَتِكَ لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ
 صنع خود در آن و افرموده تو بندهگان خود را آنچه تکلیف کرده باشی از عبادت تو در راه نور
 بکرم فضیلتک الی سبیل طاعتک و نقره دت فی ملکوتک تعظیم
 سبب بزرگواری و رضایت در امور طاعت خود و بجا نماندن تو در تمام عالم ملکوت خود

و تَوَدَّتْ الی خَلْفِكَ بَعْدَهُمِ الْاِحْسَانِ وَ تَعَرَّفْتَ الی بَرِيَّتِكَ
 و بجا نماندن تو در تمام عالم ملکوت خود در راه نور خود در تمام عالم ملکوت خود

۱۳

روزنامه شکر در هر ساعت

بِسْمِ الْاِثْنَيْنِ يَا مَنْ بَسَّلَهُ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ
 بزرگوار است که از سید سوال میکند او را در این دنیا و در آنجا هر روز او
 فِي شَأْنِ اسْتَلْتِ اللّٰهَ مُحَمَّدًا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ الَّذِي تَزَلُّ الرُّكُ
 در کار و امر است سوال میکنم خداوند ای محمد از پیغمبر (ص) فرود آمده است بوسیله
 الْاٰمِنِينَ عَلٰى قَلْبِهِ لِيَكُوْنَ مِنَ الْمُنزَّلِيْنَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ وَ
 ای امینان که بر قلب من نازل شد تا از زبان من نازل شود که از زبان عربی ظاهر شود
 يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ اِبْنِ عَمْرِو الرَّسُوْلِ وَيَعْلُ الْبَتُوْلِ
 ای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) پسر رسول (ص) و پسر بی بی
 الَّذِي خَرَجْتَ وَاٰتِيْتَهُ عَلَى الْكَلْبِ وَكَانَ بَدُوْرًا حَيْثُ وَاْدَ الْحَوَاتِيْنَ
 و او که در آن روز که در کلبه بود و در آنجا که کلبه کلبه
 نَصَبَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاِلَى مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتَهُمْ وَاَسْبَلْتِيْ اِيْمَانِيْ
 رحمت بفرست بر محمد (ص) و بر محمد (ص) پس بفرست بر محمد (ص) این را و بفرست بر محمد (ص)
 وَيَبِيْنَ بَدِيْ حَوَاتِيْ وَاَنْ تَعْرِضَ لِيْ رُبِّيْ وَتُطَهِّرَ قَلْبِيْ وَتَسْتُرْ عَيْبِيْ
 و بفرست بر من ای حواتی و ای خداوند که مرا و پاک گردانند مرا و بپوشانند عیب مرا
 وَتَقْرِبْ كَرْبِيْ وَتُبَلِّغْنِيْ مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ اَمَلِيْ وَتَقْضِيْ
 و در نزد من از تو را از طاعت تو و عبادت تو از تو را در بر آور
 اِي حَوَاتِيْ لِلدِّيْنِ وَاِلَى الْاٰخِرِيْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
 ای حواتی برای دین و برای آخرت ای مهربانترین مهربانان

و چنان است که بگردانی این دعا را از جمله تعقیب صید و باید که بوده باشد
 اخراجی بخامی و روی آنرا بعد از نماز و سجده شکر پس بخشود که روایت
 کرده است و این حدیثی است در فضیلت آن حضرت ابی عبد الله علیه السلام
 که فرمودند که سجده شکر واجب است بر هر مسلمان و تمام کنی بان
 نماز خود و هر کس که در آن نماز برود کار خود را و بیشتر گفتن

روزنامه شکر در هر ساعت

ملائکه از نو و بدست سینه شکرگاه نماز کند و بعد از آن سجده کند سجده
 شکر و این میباید هر روز در کجا باشد و اینان بنده و مینان ملائکه که پس
 مفرطان این ای ملائکه من نگاه کنید بر بنده من که بخاورد و ده است فرض مؤمن
 و تمام کرده است و عهد مؤمنان بر بنده کرده است برای من که شکر را بخورد
 انعام کرده ام من بان ای ملائکه من چه چیز است برای ما و پس میگویند ملائکه
 پروردگار و صحت نور باز مفرطان خدا بفرماندگان آن دیگر چه چیز است برای
 پس میگویند ملائکه ای پروردگار ما که کفایت مهم و طلبت او باز مفرطان
 خدا بفرماندگان ما که چه چیز است برای او پس بفرماندگان ما که چه چیز است
 مگر اینکه میگویند ما ملائکه که پس مفرطان خدا بفرماندگان ما که چه چیز است
 چه چیز است برای ما پس میگویند ملائکه ای پروردگار ما که کفایت علی از برای ما
 پس مفرطان ما که خدا بفرماندگان ما که چه چیز است که ما را از برای ما
 شکر کردیم و روی میآورد سوی او و بفرست خود و مینما بان با و صحت خود
 و استسنا است طول دادن این سجده ها پس بخشود و طلبت کرده است که
 ضربه نیز که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام میفرستند و بعد از آنکه
 نماز صبح میگردند پس بر بنده اشند سر مبارک را تا آنکه بلبند میبندد و
 پس هرگاه بکنی این دو سجده را از این میبکنی ز دعاهای خود را بر زمین
 و میبستانی مینه خود را و شکر خود را بر زمین و میبانی آنچه را در او است
 که در وقت اسلام در کاف است چون از حضرت ابی عبد الله علیه السلام سر میبندد و در

اِنِّ اشْهَدُكَ وَاَشْهَدُ مَلَائِكَتِكَ وَاَنْبِيَاءَكَ وَجَمِيْعَ خَلْقِكَ
 در سجده که میگردند و کوه میگردند در شکران تو و در زمین از من که تو را
 اَنْتَ اَنْتَ اللّٰهُ رَبِّيْ وَاِلٰهِيْ وَاَسْلَمُ وَاَسْلَمُ وَاَسْلَمُ وَاَسْلَمُ وَاَسْلَمُ وَاَسْلَمُ
 هر چه که تو را خدا پروردگار در تمام روز و هر چه که تو را خدا پروردگار در تمام روز



يُنْبِي وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى

وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّدًا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

أُمَّتِي بِرَأْسِ الْأُولَى وَمَنْ رَاعَى أَهْلَهُمُ انْتَبَهَأَ

بِعَدَاةِ مَنْ مَكَرَ فِي سَبِيلِي

اللَّهُمَّ إِنْ أَنْشَدَكَ دَمَ الظُّلْمِ

اللَّهُمَّ إِنْ أَنْشَدَكَ يَا بَوَائِكَ عَلَيَّ أَنْفِيكَ لَا وَبِأَنَّكَ هَذَا

لِنُظْفِرَ نَهْمُ بَعْدُ وَلَكَ وَعَدُوَّهُمْ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ وَعَلَى الْمُسْتَوْفِظِينَ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بِعَدَاةِ مَنْ مَكَرَ فِي سَبِيلِي

اللَّهُمَّ إِنْ اسْتَلَّتْ لَيْلِي بَعْدَ الْعَرَبِ

بِالْكَفِيِّ جِبِينَ فَعَسَى بِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيؤُ عَلَى الْأَرْضِ يَا رَحِيْبُ



يَا بَابِي خَلْفِي مُحَمَّدِي كَانَ عَرَّ خَلْفِي غَنِيًّا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْحَمْدُ

وَعَلَى الْمُسْتَوْفِظِينَ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بِعَدَاةِ مَنْ مَكَرَ فِي سَبِيلِي

بِأَمْرِكَ كُلِّ حِيَارٍ وَبِأَمْرِكَ كُلِّ ذَلِيلٍ فَدَعَّرَ نَبِيَّكَ بَلَدِي مَجْهُودِي

بِأَحْتَانٍ بِأَمْتَانِ يَا كَسْفَ الْعَرَبِ الْعَطَاءِ

وَعَصَبَتِكَ بِصَوْتِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَّ نَبِيَّكَ لِأَخْرَسَتِي

وَعَصَبَتِكَ بِصَوْتِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَّ نَبِيَّكَ لِأَكْمَهْتِي

وَعَصَبَتِكَ بِصَوْتِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَّ نَبِيَّكَ لِأَكْمَهْتِي

وَعَصَبَتِكَ بِصَوْتِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَّ نَبِيَّكَ لِأَكْمَهْتِي

وَعَصَبَتِكَ بِصَوْتِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَّ نَبِيَّكَ لِأَكْمَهْتِي

وَعَصَبَتِكَ بِصَوْتِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَّ نَبِيَّكَ لِأَكْمَهْتِي



باز است هر ساعت اول کمان میان طلوع است تا طلوع آفتاب آن حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام است و هر که در آن روز دعا بخواند در جمله اعمال او نون
 پس هر چه ذکر میکنیم در این مقام آنچه مخصوص باین وقت است پس بگوید
 که ساعت دوم از طلوع آفتاب است تا طرف مشرق شدن شرجی آن و این ساعت مخصوص
ایمان حسن علیهم السلام
 در این ساعت در آن ساعت از دعاها
 اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَالِكِ الْبُطْحِ وَالْفُجْرِ
 خداوند آفرایننده آسمانها و زمین و مالک کون و دابق و
 وَمَدَبِ الْأَبْرَامِ وَالنَّفْثِ وَمَنْ لِيَجْتَبِ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَيَكْفُرْ
 و مدبیر ابرام و نفث و من است که بخواهد تو را بخواند و تو
 السَّوءَ يَا مَالِكُ يَا جَبَّارُ يَا وَاحِدُ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا مَنَّانُ
 ای مالک ای جبار ای واحد ای عزیز ای بخشنده ای مهربان
 لَا تَذَكِّرْهُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ يَذَكِّرُكَ الْأَبْصَارَ يَا مَنْ لَا يَمْسُكُ حَشِيدَ
 ای مالک ای که چشمها را نداند و تو را تذکره میکند چشمها چون آرزو میکند مالک را و تو را
 الْأَنْفَاقِ وَالْأَنْفَاقِ وَالْإِمْلَاقِ يَا كَرِيمُ يَا ذَا أَنْبَاءِ سَيِّدِ
 ای نفق و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف
 بِاللَّعْمِ قَبْلَ الْأَسْحَابِ يَا مَنْ يُزِيلُ الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 مِنْ عِبَادِهِ لَيْسَ يَوْمٌ لَمْ تَلَأْ فِي كِبْرَتِكَ عَلَيَّ وَصَغُرْتُ فِي جَنَابِكَ
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْيَابِ وَمَسْتَبِ الْأَسْبَابِ وَمَالِكِ الرَّقَابِ
 خداوند ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید



سَبِيٍّ وَجَجْرِي يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ رِسْوَاهُ عَلَى كَيْفِ ضَرِي أَنْ نُصَلَّ عَلَى
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 مُحَمَّدٍ وَسُورِكَ الْمُخَارِ وَجَنَّتْ عَلَى الْأَبْرَارِ وَالْفَجَّارِ وَعَلَى أَهْلِ
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 الطَّاهِرِينَ الْأَخْبَارِ وَأَنْتَ سَلِّ إِلَيْكَ بِالْأَنْزِعِ الْبَطِينِ عِلْمًا
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 وَيَا إِمَامَ الرِّبِّيِّ الْحَسَنِ الْمَقْتُولَ سَمَاءً فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 إِلَيْكَ وَقَدْ مَنَّهُمْ أَمَامِي وَيَنْ بَدِي حَوَائِجِي أَنْ تَرْتَدِّدَ مِنْ لَدُنْكَ
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 عِلْمًا وَهَبْ لِي حِكْمًا وَجَنِّ كَسْرِي وَتَشْرِحْ بِالنَّفْوَى صَدْرِي
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 وَتُرْحَمِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ وَيُرْكَرِنِ إِذَا شِئْتُ فِيهَا ذِكْرِي
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 بِرَحْمَتِكَ يَا
 ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید
 اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْيَابِ وَمَسْتَبِ الْأَسْبَابِ وَمَالِكِ الرَّقَابِ
 خداوند ای که در آن میگذرد از خوف خورشید و در آن ای که در آن میگذرد از خوف خورشید



ان اردو فوسق
در رسالہ نسبت کرم ساعی

وَسَمِعْتُ الصَّعَابَ يَأْتِيهِمْ بِأَنْوَابٍ بَأَكْرَمِ مَا وَقَّابَ بِأَمْتَحِ الْإِبْرَاهِيمَ
 وَبِأَمْتَحِ صَنْدُوقِ إِسْرَائِيلَ وَأَسْمَاءَ ابْنَةِ مُوَيْسَ الْكَلْبِيِّ وَأَمْتَحِ إِسْرَائِيلَ بْنِ
 بَابُو مَن بَحَثْتُ مَا دَعَى أَجَابَ بَابُ مَن لَيْسَ لَهُ خَاجِبٌ وَلَا نَوَاتٍ بِأَمْنٍ لَيْسَ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى جَوَابُ دَائِدَةُ الْإِسْكَنْدَرِيَّةُ وَهُوَ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 لِحِزِّ الْأَنْبِيَاءِ فَعَمَلٌ وَلَا بَابُ مَن لَاحِظٌ بِسُوءٍ وَلَا يَضْرِبُ رُؤُوسَ خِيَابِ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 بِأَمْنٍ يَزِيدُكَ مِنْ نِبَاءٍ بَعَثَتْ بِهَا رُسُلًا بِأَعْقَابِ الذُّبَابِ وَقَالَتِ النَّوْبِ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 تَشَدُّبِ الْعُقَابِ اللَّحْمَةُ أَنْفَطَعَ الرَّجَاءُ الْأَمْنُ فَضَلَّتْ خَاطِبُ
 وَبَلَدَتْ (عقابتی ستمند) خدای خداوند بجزا اشرف است از خود او مگر از خضرت تو و ...
 الْأَمَلِ الْأَمْنِ كَرَمِكَ فَاسْتَلْتُ بِمُحَمَّدٍ وَسُئِلْتُ وَبَعَلْتُ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 أَبِي طَالِبٍ صَفِيَّتِكَ وَبِأَجْنِبِ الْأِمَامِ النَّبِيِّ الرَّيْحِيِّ الَّذِي اسْتَعْرَاكَ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 لَيْفَتُ مَا بِنَعَا عَمْرٍ مَضَائِكَ وَجَاهِدِ النَّاسِكَ بِعَنْ حَبْرٍ طَائِعِكَ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 وَفَقَلُوا سَاعِبًا ظَمَانًا وَهَلَكُوا بِحَرْمَةِ نِعْمًا وَعُدُوا وَأَنجَلُوا
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 رَأْسُهُ فِي الْأَنْفِ وَأَحَلُّهُ مَجْلُ أَهْلِ الْبَعَادِ وَالشَّقَائِ اللَّحْمَةُ فَضَلْتُ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَجِدْتُ عَلَى الْبَاعِي عَلَى حَيْبِ نَبِيِّ لَعْنِكَ وَالتَّعْلَامَاتِ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 وَتَحَطَّتْ وَتَكَالَتِ اللَّحْمَةُ إِنِّي اسْتَلْتُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِمْ
 وَتَحَطَّتْ وَتَكَالَتِ اللَّحْمَةُ إِنِّي اسْتَلْتُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِمْ

عليه
از کرم

ان اردو فوسق
در رسالہ نسبت کرم ساعی

وَأَمْتَحِ بَيْنَ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ
 وَبِأَمْتَحِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ
 فِي إِحْسَانِكَ وَتَوَالِيكَ وَلَا يَحُفُّكَ الشَّرُّ الْمَسْدُ وَلَا عَمَلٌ مِنْ جِهَتِكَ وَلَا يَشْتَرِي عَقْدُ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 طَوْلِكَ وَيُعِيكَ وَوَقْفَتِي لِلْغَيْرِ مِنْ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ بَيْنِ
 فَضْلِكَ وَتَعْمَارِكَ وَرَفْقَتِي بِهِ مَا لَيْسَ بِكَ تَزِيدُكَ بِكَ بِكَ وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ
 أَفْضَلُ مَا أَنْجَارُ الْفَيْضِ مِنَ الشَّرِّ مَا أَخَانُ وَأَخْتُ وَبِزَحْمِكَ يَا زَحْمَةُ الرَّابِعِينَ
 فَاحْتَرَمْتُكَ إِذَا كَرِهْتُكَ وَأَخْتَتُ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ
 وَسَاعَتِ جِدَامُ أَرْبَابِي شَدَّ دُونَ رَأْسِهِ وَأَخْبَرُكَ بِأَمْتَحِ مَنْ مَوْلَى بَعَثَتْ
 فَإِنَّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ وَكُلُّ شَيْءٍ سِوَاكَ وَجَيْتُ الْكِرَامِ هَالِكٌ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 سَتَرْتِيقَ تَقْدِيرَاتِ الشَّيْءِ الشَّوَالِيكِ وَأَطْرَقَتْ بِمُحَمَّدٍ تَقْدِيرَاتِ الْعَيْبِ السَّوَالِيكِ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 أَنْطَرَتْ بِمُحَمَّدٍ تَقْدِيرَاتِ الْعَيْبِ السَّوَالِيكِ وَأَطْرَقَتْ بِمُحَمَّدٍ تَقْدِيرَاتِ الْعَيْبِ السَّوَالِيكِ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 مِنَ رُقْدَةِ الظُّلَمَاتِ لِقَوْلِكَ يَا بَصِيحُ يَا بَصِيحُ يَا بَشِيرُ يَا غَفُورُ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 يَا حَسْبُكَ يَا مَنِ بَعِمَ خَاشِعَةً الْأَعْيُنِ وَمَا تَحْفِي الضَّمِيرَ يَا مَنِ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَعْيُنِ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى
 وَبِالْآخِرَةِ وَهِيَ حِكْمَةُ الْحَيَاةِ فَاسْتَلْتُكَ سُؤَالَ الْبَائِسِ الْخَسِيرِ وَأَنْصَرَعُ إِلَيْكَ
 إِذَا رَكِبَهُ ارْكَبَهُ مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى مَوْلَى

عليه
از کرم

عليه
از کرم

الصالح الكبير واوكل عليك نوكل الخاشع المستجير واقف بنايات
وغيره من روزنامه کبیرا که در روزنامه کبیرا در روز...

اجلا و سبانا
روزنامه کبیرا در روز...

بنايات و نقصان و آنچه او در روزنامه کبیرا در روز...

فصل...

بنايات و نقصان و آنچه او در روزنامه کبیرا در روز...
روایت کرده است که در روز...

فصل...

بنايات و نقصان و آنچه او در روزنامه کبیرا در روز...
روایت کرده است که در روز...

نسخه کبیرا در روز...

نسخه کبیرا در روز...

نسخه کبیرا در روز...

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين وآله الطيبين
التامه واز نرحمك خود چگونگی بر پایداری تو را در حق و با حقیت او واجب است

بشارت است که در بخشیدن که منعم است استاج شعبه از آن در تحب است از نمازین ما
که چون انکار میکنند از انکار و با آنکه در وقت کرده و کتابها خوانده و غیره است الله
علیه و آله کفر و فرموده است که از انقطاع و امر کرده که بیلی گفته است در کتاب
صالح انقطاع است تمام است که سیر و پند از نرحمکت و در حدیث و انفع
شده است که بگوید صلی الله علیه و آله که در است از انقطاع و امر کرده
بیلی تمام شد کلام صحیح و بیلی کرده اند تمام است در بیلی و بیلی است
استجاب محنت تمام است که در جمع اوقات و حالان مخصوص نیست بجا آید
در چند نماز در آن افضل است بلکه آن سستی است خواهر نماز کرده شود
باشد و نیست استجاب این از برای نماز چنانچه ظاهر میشود از کلام بعضی از علمای ما
و تا از آمدن من در اخا و پیشک و در کتب اصول ما نقل شده است چیزی که در لالت
میکند بر استجاب این از برای نماز بلکه احادیث در آن باب واضح شده غایب است
و تحقیق که نصیح کرده است باین علامه که من الله و حصر در صفتی المطلب چون
آورده است احادیث دیگر که دلالت میکند بر اینکه محنت سستی است فی نفس بعد از آن
فرموده و تحقیق ظاهر شد که این احادیث استجاب محنت مطلقا خواه بوده باشد در
نماز یا در غیر آن تمام شد کلام او پس بر او راست که هرگاه محنت کنی نزد
او او را در نماز و قصد کنی استجاب از انقسمه مانند اکثر مستجاب از انقسمه
مانند اکثر مستجاب است از برای غیر خود یعنی نماز مانند او و امثال او بود
محنت شرط بود و باید تراب نماز افضا نمیکند استجاب این از برای نماز در آن
ظاهر است اما العاد بپوشیدن جامهها چیزی بر او گفته اند که در نماز است پس بپوشیدن
که نظر شده است در تقصیر بر اول خدای تعالی و ثواب است که در نماز است
که جامه خود را نماند و من بر او دانست که ننگند استین و سرانگهان و جامه نماند
مکن جامه خود را بپوش جامه شرف و پیش و در آن جامه سفید و بپوشیدن که در نماز



الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين وآله الطيبين
التامه واز نرحمك خود چگونگی بر پایداری تو را در حق و با حقیت او واجب است

شده است از حضرت صادق علیه السلام که گفته میشود که نماز بپوشیدن جامه
اللهم اجعل قلوبنا من نورك اللهم اجعل قلوبنا من نورك اللهم اجعل قلوبنا من نورك
خداوند بگردان این جامه بر همه پیامبران در آن نماز است از برای او در آن نماز و دیگر
عبادت و اعمال و طاعتها که لله الذي رزقني ما استرني به عورتي و اجعل
عبودتي في يومئذ عبادت الله عز وجل و اجعل من عورتي ما استرني به عورتي و اجعل
اللهم اجعل قلوبنا من نورك اللهم اجعل قلوبنا من نورك اللهم اجعل قلوبنا من نورك
خداوند بگردان این جامه بر همه پیامبران در آن نماز است از برای او در آن نماز و دیگر
و عو رتی و اجعل بی بی لیس هم
عورت خود و در بیلی بیکه بان در میان مردان
در و بایست که گفتند و بشود در آن نماز
اللهم اجعل قلوبنا من نورك اللهم اجعل قلوبنا من نورك اللهم اجعل قلوبنا من نورك
خداوند بگردان این جامه بر همه پیامبران در آن نماز است از برای او در آن نماز و دیگر
فصل و اوله که الله و صلا فضع للمكائنه و عیوبی لاریکای عیوبی
هر که در آن بر او ان جویان و بپوشد بر او بر او بر او بر او بر او بر او
و سر او است که بپوشیده شود در جامه و در قبله و اما بپوشیدن نماز
و فعل پس باید که بوده باشد در حالیکه نشسته باشد و بپوشد بغل پای
راست را پیش از چپ و فرود کردن میکند بیکه این در حالیکه ایستاده باشد
از نماز بپوشیدن جامه سفید و بپوشیدن جامه سفید و بپوشیدن جامه سفید





در بیان اربعه ائمه

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلی فدیمی فی الدنیا والاخره وبتنهنما
خداوند رحمت بر محمد و آل محمد در راه برسان با کار خود در دنیا و آخرت و دست بردار

علی الصراط یوم یزل فیہ الأقدام
بر صراط روزی که میزودان

بسم الله الرحمن الرحیم
نام خداوند را و حمد و خدا را

اللهم یتنهنما علی صراطک ولا ینزلکما عن صراطک السوی
خداوند ثابت بداران بر صراط خود و مگردان آنها را از صراط راست

و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که بوشیدن موزه سرخ و حضرت زین العابدین علیه السلام که فرمودند که اگر از جمله ستم است موزه سبانه و نقل زرد و مکره شمره اند از حضرت علیه السلام بوشیدن نقل و سبانه و روایت شده است از حضرت علیه السلام که هر که بوشد نقل زد که سبانه کند از نا انبکرم رساند مالی و هم از حضرت است علیه السلام که هر که بوشد نقل زد خواهد بود در سر و در دست و شادی تا که نهد کند از نا

فصل

و از آنچه جاری شده است عادت بان و در اشای بن وقت یعنی میان طلع عافیه و زوال اکله شرب بر هرینه ذکر میکنم ما پاره از اذاب انزال و اذاب انفاذ و اگر در آن شده است از اصحاب صحیفه سلام الله علیه بود پس میگوید که هر گاه میخواهی چیزی بخوری پس نشین بر جانب چپ خود و منشین بر معده پس بدو سبکه آن نشستی است که ناخوش صباد و از آن خدا بنگالی و دشمن بسگرد و صاحب انرا چنانچه دولت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و هر گاه دراز کنی دست خود را بچنان اکل پس بگو (بسم الله الرحمن الرحیم) پس بپوشد که روایت شده است

در بیان اربعه ائمه

از حضرت صادق علیه السلام که هر که خواهد که چیزی بخورد پس باین کلمه دست خود را

بسم الله و الحمد لله رب العالمین
پیش از آنکه برسد لشعه بدین است و روایت شده است که استخواب نشسته هر روزی از طعام و روایت شده است نیز استخواب ان بر هر ظرفی که مانده باشد تا خوردن چند از آن نباشد هر که فراموش کند نشسته را بر روی یک شلوار بگوید بسم الله علی اوله و آخره روایت کرده است ابن زینب محمد بن در فقیه و از آنچه منزل دار است که گفته شود نزد

در بیان اربعه ائمه

اللهم الذی یطعمهم ولا یطعمهم و یجیرهم ولا یجیرهم و یغفر الذنوب
پس هر که بر هر طعامی که خورد و در وقت خوردن بپناه آید و در وقت خوردن

اللهم لك الحمد على ما رزقنا من طعام و ادام في امرنا من غير
خداوند از هر امری که بر او روزی در روز از طعام و آن خورش و در هر روز و عاقبت

کلی مناولا لا مشقه بسم الله خیر الأسماء بسم الله رب الارض و السماء
گردد و در هر نفسی که بسم خدا بگویم از هر امری که در دنیا و آخرت بپایم خدا
الذی لا یقر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو التجمع العظیم اللهم
هر روز بسم نام او بخورد در زمین و در آسمان و او است ستوار در خداوند

سعدت فی طعامی بخیره و أعین من شره و أمین من یقعیه و سلمت من حشره
بیت بخت کنم در طعام من بخیر او و پناه ده و در از شر آن و هر که منکر کرد آن بویست و سعادت در روز

و سزاوار است که بوده باشد اول آنچه بخوردی هر روز ناشناخت بپست بگذارد موزه سرخ
پس روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه و اله هر که بخورد هر روز ناشناخت بپست و بگذارد

موزه سرخ که چهار نشود مگر بیماری که در آن میبرد و بشود سستیهای خود را در روز
پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد چیزی خوردن نویسد است و روایت شده است

کرده است زینب محمد بن در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و اله که فرموده که هر که بخورد
دست خود را پیش از طعام و بعد از آن بپوشد بد فریغی و محافظ داده شود از بزرگی



در دیدن او باشد و بچشم کبر و اوست شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
کتابن زیاده میکند و عمر و جمال میدهد چشمو را و بلند کن اگر کو ضاحب
طعام با شو پیشش اول بعد از آن بشوید بعد از آن که بر طرف راست نوبت باشد
و در شستن دوم پیشش راسته و او ابتدا میکند کس که بر طرف چپ نوبت است
و در آب شده است ابتدا در شستن دوم هر که بر طرف راست نوبت باشد خواه از او باشد
باشد و بالکن است خورد و بعد از شستن اول و پاک کن اگر از او باشد
شستن دوم بعد از آنکه بالید باقی بر او از آبچشمها می خورد و پاک مکن دست
خود را بعد از هر که در آن از طعام باشد تا اینکه بلبس از او نکاردن هر چند
شک در دشتای کل و او ابتدا کن با کل پیش از حاضران اگر برده باشی تو صاحب
طعام و فرا کرد دست خورد از آن بعد از ایشان و هر که از اینست چند خوردن
بسیار چپ و نواب اشامیدن بان و همچنین خوردن بدو انگ و هر که حاضر
نماند پس انتظار مکن حاضر شدن غیر از آن اطعمه و مکن از آن زیاده و بعد
تا از بکار و او ابتدا کن بیک و ختم کن بان و در آب شده است ختم لبر که نه
و دست است حاضر کردن سبزی نان و بر نان و خورد گوشت و هر که در دوم بر
و خورد در شسته و در صکر و دست زان تا چهل روز و خالی مکن تمام گوشت
با سخن از آن بلکه بگذارد و آن بخت و پس بچشوق کرد و آب شده است که از برای
جز دادن هر آب است و آب که هر یکند اینها هر روز از خانه او آنچه بخت باشد
و دست است طول دادن شستن بر نان و اگر برده باشی ضاحب طعام پس بچشوق
کرد و آب کرده است و غذا اسلام در کانی بسند حق از زاده که گفت شسته
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمودند که کسی که هر گاه با او زد از آن
خواهند بود انساب زیادتی در عمار و بغاس نمند بر او پس گفت من که چشوق
طول دادن در کوچ و بخورد و نماز و طول دادن شستن بر طعام هر گاه چشوق
بخورد و نان خورد و بخورد و احسان بسوی اهل و مگر بعد از فراغ از اکل



الحمد لله الذي طعمنا في جنته وسقانا في طمأنينه وكنانا في
عمره طمأنينه الطمانين من نور نور بين السكنا وهراب كره بهر مدور بهن لشكان وهرت بنده
غادين وهدانا في ضاللتنا وحملنا في زاجلنا وانا في ضاحبنا و
سپان برنگان در راه نوزده روز میان کرمان و سواد کوه راه در میان پیاده گان آردی و راه دور میان شفق
خدا منافی غائبین وفضلنا علی کثیر من العالمین
و حضرت کرمان راه دور میان نیکو شکر گان و زاده دار راه برینا در راه دور
هر اما آنچه کشته و دست و در این زمان از خواندن سوره فاتحه بعد از تعلم هر
اطلاع ضابطه من بر آن بود که کتابهای حدیث و سزا و اول است که بشوید حاضران
در سینه های خود را هر دو یک طشت و بر بند آورند و برینا در راه دور و سزا
خلال کردن و هر که است خلال حاضران از برینا و از ف رویشای و
و اثار و سزا و اول است بیرون انداختن آنچه بیرون آید از میان دندانها خلال
و فروردین آنچه بیرون آید بر آن و سزا و اول است که برده باشد آنچه می خورد
سوا از آنچه می خورد آنرا خلال نوزده آنچه می خورد از آن و پس بچشوق کرد و آب کرده
شده اسلام در کانی از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند پیغمبر صلوات الله
عنه و آله فرموده من بخورد و عیاش اهل خود و عیاشی بخورد و عیاشی از
اهل او و آقا ادا با اشامیدن آب و بر این است که کوی نوبه اشامیدن نوبه
الحمد لله الذي سقانا في طمأنينه وهدانا في ضاللتنا وانا في ضاحبنا
محمد رسول الله وهدانا في ضاللتنا وانا في ضاحبنا

مشهد است
مشهد رغبت
الطمانين من نور نور
دشمن بر من
و غیره از اینها
وصفت
حیوانت اها
زیاده از حد علیه
نکرده باشد که
می ترسند
استند



سَفَانِي قَارَوَانِي وَاَعْطَانِي قَارِضَانِي وَغَافَانِي وَكَفَانِي

وَهَنَانِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ السَّعِيدِينَ فِي الْعَالَمِينَ حَوْضِ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَوَلَّاهُ مِنْ أُمَّةٍ نَحْنُ نَحْمَدُكَ بِأَنْزِلِ

وستش است اشامیدن مصانه عتبا که روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که اشامیدن اب عتبا مورث کباب است و سزاوار است که نیایش می ابراهیم بد و دست خود و بیه نفس و هر که خدا بندگان عبدان نفسی و سوال کرده شده است از حضرت صادق علیه السلام از اشامیدن بید نفس می فرموده اند که اگر اب مبد هد سوغ غلام نو پس نیایشم به نفس و اگر ازاد باشد پس نیایشم بیک نفس و بخصی که روایت شده است که هر که نیایشامد اب پس از گوهر انرا همنوز خواهد انرا و هر که کند خدا را و بکند انرا سه مرتبه واجب میشود ان برای او هفتاد و سزاوار است اجتناب کردن اشامیدن اب از طرف دست و در جانبی که شکسته باشد و بسیار ضرر است پس بخصی که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که از بسا خوردن اب پس بد دست کلان ماده کو نیست و

باب

و باریند حضرت اما حسین
علیه السلام و لعن کذ کشته
او را منیر کس خدای عز و جل
او صد هزار حسرت و ساقط صید
از او هزار گناه و بلند میکند از

او صد هزار درجه و منزلت ان است که ازاد کرده باشد صد هزار سینه در راه

در آنچه کرده میشود مانند قال انسابها غروب و در این باب مقدمه است

فصل

روایت کرده است رئیس محمد بن در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر گاه زوال افتاب میشود بشود و کشوره میشود در طایر سفان و در طایر هفتاد و سیخاب میشود و غایب خوشحال که برده شود برای او عمل صالحی و آنرا که به است نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که افتاب از زوال حلقه ایست که داخل میشود بدان پس هر گاه داخل شد دوران زائل میشود افتاب پس شیخ میکند هر چه باقی میماند از عهد پروردگار من عز وجل و این با عنایت که صلوات میسرسد بر من بدان پروردگار من جل جلاله و فرض کرده است بر من و برایت من در آن نماز و فرموده است عز اسمع

فصل

یعنی بیای همان نماز از زوال افتاب تا نصف شب و الله تعالی بعلم و این ساعت که صبا و در دوران حجه پرورد روز قیامت پس نیست سؤ صبی که موافق افتاده باشد این ساعت را است کرده باشد و سجده کند با رکوع کند با استاده و هر که در حرم کرمانه خداوند شاکر و فعال بدن او را را نشود

فصل

سزاوار است بر خاستن بسوی نماز هر دو رکعت اول و ثانی خواه نماز واجب باشد یا است و هر که این استغنا شده پس بدرسند که فضیلت اول وقت بر اخوان مثل فضیلت اخر وقت بر دنیا چنانچه روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که اول وقت خوشتر است خدا بندگان و اخوان عفو خدا و ظاهر این است که این



در بیان فضیلت زوال

فضیلت در یافتن میشود مشغول شدن در اول وقت عقد مائت نماز است
طهارت بعد سستی و در یکی چنانکه گفته شد شیخ فاضل شریف رحمه الله
و عوف بیست در یافتن آن بر داخل شدن در نماز در اول وقت و اما
در بعضی در وایات مذکور شده که ظاهر خلاف این است چنانچه روایت
شده از امام علیهم السلام که فرمود و تعظیم نکرده است نماز را کسیکه تاخیر کرده باشد
طهارت و زوال است که داخل شود وقت نماز بر تلافی آن نماز را بر او سستی که اعما
باشد بر آن و بر تقدیم درج عمل آن در عمل آنچه روایت کرده است تقدیر است
در کافی بیست حسن و آن حضرت صادق علیه السلام که فرمود چنانچه پس بکند آنرا
خواهد بود از برای اجر آن و هر چند بنویسد باشد حدیث چنانچه رسیده باشد
با و هم بر آن ضرر نمیکند نماز چنان دلالت نمیکند بر آنکه در میان در آمدن
طهارت میان اول وقت و در زمان نماز است چنانکه معنی در یافتن فضیلت
و نسبت زیرا که آن امری دیگر است غیر تعظیم نماز پس مذکور و معنی اول
انضار کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت آن چنانکه روایت شده که پیغمبر
صلی الله علیه و آله انضار کشیدن داخل شدن وقت نماز و میفرمودند

بعضی داخل نماز بر ای بلال با اعلام کردن داخل شدن وقت چنانچه فرمود

صلی الله علیه و آله نور چشم من در نماز است و اول زوال شروع کردن
نماز است و در زوالی بعد از گذشتن آن حادث شدن آن بعد از بر طرف شدن
پس بدو سبب هر چند زیاد میشود و البته افتاب زیاد میشود و گردن سایه
تا اینکه هر گاه برسد افتاب یا آنچه ضایع بلند بعد از آنست و در نماز و میسرند سایه یا آنچه
گردد آن است در نماز و زوال کلبه بر طرف میشود و این نیز در سبب افتاب است
باز و نصف النهار یعنی نصف سایه بر طرف و مغرب و معلوم است که در واقع افتاب
نسبت نیکان افالم مختلف است پس نسبت نیکان بعضی افالم میباشد و وقت



در وقت نماز
انست که در
وقت نماز تغییر
حاله رخسار
و در وقت
نماز
شخصی
دهد
که از تمام
امور
در وقت نماز
تمام شود
و تمام شود
سوی
نماز
و در وقت
نماز
و در وقت
نماز



در بیان فضیلت زوال

زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان و نسبت بعضی در طرف شمال
و نسبت بعضی مقابل ایشان میباشد پس در آن موضع اول بر طرف همیشه در سایه
در نصف روز بلکه میماند در این وقت و در آنست که گویان نسبت از سایه
کشیده شده طرف شمال یا جنوب و در این دو حال شروع سایه در زوال اول
وقت زوال است و در وضع تمام بر طرف میشود سایه بالکلبه و اول ظاهر شدن
آن اول زوال است و سایه شاخص اینست از زوال ظل میگویند و بعد از آن
قیام میکند چنانچه در بعضی جرح است و سایه بعد از زوال رجوع میکند بید بخ
بعد از آنکه داشت پیش از زوال و یکشودت فضیلت نماز ظهر از زوال تا آنکه
یک روزی یعنی سایه که حادث میشود بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت
عصر است که در وقت و برابر شاخص و سستی است برای تاخیر کردن هر یک
از هر دو ظاهر و عصر از اول وقت آن بعد از آنکه یکبارگی در آن نافله از او کسیکه
نافله نمیکند در پس نماز و نسبت از برای آن تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور
این است که وقت نافله ظهر و از صلاوة او این میگویند از زوال است تا آنکه در
فی وقت قدم یعنی بعد از در سبب شاخص چنانکه غالب این است که قاضی هر شخصی بعد
هفت قدم است مقدم خودش و وقت نافله عصر از آنست که میگویند و در آن خارج
شدن از نماز است تا آنکه در وقت چهار قدم و بعضی از علمای ما بر آنست که میگویند
و قضا این نافلهها بکشیدن وقت فضیلت فریضه آنها پس نافله ظهر تا آنکه بگرد
فی مثل شاخص و نافله عصر است که در برابر آن و این قول در روایت است
و در وایات معتبره دلالت بر آن هست بلکه در بعضی احادیث واقع شده است دلالت
میکند ظاهر آنرا بر اینست که از این وقت است چنانکه روایت کرده است شیخ فاضل
در وقت بیست و چهار روز حضرت صادق علیه السلام که فرموده نماز است منزل
هدیه است هر گاه او درده شود آن قبول کرده میشود پس مقدم فاد هر چه
خواهی و هر چه در هر چه دلخواهی و ولیکن نمیدانم کسی از علمای ما و آنکه عمل کرده



باشد از آنچه مستفاد میشود و از اطلاق این روایت از توسع در فعل هر دو با خبر
و کو با مراد بقول بر او است چه و بنا بر فرض و الله اعلم به و موته و بنا بر علم او
فلا تر الله انما هم ابنت که خاستن نیست اعتماد بر ظن بدخل شدن وقت
مکن با عدم فلتون بر تحصیل علم بهر جان نیست بدان بخبر یک عادل و نذر از آن
و هر چند مؤذن عادل باشد که حکم با علم و ظاهر کلام محقق در معتبر این است
که چنانکه اعتماد بر آن یک عادل اما حاضر بدعا دل با اذان ایشان ظاهر جواز اعتماد
بر آن است هر چند فاد باشد بر علم زیرا که علم نوری حاصل است بان و سزاوار است
از برای کسی که اعتقاد داشته باشد ایشان نواقض و اهتمام به و با فتن فضیلت اول وقت
اینکه آماده کرده باشد در صحن خانه و غیره با بر روی نام چوبی راست که نصب
کرده باشد در مکان هواری و باید که آن راست نصب شده باشد و هر چه
هم طرف مقابل نکرده باشد و هفت حصه در هر گاه بر سنگ سابع بر فایت
نفسان و ابتدا کند در زمانه با در حادث شدن و بر شروع کند و با اول
ظهر اگر کسی که فوین داده است خدای تعالی او را برای سعادت با فتن بجای آوردن
نواقض و ادا می ظاهر در اول وقت آن که هر دو است از آن سعادت و
نقص کند و این بر هر گاه بگرد و بعد در وسیع شاخص امثلان بنا بر جلا و
مشخص شود برای نافله گذار بیرون رفتن وقت ظاهر در هر یک اگر در این وقت
هنوز تمام نکرده باشد بگرگت از آن که دهد نافله را و مشغول شود
بفریضه و اگر تمام کرده باشد بگرگت از او تمامی و کف با بن میشود که تا غروب
از ذکر سجده دو رکعت و هر چند بر نماند باشد سزاوار است بر هر مقدم دارد آن هفت
رکعت بر فریضه و ظاهر این است که شش رکعت باقی مانده در این هنگام است
زیرا که آن هفت رکعت بعد از آن است که سزاوار است که بعد از آن نماز ظهر را
و تقصیر میکند و سایر اعدان پس اگر زین سبب باشد بهر شیخ شاخص بود
برای آن که چنانکه شد از خلاف و پس شروع میکند در نافله عصر اگر رسیده باشد



بان معلوم میشود بیرون رفتن وقت آن و خواهد بود حال آن در ترک آن و معتد
بر فریضه و مثل حال نافله ظهر چنانکه گذشت و آنچه مذکور شد در غیر دو رکعت
و در سجده زیاده میشود برین دو هشت رکعت چهار رکعت دیگر و میکند
از این بیست و هفت رکعت هر یک بیست و زوال در حالیکه سه حصه کرده باشد از آن
ثلث از آن که شش رکعت باشد و در وقت بر شدن افتاب و ثلث دیگر در وقت
بلند شدن آن و ثلث دیگر در وقت راست ایستادن آن و میکند در دو رکعت باقی
افتاب

فصل

انچه بجا میآید بعد از مشخص شدن زوال اینست که بخوانی انچه روایت کرده است
در نیک محمد بن در نیت از حضرت سابع علیه السلام و تعلیم کرده است از آن محمد بن سید
و فرموده است یا و که حافظ کن بر این چنانکه حافظت مینماید بر هر چه بخورد و آن این است
سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الضَّالِّينَ
و فرموده است یا و که حافظ کن بر این محمد بن سید از حضرت سابع علیه السلام و تعلیم کرده است
لَمْ يَشْرِكْ فِي الْمَلِكِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالرُّسُلِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَكَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ
لِي شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالرُّسُلِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَكَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ
عبدان بشاب نسوی و ضو و بعد از آن شروع میکند و نافله زوال پس بند میکند
دو رکعت اول را و میکند آن هفت تکبیر و نماز غلای اواخر بخوبی کند و کون

در بیان اول

عبدان سبکی اعوذ بالله من الشيطان الرجيم و بعد از آن نافله در رکعت اول
انچه در دو رکعت دوم سوره حمد و چنانکه روایت کرده است فقه الامام
در کافی بسند حسن بعد از آن سلام میدی و میکند آن سه تکبیر و بعد از نماز
سنت است و شیخ حرث زهری و علیها السلام بعد از آن میکند
اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ قَطِيْفٌ رِضَاكَ ضَعِيفٌ وَحَدِّكَ الْكَبِيرُ يَا صَبِيْرُ
خداوند پر شکوه ضعیف بر تو در در غنا و در ضعف و در کمبود بر تو در غنا و در



مقام ذکر کند
مثل نماز نکرده
در وقت نماز
از بعد و استغفار
و تکبیر و هفتاد
امام
عقل الله
فرجه میباشد و تمام
ان نمازها در اوقات
در کتاب است
نسخه الزمان
هر که خواهد
در بیان کتاب
که کتاب
جاء

ایمان منتهی رضای و بارکات علی ما خصلت لی و بلعنی بر حجتک کل الذی یجوز
این مستند است که در هر روز در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
میت و اجعل لی و قدا و سرتور و المومنین و عهد عندک
از جمله دعاهاست که در هر روز در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
بعد از آن میگردانید و در وقت دیگر همان نحو غیر شش تکبیر که در اول نماز
گفته میشود و با دعاها میخواند بعد از آن دو رکعت دیگر مثل آنها و بخواند
بعد از هر یک از این دو رکعتها تعقیب و دعا را که مذکور شد و بعد از آنکه تمام
کردی شش رکعتی با انواع آن بر غیر میخواند و از آن میگویند این برای ظهور غایت
میگردد و بعد از آن با قنوت بخواند و بعد از آن قنوت بخواند و در وقت هفتاد و
و شصت از ظاهر بعد از آن اقامه میگویند و میگویند بعد از آن اقامه
اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة ببلغ محمد اصل
خداوند آن را در روزگار هر چه دعوت تامة و نماز بر پا است در روزگار هر چه نماز

عليه واله التامة والفضل والفضل بالله استغفر
بر اول روز اول هر روز و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
و بالله استغفر و بحمد صلوات الله عليه واله انوجه اللهم صل على محمد
و بعد از هر چه دعا خواند در هر روز و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
وال محبي واجعلني منهم عندك وجهها في الدنيا والاخرة ومن اللذين
زاد عمر و بگردان هر روز و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
بعد از آن مشغول شوق نماز ظهر و وعابت کن جمع آنچه رغبت کردی در نماز صبح از اعمال

و استغفر لله
بسم الله الرحمن الرحيم
و بحمد صلوات الله عليه واله
بسم رب الاعمال

در بیان احادیث و روایات

یا آنچه شبیه آنها باشد در طول چنانچه دعا بشکرده است شیخ طائفة در حدیث
از حضرت صادق علیه السلام پس در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
میکنند نزد رخسار بر روی رکعت دوم صبح و بخوان حدیث با تسبیح او بواسطه مرید
اضافه کنند باها استغفار میخواند بعد از آن تکبیر یک بر روی رکعت دوم صبح و بخواند
چنانکه گذشت و دو رکعت دیگر در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید
یک رکعت دیگر بر همان نحو و بعد از آن قنوت بخوان و سلام بعد از آن سه تکبیر

در بیان احادیث و روایات

فان ان دعا و چنانکه گذشت در تعقیب صبح بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت
فاطمه علیها السلام و همچنین هر چه دعا خواهی از دعا که پیش ذکر گویم در تعقیب صبح
و دعاها که منقذ ذکر دخول و صباح است مثل آن سه دعا میخواند بعد از آن میگویند
یا من اظهم الجبل و ستر القبح یا من لم یؤخذ بالجيرة و لم یجلد السوط
از کتب اهل بیت بخواند و هر روز در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید

یا کرم الصفی یا عظیم المن یا حسن الخاور یا واسع المعفر یا باسط الیدین
از کتب اهل بیت بخواند و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید

بالترجمه یا سامع کل نجوی و یا ضلع کل شکوی یا صیقل یا تبصر قیل
بر هر چه دعا خواند در هر روز و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید

استخفافها یا رباه یا رباه یا رباه یا رباه یا رباه یا رباه یا رباه یا رباه
استخفافها این دعا در هر روز در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید

وعبادة یا ان الجلال والاكرام استسلك بحق محمد وعلى وفاطمة والحسين
از کتب اهل بیت بخواند و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید



الحسن و علی و محمد و جعفر
وحید و دعا و محمد و جعفر
و موسی و علی و محمد و علی
و موسی و علی و محمد و علی
و الحسن و محمد و صاحب الزمان
و حسن و محمد و صاحب الزمان
سلام الله علیهم اجمعین

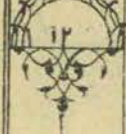
ان نضی علی محمد و آل محمد و ان نکشف کربی و تغفر ذنبی
 بنده محمد بن محمد و آل محمد و ایضا بر عرض کن انده مراد بیار کن
 و شقیق همی و تقوی عظمی و نضی شافی فی دینی و نبائی و ان
 و زائر کرم و نورع من عنده و اولاد کرم و درین روز و در هر روز و ایضا
 ندخلنی الجنة و لا تشوه خلفی بالنار و لا تفعل فی ما اتانا اهل
 و احقرین در سنت که ازین نثر در کتب باطنی و کتب سنی مراد دارند

بر خیمت با ارحم الراحمین
بر خیمت با ارحم الراحمین
بعلی و ان من کونی
باسامع کل صوتی باجماع کل
یا ارحم الراحمین مراد از آن است که در هر روز
یا قریب الباری و القوس بعد
یا قریب الباری و القوس بعد
یا مؤمنین یا باعیت یا وارث نبی
یا مؤمنین یا باعیت یا وارث نبی

الساعة یا الاله الاطنه
بزرگان از هزار عبادت کرده نما
یا جبار الجبار یا بامکات الدنيا
از هر کسند مستر آن از بیرون آ دنیا
والاخر یا رب الارباب بامکات
در آخرت از هر درگاه بر درندگان از آن
الملوک یا بطاشه البطین الشد
پادشاهان از هر درگاه بطش شد

بامیدی یا معبود باقفا لا ما یبد یا محضی عدا یا انفس و فعل الاذن
 از این کلمات از هر درگاه از هر کسند مراد دارند از هر کسند مراد دارند از هر کسند مراد دارند
 من السر عنده عارفه استک بحی خیرتک من خلفتک و یحیی
 از هر کسند مراد دارند از هر کسند مراد دارند از هر کسند مراد دارند از هر کسند مراد دارند
 الذی و صبت لهم علی نفوسک ان نضی علی محمد و اهل بینه و ان ممن
 و علی کرم مراد از این نثر در کتب باطنی و کتب سنی مراد دارند

علی الساعه بیفکاک و قیسی
بر خیمت با ارحم الراحمین
من النار و ان یخیر لولیک
از این نثر و ایضا بر عرض کن انده مراد بیار کن
و ابن بیک الداعی الیک یا ربک
یا ربی و ایضا بر عرض کن انده مراد بیار کن
و امینک فی ارضیک و عنیدک
یا ربی و ایضا بر عرض کن انده مراد بیار کن
فی عیبک و ان یخیر لولیک
از این نثر و ایضا بر عرض کن انده مراد بیار کن



يا خالقك عليه صلواتك

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

بينهن وما خلقهن

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام



در بیان نعمت خداوند

ان نضی علی محمد و آل محمد وان تفعلین کذا و کذا

عبدان سوال میکنند چنانچه خود را بعد از آن سجده میکنی و سجده شکر را

فصل اول

عبدان اینک فارغ شدی از آنچه متعلق است بنماز ظهر پس بخیزی با ناله عمر و بکبر و
میگویی صبح و دو رکعت اول به آن شکر و کفایت میکنی زیرا که سنت نیست گفتن آنها
در هیچ ناله مگر در چهار جای اول ناله زوال و اول ناله مغرب و بقیه دیگر کفایت
و بخیرانی و ناله عصر پنج خواهی از سورهها و هیز این است که بخوانی در آن سوره
سوره فاطر که رعب و فزع شد است و در آنها از اعجاز علم علیه السلام و اخبار و سینه
از آنها آنچه بیرون زود و وقت بخواند ان و تحقیق کرده است که روایت شده است از حضرت
باز علیه السلام که هر که بخواند سوره صافات و نمازهای واجب و مستحبی خود بداند
خدا بخواهد او را در کفایت مال او شکر خود و پیغمبران مرسل خود و هم از اعجاز
علیه السلام که هر که مداومت کند بر خواندن سوره (ق) در نمازهای واجب و مستحب
خود و عطف کرد اند خدا بخواهد بر او روزی و زاید دهد با و نام اعمال او را بدست راست
گند او را حساب اندک و هم از اعجاز علیه السلام که هر که بسپارد بکند تلاوت سوره
الحافرا و نمازهای واجب و سنت زیرا که این از جمله ایمان بخدا بخواهد و رسوله است
و هر که زایل نمیشود از خواسته ان ایمان او تا آنکه بمیرد و بعد از فزاع شدن از دور

در بیان نعمت خداوند

اللهم ان لا اله الا انت الحق القیوم العلی العظیم الخلیف الکریم

الحالی الرازق المحی الممیت البدی البدیع للک الحمد و للک المکرم

در بیان نعمت خداوند که هر که مداومت کند بر خواندن این سوره در نمازهای واجب و مستحبی خود بداند



در بیان نعمت خداوند

ولک الکریم و لک الجود و لک الامر و حدک لا شریک لک با و احد ما احد تا

و از هر جهت که در این سوره است و از هر جهت که در این سوره است و از هر جهت که در این سوره است

باین که بگوید و کم بگوید و کم بگوید و کم بگوید و کم بگوید و کم بگوید و کم بگوید و کم بگوید

صلی الله علی محمد و آل و افعلی کذا و کذا

اللهم انی ادعوك بما دعاک به عبدک یونس ان ذهاب مغاضبا فظن

ان نفلت و علی فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت

من الظالمین فاستجبت له و نجیته من الغم و کذبت لک بنی المؤمنین فانه

دعاک و هو عبدک و انا استلک ان نضی علی محمد و آل محمد و ان شحیبت

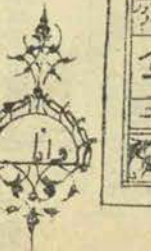
لی کما استجبت له و ادعوك بما دعاک به عبدک یونس ان ذهاب مغاضبا فظن

ان نفلت و علی فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت

من الظالمین فاستجبت له و نجیته من الغم و کذبت لک بنی المؤمنین فانه

دعاک و هو عبدک و انا استلک ان نضی علی محمد و آل محمد و ان شحیبت

لی کما استجبت له و ادعوك بما دعاک به عبدک یونس ان ذهاب مغاضبا فظن



وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنِّي
 وَمِنْ مَنِّهِ قَامَ ابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَأَنَّ لِكُنُوتِ لَيْلِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لِي وَأَدْعُوكَ مَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُوسُفُ
 وَابْنُ كُرَيْبٍ كُنُوتِ لَيْلِي فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 إِذْ فَرَّقَتْ بَيْنَ مَرْيَمَ وَبَيْنَ أَهْلِهَا وَأَدْهُو فِي السَّجْدِ فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ
 وَابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَسَمَّكَتْ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا اسْتَلَّكَ
 وَمِنْ مَنِّهِ قَامَ ابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ
 وَمِنْ مَنِّهِ قَامَ ابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 عَنْهُ وَأَنَّ لِكُنُوتِ لَيْلِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لِي وَأَدْعُوكَ مَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُوسُفُ
 وَابْنُ كُرَيْبٍ كُنُوتِ لَيْلِي فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَذَكَرَ فِيهَا حَاجِبٌ خَوْفٌ وَابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 بَعْدَ ذَلِكَ بَاطِنٌ أَكْبَرُ بِالْبَيْتِ وَتَسْتَرْجِعُ الْفَيْجُ فَالْغُرُوبُ وَبَعْدَ أَنْ تَارَ غَسْدَانُ أَيْ
 إِذَانُ يَسْكُرُ بِلَايٍ فَمَا زَعَمَ فِيهِ وَفَاصِلُهُ مَيْكُنِي مِيَانُ إِذَانُ وَأَنَا مَسْجُودٌ وَرَدَّ عَا
 مَيْكُنِي بِأَجْبِ كَدَشْتُ وَرُجُوعٌ وَظَهَرَ بَعْدَ غُرُوبِ شُؤْبِ عَصْرِ وَغَابَتْ كُنُوتُ جَمِيعِ
 أَنْ أَدَابُ كُنُوتِ لَيْلِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لِي وَأَدْعُوكَ مَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُوسُفُ
 وَابْنُ كُرَيْبٍ كُنُوتِ لَيْلِي فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 بِالْهَيْكَلِ الْكَاتِرِ وَوَضَّاعٌ فَتَأْتِي وَرَدُّ كَوْنِي جَانَا كَدَشْتُ كَرَاهِي اسْتَشْخَافُ
 دَهْدُوبِ أَنْضُرَتْ صَادِقِي عَلَيَّ بِالسَّلَامِ يَسْتَدِي جَمِيعِ وَعَبْدُكَ إِذَا دَخَلَ شَدِيدُ إِذَا غَابَ
 مَيْكُنِي بِأَجْبِ كَدَشْتُ وَرُجُوعٌ وَظَهَرَ بَعْدَ غُرُوبِ شُؤْبِ عَصْرِ وَغَابَتْ كُنُوتُ جَمِيعِ
 وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ
 وَمِنْ مَنِّهِ قَامَ ابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ
 وَمِنْ مَنِّهِ قَامَ ابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ
 وَمِنْ مَنِّهِ قَامَ ابْنُ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ



سَتَعْفُرُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 عَلَيْهِ سَلَامٌ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُتُوبَ عَلَيَّ نُوْبَةً عَبْدِي دَلِيلٌ خَاضِعٌ قَمِيْرٌ بِأَثَرِ مَيْكُنِي
 وَمَوْلَا مَيْكُنِي أَرَادَ ابْنُ كُرَيْبٍ كُنُوتِ لَيْلِي فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 مَسْئَلِي مَسْئَلِي لَمْ يَكُنْ لِي نَفْسِي خَاضِعًا وَلَا نَفْسًا وَلَا مَوْلَانَا وَلَا حَبِيْبًا وَلَا
 وَابْنُ كُرَيْبٍ كُنُوتِ لَيْلِي فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 سُورَةُ اللَّحْمِ لَقَدْ أَغْوَيْتَ مَنْ فَرَّجْتَ لَتَسْبُحُ وَمِنْ فَلْيَبِ لَتَسْبُحُ وَمِنْ عَلِي
 بِرَأْسِ الْبَيْتِ حَرَامٌ بِيَدِ الْمَلِكِ لَمْ يَجِدْ مَوْلَا مَوْلَا لَمْ يَجِدْ مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا
 لَا يَنْفَعُ وَمَنْ صَلَاةً لَأَرْفَعُ وَمَنْ دَعَا لَا يَسْمَعُ اللَّهُمَّ اقْبَلْ اسْتَلَّكَ الْغُيْرُ
 لَقَدْ بَرَّكَتْ وَأَرَادَ مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا مَوْلَا
 بَعْدَ الْعَصْرِ وَالْفَجْرِ بَعْدَ الْكُرْبِ وَالرَّخَاءِ بَعْدَ الشَّدَةِ اللَّهُمَّ مَا يَسْئَلُ
 بَعْدَ ذَلِكَ بَاطِنٌ أَكْبَرُ بِالْبَيْتِ وَتَسْتَرْجِعُ الْفَيْجُ فَالْغُرُوبُ وَبَعْدَ أَنْ تَارَ غَسْدَانُ أَيْ
 مِنْ نِعْمَةِ قِيَمَتِكَ وَحَدَّثَكَ **الْإِلَهَ يَا مَنْ اسْتَعْفُرُكَ وَأَتُو**
 رَزَقْتَهُ سِرًّا وَنَوْمًا وَرَبًّا
وَسِينَةُ اسْتِغْفَارِ
 اسْتِغْفَارُ عَمَّا زَعَمَ هَذَا مَرْثِيَةٌ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 بِنِ مَسْئَلِي مَسْئَلِي لَمْ يَكُنْ لِي نَفْسِي خَاضِعًا وَلَا نَفْسًا وَلَا مَوْلَانَا وَلَا حَبِيْبًا وَلَا
 اسْتِغْفَارُ عَمَّا زَعَمَ هَذَا مَرْثِيَةٌ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 أَوْ جَعَلَ فِي عَيْنَيْكَ رَوَابِتُ شَدِيدُ اسْتِغْفَارُ عَمَّا زَعَمَ هَذَا مَرْثِيَةٌ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 بَعْدَ عَمْرِو بْنِ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 شُكْرِي وَبِحُرْمَانِ دَوْلَانَا أَجْمَعٍ رَأَيْتُ كَدَشْتُ وَرُجُوعٌ وَظَهَرَ بَعْدَ غُرُوبِ شُؤْبِ عَصْرِ وَغَابَتْ كُنُوتُ جَمِيعِ
أَبِي كُرَيْبٍ
 اسْتِغْفَارُ عَمَّا زَعَمَ هَذَا مَرْثِيَةٌ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ
 اسْتِغْفَارُ عَمَّا زَعَمَ هَذَا مَرْثِيَةٌ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ وَرَأَى عَمْرًا وَابْنَ كُرَيْبٍ فِي رِجَالِ





اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلْبَيْتِ وَأَجَلْتُ بِدُعَائِكَ عَلِيًّا وَاجْتَبَيْتَهُ
 طَامِعًا فِي مَغْفِرَتِكَ طَائِبًا أَوْبَتْ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِي مُسْتَجِبًا لِدُعَاكَ
 إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
 إِنَّ بَيْتِي بَيْتُكُمْ وَبَيْتُكُمْ بَيْتِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
 إِنَّ بَيْتِي بَيْتُكُمْ وَبَيْتُكُمْ بَيْتِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

فصل
 بخصیص کرکشت همگردد و زنده است شاد است و از ده ساعت و هر یک از آنها
 منسوب است بیک از ائمه اشقی شریک است الله علیه و آله و از برای هر یک از آنها دعای
 که مخصوص بان است و بخصیص همگردد و دعاها را چهار ساعت و اگر منسوب است
 چهار اقامت علیه السلام و میگویند در این مقامها دعا قاساعت بفرمان زوال آفتاب است
 تا کند ششصد بار چهار رکعت و در هر رکعت صد بار دعا را بخواند

از حضرت ابوفریحان علیه السلام روایت است
 که در دعای استغاثه و هر یک از این دعاها که بخواند
 از آفات و بلاها و کله چهارم از آفات و بلاها

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ
 وَلَا نَوْمٌ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ



عَلِيمٌ فَالْقِي الْأَصْبَاحَ وَجَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالنَّهْرَ حَسْبًا
 ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ يَا غَالِبَ الْأَعْيُنِ يَا شَاهِدَ الْأَبْصَارِ
 يَا فَرِيدَ الْبَرِّيَّةِ يَا حَمِيدَ الْوَالِدِ يَا إِلَهَ الْأَهْلِ يَا حَمِيدَ الْوَالِدِ
 يَا فَرِيدَ الْبَرِّيَّةِ يَا حَمِيدَ الْوَالِدِ يَا إِلَهَ الْأَهْلِ يَا حَمِيدَ الْوَالِدِ

بیت آنند که بیکند نذکر العالمین و اخضع بین بدیانت
 خضوع الراغبین و استسکت سؤل القدر المشکین و ادعوت
 تضرعا و خفیه انک لا تجیب المعتمدین و ادعوت خوفا و طوعا
 این دعا را هر وقت که بخواند در هر روز صد بار بخواند و هر یک از این دعاها
 که در این کتاب است هر یک از این دعاها را هر روز صد بار بخواند و هر یک از این دعاها

من العالمین الذی جاء بالصیفة فی وصدق المرسلین محمد عبدک
 ورسولک التذیر المبین و بولیک و عبدک علی بن ابیطالب
 امیر المؤمنین و بالإمام محمد بن علی باقر علوم الأولین و الآخرین
 و العالمین و بولیک و عبدک علی بن ابیطالب



ایمانی و بین بدی خویشی آن نوزعی شکر ما اولیبتنی من نعمت و تجمل
از نماز پروردگار خود اینکند که از نماز پروردگار خود در نماز خود و بگردان
لبا فجا و محو جامن کل کرب و غم و لذت فنی من حبث احسب من
از نماز پروردگار و بران رخص از نماز پروردگار خود در نماز خود و بگردان
حبث احسب و نبتی من فضلت ما فعینت به عن کل مطلب
که نماز پروردگار خود در نماز پروردگار خود در نماز خود و بگردان
و انذرت فی قلبی رجاک و اقطع رجائی ممن سواک حتی لا ارجو
و بپندار در دل من از نماز پروردگار خود در نماز خود و بگردان
الا یا ایاک انک تجیب الداعی اذ ادعاک و تقبث الملهوف اذ ناداک
ای ای تو که جوابی دهی به کسی که از تو دعا کند و تقبض کند از کسی که از تو دعا کند

صلوات علیک یا محمد

و این دعا را است و خوب است بخواند این دعا را در وقت ششم از نامله و اول ششم
اللهم انت ازلت العیب برحمتک و علیک العیب بمسبتک و دجوت
چراوندان تو و زودت در باره برحمت خود و برحمت خود در باره خود و دجوت
الأمور بحکمتک و ذلك الصعاب بعزمتک و اعجزت العفول عن علم
که از امور بحکمت خود و از آنکه در شمار ما بعد خود و اعجزت العفول عن علم
کعبنتک و حجتک الاضداد عن اذک صفتک و الاوهام عن
چگونه خود را در حق خود و حجتک الاضداد عن اذک صفتک و الاوهام عن
حقیقت معرفت و اضطررت الافهام الی الاقر ارجو
حقیقت معرفت را در حق خود و اضطررت الافهام الی الاقر ارجو

یا من رحم العرش

و فصل العزلة لك العزلة و القدوة لا يعزب عنك في الأرض ولا في السماء
و فصل العزلة لك العزلة و القدوة لا يعزب عنك في الأرض ولا في السماء
مفقال قدوة اتوسل اليك بالبي الا نبی محمد رسولك العزلة لكي المديف
از نماز پروردگار خود اینکند که از نماز پروردگار خود در نماز خود و بگردان
لهاشمی الذي اخر جنته من الظلمات الی النور و یا من المؤمنین علی بن
که نماز پروردگار خود در نماز پروردگار خود در نماز خود و بگردان
اسطالب علیک بالصلاة والسلام الذي شحنت بولایته الصدور و
ای طالع بر او بر رحمت و درود و انوار است در باره او است و انوار است در باره او است
بالامام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فی الاخبار المؤمنین علی منکون
ای امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام در بیان حقایق بود بر سنده
الاسرار و صل الله علیه و علی اهل بیته بالعتی و الا بکار اللطمة اذ استلک
در اسرار و صلوات بر او و بر اهل بیت او در حق او و صلوات بر او و بر اهل بیت او در حق او

همیر و استنقع بمکافیه لک

همیر و استنقع بمکافیه لک و اذنتهم امامی و من بدی خویشی فاعطنی
همیر و استنقع بمکافیه لک و اذنتهم امامی و من بدی خویشی فاعطنی
القرح المصی و المخرج الوحی و الصنع القرب و الايمان من الفرع و الیوم
که از قرح المصی و المخرج الوحی و الصنع القرب و الايمان من الفرع و الیوم
العصیب و ان تعفر لی مویفات الذنوب و تشتر علی فاضحات العیوب
که از عصیب و ان تعفر لی مویفات الذنوب و تشتر علی فاضحات العیوب
فانت الرب و انا المرئوب و انا الطالب و انت المطلوب و انت الذي
که از فانت الرب و انا المرئوب و انا الطالب و انت المطلوب و انت الذي

یا ارحم الراحمین

۱۲۲

و فصل

و باختر الفاصلين و با اخص المكنون و با ارحم الراحمين
و اما سماع هفتم پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این

حضرت کاظم علیه السلام

و دعا علامه در این باب

اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر و انت المدعو اذا امتس الضر
خداوند تو کسی است که درگاهش گشاده است و در وقت شدت امر و در وقت آسایش دعا

و محیب الملهوف المضطر و المنجی من ظلمات البر و البحر و من له الخلق
و حاجت کننده است در همه جا و نجات دهنده از تاریکی زمین و آسمان و خالق همه چیزهاست

و الامر و العالم یوساوی الصدق و المطلق علی خلقی الی یغایبه کل
دعا و در ذاتش بر همه عالمین برتری است و او را هیچ کس از او پنهان نیست

بحرفی و ضمیری کل شکوی با من له الخدی فی الآخرة و الأولى با من
هر از که در دنیا شکایت کند از خداوند در آخرت و هر از که در آخرت شکایت کند

تخلو الارض و السموات العلی الرحمن علی العرش استوی له
از زمین و آسمان پنهان نیست و خداوند بر عرشش استوار است

ما فی السموات و ما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثری و ان یخبر بالعلی
همه چیزها را می داند و در میان آسمان و زمین و آنچه در زیر خاک است و آنچه در آسمان است

فان تعلم السر و اخصی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی استقلت
پس اگر سر را بدانی و آنچه را که خداوند پنهان کرده است و او را هیچ نامی نیست

بجای ختم سوره البقره

و بعد از آن دعا را بخواند

و بعد از آن دعا را بخواند

علا آداء رسالتک و یا مصلی

علین ابی طالب علیه الصلوة و السلام الذی جعلت و لابنه مفضل
علی بن ابی طالب علیه السلام را در دعا درود خوانند و درود خوانند و درود خوانند

مع و لایبک و محبتیه مفروقه بر رضاک و محبتک و یا ایها الکاظم
با تو من دعا می کنم و محبت او را در سبب دعا می خوانم و محبت تو را با نام کاظم می خوانم

موسی بن جعفر علیه هیهما السلام الذی سئلت ان تفر عن العبادتک
موسی بن جعفر را در دعا درود خوانند و درود خوانند و درود خوانند

و تحلبه الطاعینک فاجبت دعوتیه ان نصی علی عهدی و الصلوة تقضی
و تحلبه الطاعینک فاجبت دعوتیه ان نصی علی عهدی و الصلوة تقضی

فطاعتی را چه خواهی بود و تو را نصی می کنم و تو را نصی می کنم

هیمه و استسقم بمنزله هم و قد فلهمهم اما حی و بین بدی و حاجی ان
همه و استسقم بمنزله هم و قد فلهمهم اما حی و بین بدی و حاجی ان

تجربتی علی جمیل عوانتک و محبتی جزیل تو انک و ناخذ بسهمی و بصری
تجربتی علی جمیل عوانتک و محبتی جزیل تو انک و ناخذ بسهمی و بصری

و علی بنی و سیری و یا صبری و قلبی و عن سیمی و لیبی الی ما نعیننی به علی
و علی بنی و سیری و یا صبری و قلبی و عن سیمی و لیبی الی ما نعیننی به علی

هوالت و نظر بی من اسباب رضاک و نوجب لی نوافل فضلک و تسند
هوالت و نظر بی من اسباب رضاک و نوجب لی نوافل فضلک و تسند

لی مناجی طویلک

با ارحم الراحمین

با ارحم الراحمین

با ارحم الراحمین

با ارحم الراحمین





الأرحام وما نزلنا ذلك على قلبك إلا لعلك تتقون
وإذ ألقينا الحجر وأولنا الحجر وأولنا الحجر وأولنا الحجر

وإذ أغلقنا الأبواب فزع باب فضلك وإذ أضفنا الحجاب فزع
وإذ ألقينا الحجر وأولنا الحجر وأولنا الحجر وأولنا الحجر

إلى صخرة طولى وإننا نقطع الأمل من الخلق إن وصل بك وإذ أوقعنا
إلى صخرة طولى فزع باب فضلك وإذ أضفنا الحجاب فزع

من الناس وقف الرجاء عليك أسئلت بحق النبي الأنوار الذي
از مردم می آید از روز و در همه روزها سوال می کنند از این باب

انزلت عليه الكتاب ونصره على الأحزاب وهدى بناه إلى دار السلام
فرد فرستاده بر او کتاب و یاری کرده او را در جنگ با دشمنان و راه را به او نشان داده است

وأيام المؤمنين على بن أبي طالب الكريم التصاب المصطفى حيا
و ایام مؤمنین علی بن ابی طالب کریم تصاب المستوفی حیا

في المزاب وبالإنعام الفاضل محمد بن عبد الله السلام الذي سئل فوقفته
در مزاب و با انعام فاضل محمد بن عبد الله السلام که سئال شد و ایستاد

فحصده بالتوفيق والصواب صلى الله عليه وعلى اهل بيته
پس در روزگار او توفیق و صواب بود و بر او و بر اهل بیت او صلوات

الأطهار إن جعلوا الألف لهم عصمة من النار ومحجة إلى دار القرار
اگر پاکیزه کنند آنکه گردان و سرزبانان را از آتش و جاده نجات و راه قرار

فقد نوسلتهم في حقهم
و ایستادند آنرا در حق خود

التيك وقد نصرتهم
و ایستادند آنرا و نصرت آنرا



أما مي بين يدي حوائجي وإن نعصمني من التعرض لوائف سخطك وقفت
اما می بین یاری حوائجی و اگر عصمتی از تعرض لوائف سخطت تو ایستاد

لسلك سبيل محبتك و مرصنايت باو حرم الرحمن
از راه طریقت سبیل محبت تو و مرصناییت با او حرم رحمت کنان

اقناعك و هم يزلونك و ساعناك بعد ان نماز عصر تا زودت زودی افتاد و این
باز بر تو را قانع کند و از سرگردانی تو را نجات دهد پس از نماز عصر تا زودت زودی افتاد

و عن ابن عباس قال سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم
و از ابن عباس روایت است که گفتم به رسول خدا صلوات بر او و آله

اللفظ أنت الولي المهدى العقور الوود المبدى المعبد ذو العرش المجيد
لفظ تو ایستادگی مایه هدایت کور وود مبدی معبد ذوالعرش مجید

هو على كل شيء شهيد با من يتعاطفه عمران الذنوب ولا يكبر عليه
او علی هر چیزی شاهد است از آنکه بزرگتر از او نباشد و بزرگتر است بر همه گناهان و بر او بزرگوارند

الصفحة عن العيوب أسئلت بحلالك و يسور و جهلك الذي كلفه أركا
صفحه از عیبها سوال میکنم ترا بسبب بزرگوارت و بجزایرت و آنکه کلفتی آنرا که بر تو

عزيتك و بقدر ذلك اليك ذكربها على خلقك و برحمتك التي وسعت
بزرگوارت را و بقدر آنکه بزرگوارت است بر خلق تو و بر رحمت تو که وسعت کرد

العباد و هديت به إلى سبيل الرشاد و أيام المؤمنين على بن أبي طالب
بندگان را و هدایت کردی به به راه راست و ایام مؤمنین علی بن ابی طالب

عليك السلام أقل من آمن برسولك و صدق والذي وفي بما عاهد
علی تو سلام اول کسی است که ایمان آورد بر رسول تو و تصدیق کرد که وفا کرد آنچه با تو



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

عليه وصدق وبالأمام البر علي بن محمد علي السلام الذي قبضه حبلى
براد وصدقين كرهت وبأمامي كرهت عمدة عمره من تقدمه الكفاية كرهت براد وصدقين
وآرتهم محبت الأيمان تو شكوا بي في الدعاء أن نصلي على محمد وآله
وغير ذلك من غير صلوات محمد وآله من غير صلوات محمد وآله من غير صلوات محمد وآله
فقد استشفعت بهم اليك وقلتم لهم أمان في يدي حوائجهم وأن تجعلني
بمن تصفون في صلواتهم على محمد وآله من غير صلوات محمد وآله من غير صلوات محمد وآله
من قبيلك في جزعهم ومن كلاكك تحت عزهم من غير عزهم من غير عزهم من غير عزهم
از كفايت خود در عهد ملك ودر نگاه باغ جاد و زير عزت عزيز خود و در دل بر انداز كركتند

وامينك للاعتراف يا ابا ديك وبعثك يا ارحم الراحمين
وكلها من الاعتراف يا ارحم الراحمين وبعثك يا ارحم الراحمين

فكسل

اما عت بازوهم از زديك زودي فتاب است تا زودي ان جوان علسو سنجيد

عكس

اللهم انك منزل القرآن وخالق الارض والسموات وجاعل الشمس والقمر
خارضا بدمك فزودت في قرانك والامنينه مني وجوان وقراره من انساب واهرا

محبتي بالبدعي بالطول والامنين والمبدعي للفضل والاحسان
بجيت مني ابتدا كنهه شيعت ومن كز اردن وابتدا كنهه من فضل و احسان و شاعره

وضامن الرزق لجميع العصور لك الحمد والمناجح وصنك العوائد
وضامن عود الرزق لتمام العصور لك الحمد والمناجح وصنك العوائد

والمناجح واليك تصعد الكلم الطيب والعمل الصالح وانت العا
وخطا و سبور و بالبرود سخندان نكود كنهه و عمل صالح و نوح ببرد كار دان



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

سخط الصد ودو الحوائج استقلت محمد صلى الله عليه واله وسبوك
بمجان بيلد سبوك و صبحها من ال بيلد ترا من محمد صحت كنهه براد و صحوال او از ننده نوك

الي الكافرة وامينك المبعوث بالرحمة والرافة وبأمر المؤمنين علي بن ابي
طالب اطلق و امين و حارسه لك اميب رحمت و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

طالب عليه السلام المفترض لما عنه على القريب والبعيد الموقر
لاب عليه السلام و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

في كل موقف شهود وبالأمام الحسن بن علي الذي طرح للشايخ في اخضه
در هر موقف شهود و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

من مريضها و امين بالذليل الصعاب فلك لك نصر اليها ان نصلي
او در مريضها و امين بالذليل الصعاب فلك لك نصر اليها ان نصلي

على محمد وآله فقد تو سلت بهم اليك وقد منهم امامي
بر محمد و آل محمد بيلد سبوك و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

و بين يدي حوائجهم فان تر حجت بالتوفيق لتزيت معاصيتك ما انصبتني
بيلد سبوك و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

وتعيني على التمسك بطاعتك ما احببتني فان حجت لي بالخيرات
و بار كنهه بر حجت زدن بطاعت خود و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

اذا تو قبضني و تفضل علي بالمياسرة اذا حاسبتني فمحب لي العفو
و بار كنهه بر حجت زدن بطاعت خود و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

اذا كاسفتني ولا تكفي لي الغني فاصل ولا تخرجني الى غيرات فاذل
و بار كنهه بر حجت زدن بطاعت خود و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

ولا تخيلني بالاطاقد اليه فاصعب ولا تدب لي بالاصبر لي عليه
و بار كنهه بر حجت زدن بطاعت خود و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها و صبحها

فاحسن





و آخری علی جمیع عوایدک عندی و لا تو اخذنی بسوء عملی و لا تسلط
علی من لا یرحمی برحمتک یا ارحم الراحمین
دو اقساعت دو واژه هم چون اند و شدن افلاک است تا فریب ان از حضرت

و در دعای امام علی علیه السلام

اللهم یا خالق السموات المرفوع والمهاد الموضوع
و ذاق العاصی و المطیع الذی لیس له من دونی
و لا شفیع استسکت باسمائک الی اذ استسکت
علی طوارق العیر عادت لبراً و اذ اوضع علیها
کانت هنا منسویاً و اذ رفعت الی السماء
ففتحت لها المغالین و اذ اصبحت الی طلبت لاد
السعت لها المصائق و اذ ارجعت بها الموفین
و اذ ارجعت بها المصائق و اذ ارجعت بها الموفین



من اللورد و اذ اوردی بها المعد و مان حرجت الی الوحود و اذ اذکر
علی القلوب و جعلت خسوعاً و اذ افرغنا الی التمام فاضنا العيون و دعا
استسکت محمد رسولک الموبد بالمعراج المبعوث فحکم الایات و
و اذ افرغنا الی التمام فاضنا العيون و دعا

و در دعای امام علی علیه السلام

اللهم یا خالق السموات المرفوع والمهاد الموضوع
و ذاق العاصی و المطیع الذی لیس له من دونی
و لا شفیع استسکت باسمائک الی اذ استسکت
علی طوارق العیر عادت لبراً و اذ اوضع علیها
کانت هنا منسویاً و اذ رفعت الی السماء
ففتحت لها المغالین و اذ اصبحت الی طلبت لاد
السعت لها المصائق و اذ ارجعت بها الموفین
و اذ ارجعت بها المصائق و اذ ارجعت بها الموفین



فَضَّلَا وَاصْبَانَا وَنُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى مَكَانِهِ عَزْرًا حَمِيدًا وَنُرْجِعُ الدِّينَ
 فَضْرًا وَارْتَدْنَا بِهِ عَوْدًا سِرًّا وَنُحْيِي حَيَاةَ لُبِّكَ بِحَبْلِ حُورٍ وَنُحْيِي حَيَاةَ دِينِكَ بِحَبْلِ حَقِّكَ
 عَلَى بَدَنِ عَصَا جِدِّكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَهَذَا اسْتَشْفَعُ
 بِرُؤْسِهِ رَأْسُ جَدِّكَ أَنْ يَكُونَ مَعَكَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ تَقْرَأُهَا فِي حَجْرَةِ كَرِيمٍ عَسَى جَعَلَ
 فِيهِمُ الْمَلِكُ وَقَدْ شَفَعْتُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ بَدَنِي حَوَائِجِي فَإِنْ تَوَزَّعْتُمْ مَشْكُرًا
 بَانَ لِي بَوْرُكُمْ وَقَدْ مَرَّ فِي شَهْرِي ابْنُ نَرَابِشٍ خُودُ وَبِشْرِي جِهَارُ لُؤْدُ وَابْنُ كِرْدِ دُلِّ مَرَّ فِي شَهْرِي
 فَعَمَلِكُ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَالْهَدْيَةِ إِلَى طَاعَتِهِ وَتَنْبِيهِ قُوَّةَ كَرَمِهِ
 نَعَمَ خُودُهُ وَتَوَفِيقُ بَرَاءَتِ خَلْقِهِ أَوْ دَهَائِبِ بَوْرِ طَاعَتِهِ وَوَيْزَادُ كَرَمِهِ بَرَاءَتِهِ
 فِي الْمَسْئِكِ بِعِصْمَتِهِ وَالْأَفْنِدَةِ بِسِتْمَتِهِ الْكُونِ فِي دُرْمِيهِ أَنْتَ تَسْمَعُ
 فِي حَجْرَتِكَ زَوْنَ نَهْكَرِ الرَّادِي وَاقْتِرَا لِبَطْنِ أَدَا وَبِوَدُنِ آدِرْ كَرَمِهِ أَوْ بَرْمَسِيكَ نَتَوْرَةَ
 الدُّعَاءِ بِحَسْرَتِكَ بِأَوْحَادِ الرَّاحِمِينَ

باب چهارم در بیان عزوبانان

انجمن کرده میباشند در میان عزوبانان ناوخت خواب اول وقت نماز مغرب
 بنا بر مشهور بود بر طرف شدن شرح طرف مشرق است و میبکشد وقت
 قضیلت آن تا بیضان شدن شرح مغرب و وقت امامان تا اینکه باقی نماز است
 تا نصف شب قد گذاردن آن با نماز عشاء پس هرگاه بماند کردی داخل شد آن
 وقت و امیر کوفی ده مرتبه انجمن کرده و او را میباید که از کسب کند اینرا اعتدال
 صحیح از حضرت صادق علیه السلام از دعای نوح علیه السلام بر بیخبر ما که او بر او باد و رو
 انجمن کرده و او را میباید که از کسب کند اینرا اعتدال صحیح از حضرت نوح علیه السلام
 علیه السلام و تحقیق کند شد ذکر آنها دروغها های نزد طلوع صبح و بکند از
 دست خود بر سر خود و بعد از آن میبکشد از بر روی خود و میبکشد و پیش خود را

أَحَبُّ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي مِنْ غَائِبٍ وَشَاهِدٍ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ كَرَّمَ لِقَابَهُ عَزْرًا وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 هُوَ عَلِيمُ الْعُجْبِ وَالْشَّمَادَةُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لِكُلِّ الْفِتْنَةِ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا لَيْلٌ
 أَوْ دَائِمٌ يَهْدِي نَفْسِي إِلَى سَلَامَةٍ بِهَا رَحْمَتُهُ رَحْمَةً كَثِيرَةً وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 نَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 ارْتَدَى وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 مَسْفُوفًا وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 عَدُوًّا بَاتٍ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 أَنْ حَضَرَ ضَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَمَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 أَنْ بَرَاءٌ مِنْ مَنَازِلِهِ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 أَفْئَابِ اسْتَنْجَابٍ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 إِذَا بِي اسْمَاءُ كَلَفَتْ شَيْئًا مِنْكُمْ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَمَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 مَعْرُوفًا أَنْ كَلَفَتْ شَيْئًا مِنْكُمْ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَمَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 شَيْخٌ طَائِفٌ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 كَرَمِهِ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 سَنَاءُ هَلْ بَرَّ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَمَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 هَرْتَمَانِي وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 كَرَمِهِ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 وَعَمَلُ كَرَمِهِ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 أَنْ بَرَاءٌ مِنْ مَنَازِلِهِ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ
 كَرَمِهِ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ وَنَحْوَهُ





حضرت صادق علیه السلام از کسی که تاخیر کند نماز را تا مشیت شدن سارها بر کسیکه
اعتقاد داشته باشد واجب تاخیر از آن وقت و سزاوار است که زودتر از آن
و اقامه نماز شب بر پیشین که در غایت جامع است از علمای ما سید رضی و ابن عقیل و ابن جنید
در جمهره بر جوب آنها در نماز شب که فایده بسیار است بدانند و این طریقی است که در سبب
تلا آنها عمداً و در کان اذان بگوید حاصل کن میان اذان و میان اقامه هر یک
پانزده نفس پس بخون که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر که
بنشیند میان اذان مغرب و اقامه خواهد بود مثل کسیکه میطلعت بخون خود در راه خدا و از آنچه
گفته میشود میان اذان مغرب و اقامه این دعا است

اللهم انى استألت يا قبا لليلك و اذبا و هارت و حضور و صلواتك و اصولك
مراد از این دعا در روز اربعه روزی که در وقت کردن روز تو و حاضرین نماز را و او
دعا است و تسبیح ملائکلت ان نصلى على محمد و آل محمد و ان مؤمن على الملت
در نماز شب و تسبیح کردن ملائکلت ان نصلى على محمد و آل محمد و ان مؤمن على الملت

و اما فاصله کردن میان اذان و اقامه بر دشتن پس مذکور است و در کتابها گفته و گفته است
شیخ فاضل در ذکر آن که من بناقدهم در این باب حدیثی و در یکی که بعد از اقامه آنچه گذشت
بعد از آن افتخار کن نماز شب و دعای گفته ادای بیا که پیش گذشت و اخبار و یکی از سوره ها
در رکعت اول مغرب یا کافراً یا آنچه فایده آنها باشد و دعای چنانکه در طریقی کرده است
از شیخ طایفه در تفسیر سید صحیح و در دو رکعت و در سوره نوح و سوره نوح و تفسیر
مخالف بعد از نماز شب یا سوره تکوین و تسبیح که هر علم عالم است بعد از آن سوره سوره
انچه روایت کرده است پس حدیثی در تفسیر از حضرت علیه السلام و ان دعا این است

الحمد لله الذي جعل لنا من الدنيا داراً و الآخرة داراً و لا يفعل ما يشاء من غير
الحمد لله الذي جعل لنا من الدنيا داراً و الآخرة داراً و لا يفعل ما يشاء من غير



بعد از آن بر سجده بی بناقده و اگر دوست داری طول دادن تفسیر و این سزاوار است
که بجا آید و آنچه زیاد باشد که بر آنچه مذکور شد بعد از آن که در وقت و نشسته باشد که
وقت برای او و بخون که روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیه هر چه در
بر نافله مغرب پس بخون که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام
که فرموده چهار رکعت بن مغرب و هر یک و اما در چهار رکعت و بعد از مغرب در سوره نوح
و اگر چه طلب کنند از سواران و هر که در کفین میان مغرب و این چهار رکعت
در دو رکعت خفایا حضرت صادق علیه السلام دلالتی است بر این که در دو رکعت است
و این حدیثی در تفسیر از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد
پس از آن تفسیر کند که حرف نون تا آنکه در دو رکعت نماز بگذارد که هر چه در پیش گذشت
ان دو رکعت از برای او در عین است پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود و آنها از برای
او صحیح قبول و مشهور نیست که رکعت سخن گفتن در دو نماز چهار رکعت و دلالت
پس بر آنکه این دعا و این لغو است که گفته شد که هر که در نماز حضرت ابی عبد الله علیه السلام
از سخن گفتن میان چهار رکعت بعد از مغرب است و بخون که استدلال کرده است

فصل در نماز شب

در تفسیر این دو رکعت بر کوه سخن گفتن میان مغرب و این چهار رکعت
و سواقت کرده است با شیخ ما شیخ شهید و در کوفی بر این استدلال و این
چنان است که بی بی و اول این چهار رکعت فایده شدن از نماز شب است
و از آن بر میزد هم مشهور بر طرف شدن شفق است و من اجبت رساننده شود
این چهار رکعت نماز عشا خواهد شروع شده باشد با آنها باشد و بنا باشد که قول
شده باشد با آنها در وقت آنها تا آنکه باقی نماید بعد از مغرب و پیش از نصف شب

فصل در اذان نماز

عشا و بخون که هر که در دست با این شیخ فاضل در ذکر آن که حکم علامه طایب زاده
در تفسیر و لام کند بر اذان نماز شب را که از طرف نماز شب است



بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على من لا نبي بعده
 وآل بيته الطيبين الطاهرين
 أجمعين

پر عدولی نیست میانین از مشهور و هرگاه فوت شود و فدای الهی بر سر او آرد
 نفسی آنها مانند نافی نوافل شبانه روزی و غیر آن حضرت صادق علیه السلام روایت شده
 که فرمود که بیغیر صلوات الله علیه و آله و سلم در سینه

خداوند تعالی

مباهات میکند بنده که فضا میکند نماز شبانه روزی و هر چه ای ملک من
 نگاه کنید بسوی بنده من که فضا میکند آنچه را واجب کرده اند بر او و هر چه
 شما را بد و مشک من امینم او را و روایت از امام علیهم السلام که فرمودند که خداوند تعالی

وَاللّٰهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ
 وَهُوَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 وَهُوَ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
 وَيَخْتَارُ
 مَا يُشَايِعُ مَا يَلْفَحُ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 وَهُوَ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
 وَيَخْتَارُ
 مَا يُشَايِعُ مَا يَلْفَحُ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

دشمن او را ایستد که خداوند میکند از او شب و روز او را است و شروع در
 ایستادگی کنی و گفت اول و اما آن هفت نیکب باسته دعای الهی و بخوانی روان بعد همه
 سوره نوحید سر منبر و در وقت قدم سوره قدر و اگر خواهی بخوانی در وقت
 اول سوره نوحید و در وقت نوحید و اگر گفتا کنی محمدی است از چنانکه در نافی
 نافی ای شانه روزی است و هر روز او را است بلند کردن فراوان در آنها و در همه نوافل

وَمَكِّيٌّ يُغْفِرُ الذَّنْبَ إِذْ ذُكِرَ اسْمُهُ

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

۱۳۷

وَمَكِّيٌّ يُغْفِرُ الذَّنْبَ إِذْ ذُكِرَ اسْمُهُ

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

وَأَنْتَ تَزِيهِ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على من لا نبي بعده
 وآل بيته الطيبين الطاهرين
 أجمعين

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

۱۳۸

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
 وَاسْتَعْبَدَ بِكَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامِ

بَعْلَمَ مَا يَلْفِي فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَ سَمَاءٍ وَمَا بَيْنَ سَمَاءٍ وَمَا بَيْنَ سَمَاءٍ وَمَا بَيْنَ سَمَاءٍ

أَيُّهَا اللَّهُ مَا تَكُونُ بَعْدَ تِلْكَ الْمَلَائِكَةِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ يَرْجِعُ الْأَعْيُنُ

وَأَنْتَ اللَّهُ الْغَنِيُّ الْكَرِيمُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ اللَّهُ الْغَنِيُّ الْكَرِيمُ

لَوْلَا نَشَاهِدُ الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَائِفًا مُصِيدًا عَامِنَ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ

الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغُيُوبِ

الْمَوْجِبُ مِنَ الْعَرْشِ الْعَرْشُ الْمُنِيرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

الْمُصَوِّرُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الْكَرِيمَةِ وَبِعِظَمِ الْعِظَمِ وَمَلَائِكَتِكَ الْعَلِيمِ

أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِنَّ نَفْسِي دَيْتِي الْعَظِيمِ اللَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمِ

إِلَّا الْعِظَمُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در بیان حجج او در ده مقدمه

فِي رُفْعِهِمْ وَتَحْتَ لَوَاهِمِهِمْ وَلَا تَفْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ وَاجْعَلْنِي فِيهِمْ عِنْدَكَ جَمْعًا
در روز قیامت در زیر علم او و در میان او و ما را از ایشان جدا مگردان و ما را در میان ایشان گردان
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبَيْنَ الْمُعْتَرِبِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ لِمَنْ
در دنیا و آخرت و میان آنکه از دنیا میگریزند که بر ایشان خوف نیست و آنکه اندوهناک نیستند
لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ النَّهَارَ وَبَدَّلَهُ لَيْلًا لِّلنَّبَلِ بِرَحْمَةٍ خَلَقًا جَدِيدًا
بر خداوندی که روز را ببرد و او را در شب بر رحمت خود از نو آفریند تا آنکه هر چه بود
جَعَلَ لِبَنِي آدَمَ مَا يَنْصَلُونَ وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِيَتْلَمَّ لِيَا عَادَ الشَّيْطَانَ
گردانید و آنچه بنی آدم را میخواست در روز و شب در علم او آفرید تا آنکه هر چه بود
وَلِلسَائِبِ الْمُدُنِ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّبَلِ وَابْنِ الْهَارِ وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و بر سائبان شهرها و بر آنکه در آن شهرها است و بر آنکه در آن شهرها است و بر آنکه در آن شهرها است
وَاصِلِي إِلَى بَنِي الْأَنْبِيَاءِ الْمُؤَقَّطَةِ أَمْرِي وَاصِلِي إِلَى بَنِي الْأَنْبِيَاءِ فِيهَا مَعِي شَيْ
و صلح کن از بنی انبیا و بنی انبیا و صلح کن از بنی انبیا و بنی انبیا و صلح کن از بنی انبیا و بنی انبیا
وَاصِلِي إِلَى خَرَفِي الْأَنْبِيَاءِ مَنْ مَنَعْتَنِي بِأَجْعَلْ لِي خَيْرًا وَاجْعَلْ لِي
و صلح کن از خرفی انبیا و صلح کن از خرفی انبیا و صلح کن از خرفی انبیا و بنی انبیا و صلح کن از بنی انبیا
وَاصِلِي إِلَى كُلِّ سَوْءٍ وَكَفَيْتِي أَمْرِي خَرَفِي بِمَا كَفَيْتِي بِهَا وَابْنِ الْهَارِ
و صلح کن از هر چه بد است و کفایت کن از هر چه بد است و کفایت کن از هر چه بد است و کفایت کن از هر چه بد است
وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاصِرْفِي عَنِّي شَرَّهُمْ وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ
و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین
عَنِّي يَا كَرِيمُ أَسْبِنَا إِلَهُ الْعَالَمِينَ وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاللَّهُمَّ
از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان
وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاصِرْفِي عَنِّي شَرَّهُمْ وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ
و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین
وَصَلَوْتِي لِأَرْفَعُ وَعَمَلِي لِأَسْتَفِيعَ وَدَعَاؤِي لِأَسْتَمِعَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوْءِ
و نماز مرا بپذیر تا بزرگوار گردم و عمل مرا بپذیر تا بزرگوار گردم و دعا مرا بپذیر تا بزرگوار گردم
وَأَنْتَ يَا كَرِيمُ أَسْبِنَا إِلَهُ الْعَالَمِينَ وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاللَّهُمَّ
و تو ای کریم آسبنا ایله العالمین و ما فی اللیل و النهار و اللہم



در بیان حجج او در ده مقدمه

بِقِي عَلَى عَصَائِبِكَ وَلَا تَكُونْ لِحِجَابِكَ وَاجْعَلْ عَلَيَّ فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعِيَّتِي
از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان
وَسَهِّلْ لِي مَا آخَانُ عَسْرَةً وَأَضْرِبْ فِئِدِي بِالْحَسَنِيِّ وَأَصْنِي مَكْرَكَ وَلَا تَهْزِلْ
و آسان کن برای من آنچه مرا آزار میدهد و ضربه بزن به من با حسنیت و صنایع مکر تو را
وَأَنْتَ يَا كَرِيمُ أَسْبِنَا إِلَهُ الْعَالَمِينَ وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاللَّهُمَّ
و تو ای کریم آسبنا ایله العالمین و ما فی اللیل و النهار و اللہم
عَنِّي سَيِّئَتِكَ وَلَا تَنْشِئْ لِي ذِكْرَكَ وَلَا تَخْلُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَفَوْزِكَ وَلَا
از من دور گردان بدترین اعمال من را و از من دور گردان بدترین اعمال من را و از من دور گردان بدترین اعمال من را
تَلْمِذِي إِلَى النَّفْسِ طَرَفًا عَنِ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ
شاگرد من را از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان و از من دور گردان
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاصِرْفِي عَنِّي شَرَّهُمْ
و صلح کن از محمد و آل او و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین
وَاصِلِي إِلَى بَنِي الْأَنْبِيَاءِ الْمُؤَقَّطَةِ أَمْرِي وَاصِلِي إِلَى بَنِي الْأَنْبِيَاءِ فِيهَا مَعِي شَيْ
و صلح کن از بنی انبیا و بنی انبیا و صلح کن از بنی انبیا و بنی انبیا و صلح کن از بنی انبیا
وَاصِلِي إِلَى خَرَفِي الْأَنْبِيَاءِ مَنْ مَنَعْتَنِي بِأَجْعَلْ لِي خَيْرًا وَاجْعَلْ لِي
و صلح کن از خرفی انبیا و صلح کن از خرفی انبیا و صلح کن از خرفی انبیا و بنی انبیا و صلح کن از بنی انبیا
وَاصِلِي إِلَى كُلِّ سَوْءٍ وَكَفَيْتِي أَمْرِي خَرَفِي بِمَا كَفَيْتِي بِهَا وَابْنِ الْهَارِ
و صلح کن از هر چه بد است و کفایت کن از هر چه بد است و کفایت کن از هر چه بد است و کفایت کن از هر چه بد است
وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاصِرْفِي عَنِّي شَرَّهُمْ وَاصِلِي إِلَى عِبَادِكَ
و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین و صلح کن از عبادتگزاران صالحین
وَصَلَوْتِي لِأَرْفَعُ وَعَمَلِي لِأَسْتَفِيعَ وَدَعَاؤِي لِأَسْتَمِعَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوْءِ
و نماز مرا بپذیر تا بزرگوار گردم و عمل مرا بپذیر تا بزرگوار گردم و دعا مرا بپذیر تا بزرگوار گردم
وَأَنْتَ يَا كَرِيمُ أَسْبِنَا إِلَهُ الْعَالَمِينَ وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاللَّهُمَّ
و تو ای کریم آسبنا ایله العالمین و ما فی اللیل و النهار و اللہم



الفضاء ودرك الشفاء وسفانة الأخذ وجه البلاء وعمل لا يرضى

الفضاء ودرك الشفاء وسفانة الأخذ وجه البلاء وعمل لا يرضى
فمن ألقى به بحمل وموت وسنان وثقت وجه بمراد وعلية بغيره
وأعوذ بك من الفقر والكفر والقدح والصدق وسوء الأمر
ومنا وما هو بغيره في كل شيء وهو فاعل في كل شيء وهو
بلاؤه ليس له به صبر من الداء العضال وعكبه الرجال وخيبة النفل
بلاؤه بوجه بغيره في كل شيء وهو فاعل في كل شيء وهو
وسوء المنظر في النسيء والأهل والمال والدين والأولاد وعند معاينة ملك
وبسوء المنظر في النسيء والأهل والمال والدين والأولاد وعند معاينة ملك
وأعوذ بالله من الشان سوء وجار سوء وفقر سوء وقبح سوء وساعة

طو ارف
الليل واليومان
الافاق
ان
نصيحة على حين
والله اعلم
بالمغيب

ان لا اله الا الله سبحانك ما كنا نعبدك من الظالمين فاسئله سبحانه
ان لا اله الا الله سبحانك ما كنا نعبدك من الظالمين فاسئله سبحانه

من الغيب وكذلك تنجي المؤمنين
وورودك في غير هذا الحمد
وعند مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو ويقام ما في البر والبحر وما
من ووقته لا يعلمها ولا تحت في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا
الذي في عندهم

تعداد ان ميكرني

الله في استقلت بحق محمد وآل محمد وان جعل التور في بصري والبعيث
في بصري والبعيث في قلبي والخالص في عملي والسلامة في نفسي والنعمة
التي انعمت علي بها في كل شيء

في ردفي والشكر لك

البد ما ابصرت
ارسله

شكر سبكي ومحبتي وداخا وبعد ان انا انجدك شت ولعل اني محزون مستهين
كديوت في درهمات ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات
بعد ان انا ادر شيك (شكر) (شكر) هو بخصي كديوت في درهمات

من الغيب وكذلك تنجي المؤمنين
وورودك في غير هذا الحمد
وعند مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو ويقام ما في البر والبحر وما
من ووقته لا يعلمها ولا تحت في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا
الذي في عندهم

من ووقته لا يعلمها ولا تحت في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا
الذي في عندهم

في كتابي

الله في استقلت بحق محمد وآل محمد وان جعل التور في بصري والبعيث
في بصري والبعيث في قلبي والخالص في عملي والسلامة في نفسي والنعمة
التي انعمت علي بها في كل شيء





مُحَمَّدٌ وَالْحَمْدُ وَإِنْ تَفَعَّلَ بِكَ وَأَوْلَكَ وَأَنْ تَفَعَّلَ لِي مَا أَنْتَ أَهْلٌ وَلَا تَفَعَّلُ

در عهد وال محمد و اول او صلوات الله علیهم و علی آله الطیبین الطاهرین
بی ما انا اهله

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَرَبِّي نَعْمَى وَالْفَارِدُ عَلَيَّ طَلِبَتِي نَعْمَى حَاجِبِي فَاسْتَلِكْ بِحَقِّ
خداوند تو صحت من و وفا در هر مطلب من سر از حاجت من بر سر آید بکن ترا بحق

مُحَمَّدٍ وَالْأَهْلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا فَضِبْتَهَا لِي

و سوال میکنی حاجت خود را پس بچسب که روایت کرده است هشام بن سالم از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام که هر که نماز کند این دو رکعت را هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد
دعا کند و سوال کند حاجت خود را و دعا کند او را آنچه سوال کرد و بداند که مشهور است
این دو رکعت و بعد دو رکعت عقیده و دو رکعت غفلت و دو رکعت شاعت غفلت
و بعد این است که ساعی که کردار می شود این دو رکعت در آن و آن هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد
نامیده میشود شاعت غفلت و روایت کرده است و غیر محدثین در عقیده از حضرت باو
علیه السلام که فرموده که در سینه شیطانی بر آید و میگوید شکر و در هر روز از هفتاد
غروب آفتاب تا بر طرف شدن شفق و هر یک از آن میگوید شکر و در هر روز از هفتاد
طلوع صبح تا طلوع آفتاب و ذکر کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند
بهار یکشنبه و ذکر خدا بنگار و در این وقت که پناه بر آید از شر شیطان و لشکر او و پناه
دهد که در آن خوردن در این دو ساعت مد و سینه که این دو ساعت دو ساعت غفلتند
و روایت کرده است شیخ طائفه در هفتاد و هفتاد از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرموده که تا فکری از این دو ساعت غفلتند و اگر چه بد دو رکعت سبک
باشد پس بد و سینه که افعال معیشت میکنند از آن زمان که اوست گفته شد ای رسول الله که ام



لها غفلة غفلت فرموده میان مغرب و عشاء میان وقت نماز مغرب و وقت عشاء است
یعنی میان غروب آفتاب و بر طرف شدن شفق چنانچه دلالت میکند بر آن حدیث سابقین
که میان نمازها و بختی که دارد شده است در احوال صحیح که اول وقت عشاء
بر طرف شدن شفق است چنانکه زود می خواهد آمد و از این مستفاد میشود
که وقت گذاردن دو رکعت عقیده میان غروب و زایل شدن شفق است بر هر که کند
این وقت مسکون و فضا و از آنچه سنن است کردن آن در ساعات غفلت و دو رکعت
که بخوابی دو رکعت اول بعد از حمد سوره اذا از نرسیده مرثیه و دو رکعت بعد از حمد
سوره قل هو الله احد میان مرثیه بن بختی که روایت کرده است شیخ طائفه از حضرت صادق
علیه السلام که هر که بکند این دو رکعتی که صاحب کند باقی و بختی و در اندک وقت
از آن مسکون که خداوند تعالی

فصل فی فضیلت نماز عشاء

اول وقت نماز عشاء فارغ شدن از مغرب است بر مذهب مشهور و هر که بکند وقت
فضیلت آن تا ثلث شب و وقت اما این تا مضار و گذاردن چهار رکعت است
پس از بعد دو رکعت عقیده این که ملاحظه کنی شفق را و اگر باقی باشد سزاوار است شروع
در عشاء تا اینکه بر طرف شود شفق و بختی که در وقت شفق طائفه و شیخ محمد با بختی
داخل نمیشود و وقت عشاء مگر بر همان شدن شفق و روایت شده است از حضرت
صادق علیه السلام که اول وقت عشاء تا آخر وقت شریف و روایت کرده است اینها
و غیر محدثین بسند صحیح و این عملی است بر استیجاب با خبر آن تا در وقت شفق بر هر که
بقی بر طرف شدن شفق پس سزاوار است که مبادرت کنی بسوی اذان و
اقامت و بخوانی و در دعاها را که پیش از اقامه و بعد از آن پس اذان شروع کن
در نماز عشاء افتتاح کننده و دعا خواننده چنانکه گذشت و صحیحی در رکعت اول
سوره اعلی یا تمس بالآخره مانند اینها باشد در طول چنانچه روایت کرده است از شیخ
طائفه در مذهب بسند صحیح و دو رکعت دوم سوره توحید مانند باقی نمازها و بختی





میکوی چنانچه... و در باب اول... و با آنچه خواهد آمد...

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم بحق محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد ولا تنسنا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...

بعد از آن میگویند...

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...

بعد از آن میگویند...

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...

بعد از آن میگویند...

اللهم انزل من السماء ماء حلو وبارك فينا... و لا تنسنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك...





وَمَا خَذَهُ قَرِينًا وَنَعْنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ يَفْعَلْ لِي فَيُرِدْ مَا قَالَتْ عَنِّي مِنْ
عَذَابِي وَأَنْفَعِي لِي دَعْوَتِكَ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَجَدَّكَ عَلَيَّ عَبْدَكَ ه

بِفَضْلِكَ أَنْتَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ
بِعَدْوَانِ مَكْرُومٍ
بِسَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً تُبَلِّغُنَا بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ
وَتَجَنَّبُنَا بِهَا مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَكْرِفْ لِمَوْلَى حَقِّكَ أَتَقَعُ وَآدِي الْبَاطِلِ بِالطَّالِحِ حَتَّى جَنِّبَهُ
وَلَا يَجْعَلَهُ عَلَيَّ مَكْشَاةً قَالِبَعٍ هَوَايَ بَغَيْرِ هَدْيٍ مِنْكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ
تَبَعًا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخَدِّ لِنَفْسِي رِضًا مِنْ نَفْسِي وَاهْدِنِي
لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَنبُكَ أَنْتَ هَدَيْتَنِي مِنَ كُفْرٍ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنِي فِيهِمْ هَدْيَ نَبِيِّكَ وَعَافِنِي
رَأْسَهُ

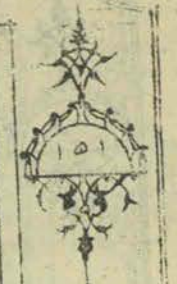


فِيهِمْ غَامِبٌ وَتَوَلَّى فِيهِمْ تَوَلَّيْتُكَ وَيَا ذَنبُكَ لِي فِيهَا اعْطَيْتَنِي وَفَنِي شَرِّمَا
فَضْلِكَ أَنْتَ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ
تَوَلَّيْتُكَ اللَّهُمَّ فَصَدِّقْ فَالْتَمَهُ وَعَظَمْ حَلْمَكَ مَعْقُوتَ فَالْتَمَهُ

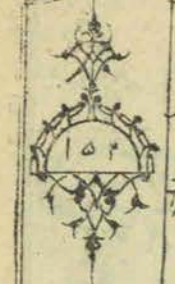
وَلَيْسَتْ بِذَلِكَ فَأَعْطَيْتَ فَالْتَمَهُ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ
فَتَغْفِرْ وَكُفِّرْ وَتَهَيَّبْ لِي مَا أَنْتَ عَلَى نَفْسِيكَ بِالْكَرَمِ وَالْحَوْلِ وَتَهَيَّبْ لِي
وَسَعِدْ بِكَ تَبَارَكَتُ وَعَالَيْتَ لَامِحًا وَلَا تَجَامِنِكَ إِلَّا إِلَهَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

إِلَهٌ أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ
وَأَوْجِحْنِي وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَفْ كُنْتُ ه
مِنْ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ وَجَبَّرتُ لِي بِحَبْرٍ
ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
عَمَلِكِ وَسُوءِ ظَلَمْتِ نَفْسِي فَتَبَّ عَلَيَّ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ





لا إله إلا أنت سبحانك ان كنت من الظالمين سبحانك رب العرش العظيم
سبحانك من كل ذي جنح وطير وكف
عما يصنعون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم صل
علي محمد وآل محمد وبيدني منك في عافية وصاله
منك في عافية وانزقني تمام العافية ودوام العافية والشكر على العافية
اللهم اني استودعك نفسي ودينه واهله واهله واهله واهله
وكل نعم الله اليه ونعمه فصل على محمد وآل محمد واجعلني في
كفك وامنيك وكل امرك وحفظك وحباطتك وكفائتك وسيرتك
وذنبتك وجوارك ووديعك بامن لا يصعب ولا يعجز ولا يجنب سائلك
ولا يقصد ما عنده اللهم اني اذو بلك في محراب عبادتي فكل اللهم
من كادفي وبي على اللهم من ارادنا فاردنا ومن كادنا فكدنا
لناعدا ولة فخذ يا رب احد عن من مضى والله صل على محمد
ادبنا الخیر و...



وال محمد واصرف عني البليات والافات والعاهات والبق والوزم السلم
وذوال النعم وعوايب التلف وما طغى به الماء لغضبك وما عشت
بسالخ عن اكرمك وما اعلم وما لا اعلم وما اخاف وما لا اخاف
وما اخذ وما لا اخذ وما انت اعلم به اللهم صل على محمد وآل
محمد وفرج همهم ونفسهم وقلوبهم واهلهم واهلهم واهلهم
وفلک في حبلتي وضعفت عن قوتي وعجزت عن طافني وردني
فبدر الضرة ورة عند نقطاع الامال وخيبة الرجاء من الخلو فبين
البيك فصل على محمد وآل محمد وال كعبتي يا كافي من كل شيء ولا يفتني
وال محمد وادزقني حج بيتك الحرام وزيادة فبريتك صل الله
عليك والدمع التوبخ والتقدم اللهم اني استودعك نفسي
ادبنا الخیر و...



وعلل
له صدى
تسلسل
ع

152



وَاهَا وَوَلَدِي وَخَوَانِي وَأَسْتَنْصِفُ مَا أَهْتَمُّ وَمَا لَمْ يَهْتَمُّ قَسَمْتُ

دو اصل از خودم و اولاد من و خردان من و طلب کنم که بشکون زنده باشم و در میان علمای زمانه خود

ببخیرت من خلیفت الذی یبوسک بالکرم الحمد لله الذی فضی

بمن بر کرمه و از خلق تو ای خداست فیکنار دمان عزیز تو بر بزرگواری که از خداست امر کردی

عنی صلوة کانت علی المؤمنین کنا باموقونا

بر من نماز بر او بود هر مؤمنین که بود و جب و فد فراراده نماز کردی

بعد از آن میگذاردی که در سجده اول

اللهم أنت أنت انقطع الرجاء الاضک بالحد با من لا احدک غیرک

خداوند تو ای خداست و هر چه در عالم است از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست

با احد با من لا احدک غیرک با من لا ینبده کثرة العطاء الا کرم ما وجود

از کیم نیست که از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست

با من لا ینبده کثرة العطاء الا کرم ما وجود اصیل علی محمد و اهل بینه

از کیم نیست که از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست

صیل علی محمد و اهل بینه صیل علی محمد و اهل بینه و فعل یکن او کذا

و فعل یکن او کذا و این بیت از حضرت بر علیه السلام است و او را در کتابها در بر چنین و چنان

بعد از آن میگذاردی که در سجده اول

بجود و میگذاردی خود را بر زمین و میخیزد و دعا را بعد از آن میگوید و

یا سابع التبع یا داغ التبع یا اباریح التبع یا محلی التبع یا هشیق الظلم یا کاشف

از سینه من و از سینه تو ای خدایا از سینه من و از سینه تو ای خدایا از سینه من و از سینه تو ای خدایا



قَالَ لَا يَأْذُ الْجَوْدُ وَالكَرَمُ بِاسْمَاعِ كُلِّ صَوْتٍ بِأَمْرٍ رَدَّ كُلَّ فَوْتٍ بِأَسْمِ الْعِظَامِ

و این حدیث از حضرت محمد ص و کرم است که هر چه بشنود از زبان کسی که در مورد او امر کرده باشد

و هي رميم و منشها بعد الموت صل على محمد و آل محمد و اجعل لي من امري

و این است که منم و منشها بعد الموت صل على محمد و آل محمد و اجعل لي من امري

و اجعل لي من امري و این است که منم و منشها بعد الموت صل على محمد و آل محمد و اجعل لي من امري

بعد از آن میگذاردی که در سجده اول

اللهم أنت أنت انقطع الرجاء الاضک بالحد با من لا احدک غیرک

خداوند تو ای خداست و هر چه در عالم است از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست

با احد با من لا احدک غیرک با من لا ینبده کثرة العطاء الا کرم ما وجود

از کیم نیست که از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست از کیم نیست که از تو جداست

با من لا ینبده کثرة العطاء الا کرم ما وجود اصیل علی محمد و اهل بینه

و فعل یکن او کذا و این بیت از حضرت بر علیه السلام است و او را در کتابها در بر چنین و چنان

بعد از آن میگذاردی که در سجده اول

بجود و میگذاردی خود را بر زمین و میخیزد و دعا را بعد از آن میگوید و

یا سابع التبع یا داغ التبع یا اباریح التبع یا محلی التبع یا هشیق الظلم یا کاشف

از سینه من و از سینه تو ای خدایا از سینه من و از سینه تو ای خدایا از سینه من و از سینه تو ای خدایا

بعد از آن میگذاردی که در سجده اول

بجود و میگذاردی خود را بر زمین و میخیزد و دعا را بعد از آن میگوید و

یا سابع التبع یا داغ التبع یا اباریح التبع یا محلی التبع یا هشیق الظلم یا کاشف

از سینه من و از سینه تو ای خدایا از سینه من و از سینه تو ای خدایا از سینه من و از سینه تو ای خدایا



علیه السلام خواندن سوره قل هو الله صد مرتبه چنانچه روایت کرده است ثقه الاسلام
در کافی بسند صحیح از ابان نامی که گفت شنیدم از حضرت ابو عبد الله علیه السلام
که بفرمودند که هر که بخواند قل هو الله احدی صد مرتبه هنگامیکه میرود بخواب
اموزیده شود بر او ایجاب اذن کرده باشد پنجاه سال عمر او باقی مانده است کافی
نیز از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده که بفرموده صلوات الله علیه و آله فرموده که هر که بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم

نزد خواب نگاه داشته شود و گفته شود در او است که بخوابد و در هنگامیکه بخوابد بر او
ذات است بخوابد و این روایت کرده است و غیره و در فضیله حسن از محمد بن مسلم که گفت
که فرموده من حضرت ابو جعفر علیه السلام که هر گاه بخوابد بر جانست خورشید بر او ایجاب کرد

بسم الله الرحمن الرحیم

وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنِّي أَسْأَلُكَ نَفْسِي الْبَلَاءِ
در ملت رسول خدا و در ملت بر او دال او خداوند است و در ملت او که در او است و در ملت او
وَوَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلْبَيْتِ وَقَضَيْتُ أَمْرِي الْبَيْتِ وَالْبَيْتَ ظَهْرِي الْبَيْتِ وَوَجَّهْتُ
و کرد از او در روز خود بخوابد و در آن است که هر که بخوابد بر او ایجاب کرد و در آن است که
عَلَيْكَ وَهَبْ مِنْكَ وَرَغِبْ إِلَيْكَ لِأَخِي وَأَوْلِيَّكَ مِنْكَ إِلَّا الْبَيْتَ
از آن است که در روز خود بخوابد و در آن است که هر که بخوابد بر او ایجاب کرد و در آن است که

بِكَيْفَايِكَ الَّذِي نَزَلَتْ وَرَسُولِكَ الَّذِي أَنْسَلْتَهُ
بکفایت تو و رسول تو و رسول تو که فرستاده تو را

بعد از آن تسبیح من کنی

این است از حدیثی که میگوید آنکه مشهور است تسبیح زهر است علیه السلام در دو وقت
یکی بعد از نماز و دیگری در خوابیدن و ظاهر روایت کرده اند که در وقت خوابیدن

تقدیم سبحان الله الحمد لله و ظاهر روایت صحیح کرده اند شده است در باب تسبیح
زهر عیالام مطلقاً افضل است میگردانند از آن روایتی نیست بیسبب کلام
دوازده ماه هر چند بیرون است از موضع کتاب پس بگویم بختی اختلاف کرده اند
علمای فاضلین از آن روایت صحیح در این باب اتفاق ایشان بر اینست که در آن عهد که
زهر که حدیث صحیح این است که از حضرت باقر علیه السلام صحیح است که در این روایت
و مذهب مشهور در آن است که در بعضی روایات تقدیم تسبیح است بر سبحان الله و قائل
شده است و پس حدیثی که در او این حدیثی است که از آن روایت آمده است که
سلام الله علیه و در این باب خالی نیست بحسب ظاهر از اختلاف و روایت معتبر
ظاهر آن تقدیم است که شامل است که بنا بر اطلاقش که داد و بخند و گفته شود
بعد از نماز بخند و گفته شود نزد خرابیدن و خواندن روایت است که روایت
کرده اند از اشعری طائفه در حدیثی است صحیح از محمد بن غفران که گفت داخل شد
ناید در خود بر حضرت ابو عبد الله علیه السلام پس سوال کردم او را از تسبیح حضرت
زهر علیه السلام پس فرمود از حضرت علیه السلام که الله اکبر تا این که شمر تا نسی بخواند
پس گفت الحمد لله تا رسید به شصت مرتبه پس گفت سبحان الله تا رسید به صد مرتبه
میشتر از حضرت ابان است خود روایتی که ظاهر نشد تقدیم سبحان الله است
و الحمد لله مخصوص است که بخواند که در وقت خوابیدن و خوابیدن و روایتی که در
کرده و پس حدیثی که در فضیله از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرموده بودی از این
سعد که با حدیثی که شما را از خود و ظاهر روایت رسیده است که در وقت خوابیدن

بیش از تسبیح من کنی
و تسبیح من کنی
تا این که غبار روز شد جامها کشی
و تسبیح من کنی



سپاه شد و خنما پیش برید و او از این خبر و سفری بیگانه من با او گویاید
نزدید و در کوفت و پس سوال کن از او خدمت کاری... که کفایت کند از تو بگفت
و سخن آنچه تو مدانی از این عمل... بر آمدند و بیعت صلوات الله علیه و آله
پس بافتن از آن حضرت جوابی چند... پس شرم کرد و بر گشت... بر آنست آنحضرت
که برید و سپید کرد از برای خالص... پس صلوات نذر ما آمد... و ما مدعی
خود بودیم... بر بود و السلام علیکم... پس ساکت شدیم... و شرم کردیم بسبب
خال خود... پس از فرمود السلام علیکم... پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب خال خود
با فرمودت السلام علیکم... پس فرسیدم که اگر در سلام نکند بر او بر کرد... و بخصم که میگفت
چنین سلام... شد و شیشه بر اگر از آن داده میشود داخل پیشانی... و اگر بر پیشانی
پس گفت من... و علی السلام... و رسول خدا... و اهل شو بود اهل شد و نشست ننشدم
تا این زمان... و فرمود ای قاهر چه بود حاجت تو بر من... و بعد از آن فرسیدم من که اگر جواب
ندم... با اینکه بر چیزی بر بیرون آوردم من سر خود... پس گفت و الله من خبر ندا
و رسول الله... رسیده و رسیده که او اب کشید بشکست تا اینکه از کرد در سپیده او و گویا
اسبان و تا اینکه ابله کرد در سینه ای... و خادرب کرد خانه و تا اینکه عباد او شد جامهای
و انش از رخ... بر بود... تا اینکه سپاه شد خنمای او... پس من گفتم با او که بیای پیش بدرون
پس سوال کن از او خدمت کاری... که کفایت کند از برای تو... آنچه تو مدانی از این عمل
... بر بود آنچه صلوات الله علیه و آله... اما پس بیگانه شتم و آنچه در میان است از برای
از خدمت کاری... هر گاه فرآید خوابگاه خود... پس بگریه و گریه

سی و چهارم در تفسیر و تفسیر بگوید
سی و پنجم در تفسیر و تفسیر بگوید
سی و ششم در تفسیر و تفسیر بگوید
علیه السلام سر خود او کند



شتم از خدا و رسول او... پوشیده نماید که روایت صریح نیست در تقدیم تسبیح بر خدی
زیرا که او افتاد و تفسیر نمیکند بلکه نیست از معنای مطلق صحیح... بنا بر مذاهب صحیح
چنانچه بیان شده است در اصول... بل ظاهر شد بر معنی لفظ انقضای آن نمیکند
... و همچنین روایت سابقه صریح نیست در تقدیم تسبیح بر تسبیح زیرا که لفظ تسبیح در اینجا
از کلام و ادوی است... پس باقی نماید در آن نیز مگر ظاهر تقدیم لفظی... پس منافات میان
این دو روایت نیست... مگر بحسب ظاهر... پس بر او است حمل دویم بر اول بسبب
سندان... و در آن باقی بقضی از روایات ضعیفه... چنانچه روایت کرده است ابو بصیر
از حضرت صادق علیه السلام... که فرمود در تسبیح زهر علیه السلام ابتدا میگوید بگریه و چندان
بار پس تسبیح می رسد بار... پس تسبیح می رسد بار... و این روایت صحیح است در تقدیم
تسبیح... پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صحیح است... پس حمل کرده میشود روایت دیگر
بر خلاف ظاهر آن... اما اینکه بر طرف شود منافات میان آنها... چنانچه گفته شد... پس اگر
گویی ترک گفتن عمل کردن در ظاهر هر دو روایت نام با اینکه حمل کرده شود روایت اول
بر آنچه کرده میشود... بعد از آن نماز و روایت دویم بر آنچه کرده میشود نیز خواهد بود... و بنا
بر این احتیاج نیست... بگردانیدن دویم و ظاهر آن... پس چرا عدول کرده قوا از این
و چونند فائل میثومی باین... میگویم من از برای اینکه من بنیانم کبریا که فائل شده باشد
بفرز میان تسبیح زهر علیه السلام... در این دو حال بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تتبع
این است... که هر یک از این دو فرقه... که فائل اند بنظر من... چنانچه بیان شد
باین طریق... خواه واقع شود بعد از نماز... بنا پیش از خواب... پس قول بنفصیل احداث
قول سوم است... در فائل اجماع مرتب... اما آنچه میگویند که احداث قول سوم منسوخ
نیست مگر و اینکه لازم اندازان بر طرف شدن آنچه اجماع امت شده باشد بسبب حسبت است
زیرا که اتفاق کرده اند تماماً بعدم آن... بخلاف آنچه چنین نباشد... مثل قول بعضی که
بعضی از عیبهای پنج گانه در بعضی دیگر... زیرا که هر یک از فرعیان مواخذه در تسبیح
چنانچه در اینجا است... زیرا که مانع نیست از این... مثل قول صحیح فرخنده مال که شایع



باشند و نکشتن مسلمان بعوض ذبی بکند آن قول ناپاوه از ائمه و بعضی اول و پاره دیگر
بعکرتان پس جواب این است که این تفصیل دست نیست مگر بر مذهب سنیان
و اما سایر آنچه بیان کرده اند اما متبک جبت اجماع بسبب آن است که کاشف است
از دخل معصوم پس این تفصیل معقول نیست چه عیالفت معصوم لازم آید
و چند موافق باشد تا ناکل باقریات از فریقین در قسمی و در فاسدین بر این مثال

فروختن و درختن

و مزاد است که بوده باشد خوابیدن و بر جانب راست پس بدو سبب که خواب
مؤمنان است چنانچه روایت کرده است از ائمه اسلام که گفانی پس بدو صحیح
از احادیث صحیح که گفت گفت حضرت ابی محمد یعنی حسن عکرمی علیه السلام که دیده شومین
فدای تو بدو سبب که من عکرمی از برای چیزی که بر شد بخاطر من و محبتی که با او کرده
کرده ام که سوال کم بدو تو علیه السلام ازان پس بر نیامد از برای من ان پس فرمود
اغفرت چه چیز است یا احمد پس گفت روایت شده است برای از دیدن تو علیه السلام
که در سبب که خواب پیغمبران بر فضاها ایشان است و خواب مؤمنان بر جانب راست
ایشان است و خواب منافقان بر جانب چپ ایشان است و خواب شیاطین
بر روی چپ ایشان است پس فرمود انحضرت علیه السلام چنین است این که گفت ایستاد
بدو سبب که من عکرمی که بخوابم بر جانب راست خود پس مکن عیب خود مرا و بیکدیگر
را خواب بران پس سناکت مشران حضرت ساعی و بعد از آن فرمود که ای احمد نه بدو
پس فرمود که در خواب و نکشتن خود را و نکشتن خود را نه ای خود پس
مالک

چپ من و دوست چپ خود و بر جانب راست من (سنة ۲۰۰) گفت احمد که پس
مخام بر جانب چپ خود از آن وقت که کرد از باب من انحضرت علیه السلام و او را نخواهد

از خوابیدن است که در خواب کرده است از ائمه اسلام که در کتابی بسند صحیح از حضرت
صالح علیه السلام که فرمود هر که بگوید و فیکر من و فیکر من و فیکر من و فیکر من خود

الحمد لله الذي علمنا فنم والحمد لله الذي بطن خبر والحمد لله الذي علمنا
مهر خدای که علمنا است خبر خبر است که علمنا است که علمنا است که علمنا است که علمنا است

فقد روي عن النبي صلى الله عليه وسلم في حديثه وهو على كل شيء قدير
و در روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد

بغیر از نماز و در از نشانه آن ماست
حالی که از ائمه است او را

این آیه در روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد
بغیر از نماز و در از نشانه آن ماست

قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الحكم الله واحد من كان يرحو الفاء ربه
تو را که در روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد

بغیر از نماز و در از نشانه آن ماست
بسیار از روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد

بغیر از نماز و در از نشانه آن ماست
بسیار از روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد

بغیر از نماز و در از نشانه آن ماست
بسیار از روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد

بغیر از نماز و در از نشانه آن ماست
بسیار از روایت شده است که در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخوابد

مخبر است
و الفاء ربه

و هو ربه
عنه و ربه
الظن بر و ربه
خود نه

اعوذ

در بیان احوال و عبادت

اعوذ بکلمات الله التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرأ من شر ما ابتداء

وقين شر كل نابذ هو اخذ بنا صيدها ان ربك على صراط مستقيم

روایت کرده است در کتاب مذکور در این صحنه از دفع احلام از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هرگاه بزیمن از جنات پس گوید و بخواند خود را از آنها در

اللهم اني اعوذ بك من الاخلام ومن شر الاخلام ومن ان يتلاعب بي

والتنظير والتسامي

روایت شده است در کتاب مذکور برای اجتناب از ابتداء بر او خاتم از حضرت رضا علیه السلام که فرمود که نکند هیچگاه اراده کرد که بخواند

ان الله جميل السموات والارض ان تر ولا ولكن والنا ان امسكهم من

من عبده انه كان

صلوات الله عليه واله كما هم في الدنيا

بسم الله احبوا باسمك اموت



در بیان احوال و عبادت

الحمد لله الذي كلفني هذا

روایت شده است در کتاب مذکور در این صحنه از دفع احلام از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هرگاه بزیمن از جنات پس گوید و بخواند خود را از آنها در

سبوح قدوس رب الملائكة والروح سبغ وحمك عضبتك لا اله الا

سبحانك وبحمدك سبغ وحمك سبغ وحمك سبغ وحمك سبغ وحمك سبغ وحمك

روایت شده است در کتاب مذکور برای اجتناب از ابتداء بر او خاتم از حضرت رضا علیه السلام که فرموده که نکند هیچگاه اراده کرد که بخواند

اللهم اني اعوذ بك من الاخلام ومن شر الاخلام ومن ان يتلاعب بي

حلمة عفورا

بسم الله احبوا باسمك اموت

بسم الله احبوا باسمك اموت



دعا می بیند حسن از حضرت صادق علیه السلام که هر گاه بر بیدارید و عیبی بر
ناخوشی از آنکه در خواب خود بر سر خود در خوابید که بر آن خوابید بود و گوید

ایما الحوی من الشیطان یحزن الذین آمنوا ولیکن بضرهم شبتا
بر سر خود در روز بهمان آفت از شیطان علیت بلکه هرگز کردی که بر او در وقت زود در روز...

لا یأذین الله و علی الله فلیسوا کل المؤمنین ه
در روز در خواب و هر چه در خواب بود که در روز...

عذب بما عاذت به من الله الذین یفرون و انبیاؤه المرسلون و
بما اوذوه به به چنانکه زبان و زبان از زبان در خواب و هر چه در خواب...

عبادة الصالحون من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم
در خواب که از او می شود در خواب و هر چه در خواب...

در اینجا که آمده می شود در میان در نصف شب تا طالع صبح و در این باب مقدم است
و چند

بمحقق کرد و ایات بسیار واضح شده است که از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخواستن
شب و بیان فضیلت آن روایت کرده است که هر چند اسلام در دعا می بیند...

صادق علیه السلام که فرمود که شرفی که از آن برخواستن است و در شب که در عزت او است
او سزاوارتر است و روایت کرده است نیز بدعا می بیند حسن از عبد الله بن سنان که گفت
مشیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که چنانچه است که از آن فرموده است

و در وقت او بیدار شد و از آن وقت نماز بخوابد و هر چه در خواب او از آن فرموده است
مردم است و در آن وقت که در آن نماز از آن محمد صلی الله علیه و آله روایت کرده است
نیز بدعا می بیند حسن نیز از حضرت صادق علیه السلام در وقت خواب بدعا که تا خوابد از آن...

فرمودند که هر گاه بودند ایشان چنین که اگر قدر بشیر ما نوبت بدست از ایشان که بر بخوابد
در آنجا و در روایت کرده است در دعا می بیند که آمدند بر زمین امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت
که منخفی که هر چه از آن فرموده است نیز فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که در خواب هر چه
که در خواب کرده است ترکتها از آن روایت کرده است شیخ طائفه در هند
سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام در وقت خواب او بدعا و دعا

ان ناستد ان اللیل شد
در خواب هر چه از آن فرموده است
در خواب و هر چه در خواب کرده است
خود که از آن نگوید که خداوند است

در روایت کرده است شیخ در هند پس سند صحیح نیز از حضرت علیکام که فرموده که نیست
بند که این که بیدار شود در هر شب که در شب که در خواب کرده است
خواستن بود آن از جمله بدعا و آن که در خواب بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد

پس بول بگفت که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند
که شب که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند
که شب که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند

دروایت کرده است که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام

که میفرموده است که در شب هر آنچه می بیند که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند
مشکلی که نماز کند در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند

در هر شب که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند
تا وقت آخر و در روایت کرده است که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند

که در سوال کرد از حضرت صادق علیه السلام که از آن فرموده است که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند
پس فرمود که آن مرد را برای نماز است و در روایت از آن حضرت که در خواب او این که بدعا می بیند شیطان میان آنها می خورد و بنویسند



سنگ

هرگاه بیدار شدی از خواب ... بر او را از خواب بیدار کن ...

الحمد لله الذي جعلنا من امة محمد ... الحمد لله الذي جعلنا من امة محمد ...

اللهم انزلنا من السماء ماء ... اللهم انزلنا من السماء ماء ...

اللهم انزلنا من السماء ماء ... اللهم انزلنا من السماء ماء ...

اللهم انزلنا من السماء ماء ... اللهم انزلنا من السماء ماء ...

اللهم انزلنا من السماء ماء ... اللهم انزلنا من السماء ماء ...

اللهم انزلنا من السماء ماء ... اللهم انزلنا من السماء ماء ...



ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...

ان في خلق السموات والارض ... ان في خلق السموات والارض ...





و نماز شب اطلاق میشود و دو احوال است که در وقت رکعت که هر یک از آنها در وقت
 باضافه کردن دو رکعت شفع و دیگر رکعت اول و گاهی بر سه زده رکعت باضافه دو رکعت
 نماز صبح و این نماز شب از شستن با سر و کلاه است و واجب که در استنشاق
 در وقت شب بکشد و صبح از حوض خوارق علیکم السلام که بود در وصیعت رسول خدا
 صلی الله علیه و آله جعل علیه السلام که با علی وصیعت میکند نوا و باره نفس خود نباید
 حمله کند پس حفظ کن آنها را بعد از آن فرمود خداوند تا با هر یک از آنها که ذکر کرد
 جمله از حمله آنها را انکه فرمودند **وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ** **وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ**

وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ

وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الرَّوَالِ **وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الرَّوَالِ**
 و ظاهر این است که در آن حضرت صلی الله علیه و آله نماز شب سه زده رکعت است و نماز
 زوال هشت رکعت است که نافله زوال است بوده چنانکه گفته اند بعضی از علمای اهل بیت
 خواهی مشورت شوی بسوی عبادت و بپایان رسیده باشد ترا حاجتی نیستی پس بدان کن اول
 پس هر که خواهی که داخل بیت نماز شوی پس اگر بوده باشد در وقت استنشاق با هر دو
 هر یک که باشد تا آنکه احتلامی داشته باشد پس داخل کن از آن خود و همچنین نیت
 و مهر نیت اگر در پیش داشته باشی بعد از آن بکنایه پای چپ از اول داخل شدن
 اگر بوده باشد سگفته شده و اگر قضای حاجت بکنی در فضائی مثل حرم
 و مانند آن پس پیش بکنایه پای چپ را در موضعیکه پیشین در آن روی

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ
 و نام حلالی در برابر خداوند میباید که از کبریا
الرَّجْسِ النَّبِیِّ الْمُنِیْبِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ
 پس در برابر کبریا از شیطان رزده نماز

و اگر قضای حاجت بکنی در وقت حاجت پس احتیاط کن موضعیکه در آن شخص
 و باید که بوده باشد اعتماد و سنگینی در وقت غسل بر پای چپ تو و نماز او است که شود



نایم دانسته و طول مدته نشستن را در هر طرف مدتی که از برای حاجت که خوف فیت از آنرا
 نباشی و با خواندن این الکبیر **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
 و بعد از آنکه فارغ شوی هر چیزی که بکنی دست راست خود را بر شکم خود بگذرانی
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
 هر چه در برابر او کرد و بعد از آن بر سر او کرد و از هر طرفی که در وقت نماز از او
 واستیجاب کن باید که بگذرانی **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
 خود شده دفع بعد از آن بکنایه ای انگشت شانه از اصل الت رجولیت خود و انگشت شستنی
 بالای آن و بکنی از آن حشفه شده بر سر و بعد از آن سر حشفه بر سر نه نشاندن
 سر نه بر سر و نیت کن در حال استنوا و هرگاه خواهی که استنوا کنی با هر یک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و استنوا کن بدست چپ خواهی باب استنوا کنی و خواهی بکلیت و مانند آن و اگر در وقت
 باشد انگشت بکنی آن از سنگین و بر نه نیت باشد پس هر یک بنا و از آنرا
 شستن و معقد بانگشت بصره یعنی انگشت شستنی که هر یک از انگشت کوچک است و در وقت
 راست را حشفه خود و احتیاط کن در نیت منعقدت از غایتی یعنی آنچه با طراف
 معقدت سینه باشد از بر طویخ مالدن و جمع نمودن میان زب و کلوح بستر
 در منعقدت و غیر آن و بشو و نیت غایتی که تا آنکه احساس کنی بصلای آن

وَجَسَدِي رَحِمًا لِسَيِّدَاهِ
اللَّهُمَّ حَقِّنْ فِرْجِي وَأَعْقِبْ عَقْبِي
 و از خداوند باز دار فرج مرا از هر دو طرف
وَجَسَدِي وَحَرَمِي عَلَى السَّرَائِرِ
 و هر دو عورت مرا و مرا را بر سر رازها
وَمَقْدَمِي وَرَشْتِي خَرَجَ غَائِبًا
 و مقدم و رشت من خراج غایب



در نماز و ذکر و تلاوت قرآن

بعد از آن دعا و بجز این دعا که در نماز و غیر آن است
استقل الروح والراحه عند
الموت والعفو عن الآفات
و می کند و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن
قل هو الله احد
قل بالحق ان الله قد اتى بالبرهان
بعد از آن بکنند و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن
قل هو الله احد
قل بالحق ان الله قد اتى بالبرهان

و می کند و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن
قل هو الله احد
قل بالحق ان الله قد اتى بالبرهان
بعد از آن بکنند و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن
قل هو الله احد
قل بالحق ان الله قد اتى بالبرهان

الحی کرم من هو بعد حلت عن مغالبتها بفضیلت و کرم
جویری کرم من کرمها بکرمک الی ان طال وعصا
عزیز و عظیم فی الصفیة بی فما انا مومتل غیر عفا
ولا انا مراح عفو و رضوانک الی فکر فی عفو و کرم
و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن

ادکر العظیم من اخذک فاعظم علی بکتابی اه ان کران فی الصفیة
یا در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن



در نماز و ذکر و تلاوت قرآن

اما ناسیها و انت محضها فاقول خذها من خود لا تحبب حشره
و لا شفقه فبیلک (اه من ناسی) شح الابدان و الكل
و تفیع نور اولو بیداد و از اینک و از اینک و از اینک
(اه من ناسی) ترا عیة للشوی (اه من حشره)

(من صیبات) در لطن
از اینک و از اینک و از اینک

بجز این دعا و بجز این دعا که در نماز و غیر آن است
بعد از آن بکنند و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن
قل هو الله احد
قل بالحق ان الله قد اتى بالبرهان

اللهم انی اذکرک بکتابی بکتابی
وا فکرمهم من بکرمها بکرمک الی ان طال وعصا
عزیز و عظیم فی الصفیة بی فما انا مومتل غیر عفا
ولا انا مراح عفو و رضوانک الی فکر فی عفو و کرم
و در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن

ادکر العظیم من اخذک فاعظم علی بکتابی اه ان کران فی الصفیة
یا در نماز شب و در کعبه بخوانند و در کعبه اول آن





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىكَ الْكِتَابَ وَالَّذِي أُولَىٰ بِأَمْرِ الْوَعْدِ الْأَخْرَجَ الْأَنْبِيَاءَ لِنَبِيِّهِمْ وَقَدْ أَخْرَجْنَاكَ بِالْحَقِّ الْبَارِئِ

عَلَىٰ كُلِّ نَبِيٍّ قَدْرٌ مِّمَّا يَكْفِيهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَظِيمًا
بَعْدَ ذَلِكَ أَمَلْنَا أَن كُنْتُمْ كَافِرِينَ أَتَىٰ الْأَنْبِيَاءَ مَا كَانُوا يَسْتَعْجِلُونَ
بِأَسْمَاءِ خَالِفَاتٍ يُنَادِينَ الْأَنْبِيَاءَ بِأَسْمَائِهِمْ وَكَانُوا يُسْتَعْجِلُونَ

که بخوانی بعد از حمد سوره قل هو الله احد می گویند و ذکر رکعت دوم قبل از آنها که
و در شش رکعت باقی سوره های این مثل سوره انفصام و هفتم (و این) و
و حرم هان و آنچه مانند آنها باشد در عددی دیگر است که در نماز مستحبی خواندن
سوره از روی محض هر چند از بر آید باشد یا شیء بر آن سوره را اما در نمازهای واجب
پس چنانچه بنیست از مکر این سوره خط نداشتند یا شیء و بعضی گفته اند در نمازهای
جائز است مطلقا و این قول ضعیف است و اگر نیک باشد وقت توان سوره های بعد
کافی است ترجمه و موقل هو الله احد ذکر بعضی در تراست انفسار بر حکم آنها مانند با
نوافل و بدانکه تحقیق اتفاق کرده اند علماء ما بر اینکه در دعوت چنانکه سنت است
در نمازهای واجب همین سه سنت است در نمازهای مستحبی در هر رکعت قدم
از نوافل و روایت کرده است ابن اثیر ان شاء الله که کافی بسند صحیح از حضرت صادق

عَلَيْكَ يَا رَبِّ كَافِي اسْتِزَارُكَ
إِنَّكَ كَوْنِي فِي كَلِمَاتِكَ
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
وَإِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْكَ
وَعَاظَنَا وَأَعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةُ إِنَّكَ
وَاحِدٌ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىكَ الْكِتَابَ



چنانچه روایت کرده است انوار کافی نیز از حضرت علی السلام بسند حسن و روایت
شده است کافی بود که سه شب هر روز در وقت استسنا است بلند خواندن قنوت

هر چند در نوافل روز باشد
سزاوار است طول آن در آن
خصوصا در نماز شب و در آن
وقت در آن و سعی بر آن

و تحقیق که روایت کرده است در بعضی از پیغمبر صلوات الله علیه و آله که فرمود
که هر که از شما طهر را بپوشد و در او در نماز باشد طولانیتر خواهد بود راحت او در دنیا
قیامت و تحقیق که روایت کرده است سید جلیل رضی الله عنین علی بن حاتم در کتاب
معجم الدعوات پایه از قنوت های طولانی که قنوت مکرر در نمازها ائمه ماسلام
عظیم جمعین و فرقی مکرر در آن در اخبار و شمنان دین و باکی نیست که خوانی قنوت
در نوافل از روی کتاب و مانند آن و منع شده است از این در نوافل و از دعا های محض

که این است خواندن سوره در وقت
نوافل و فراتر از آن نیست که در وقت
شده از حضرت صادق علیه السلام

الْحَيُّ الْكَافِيُّ أَدْعُوكَ وَفَدَّ عَصَبَتَكَ وَكَفَىٰ لَأَدْعُوكَ وَفَدَّ عَصَبَتَكَ
عَبَاتًا بِالرَّجَاءِ وَمَدَّةَ مَوْلَايَ كُنْتَ الْعَظِيمُ الْعَظِيمُ وَأَنَا أَسِيرُهُ
الْأَسْرُ وَأَنَا الْأَسِيرُ بِدَيْبِي الْمُرْهَنُ بِجُزْئِي الْهَيُّ الْكَبِيرُ بِدَيْبِي الْهَيُّ الْكَبِيرُ
الْأَسْرُ وَالْأَسِيرُ بِدَيْبِي الْمُرْهَنُ بِجُزْئِي الْهَيُّ الْكَبِيرُ بِدَيْبِي الْهَيُّ الْكَبِيرُ

در حضور خود و در نماز
خود یا بعد از آن
هر چند در وقت
نوافل
خواندن
نصیحت و دعا
و احوال
ذکر
نصیحت
و روایت
در وقت
نوافل
خواندن
نصیحت و دعا
و احوال
ذکر
نصیحت
و روایت

در بیان خصال و صفات حضرت علی علیه السلام

بكرمك و لك عظيم التوسل بحرمي لا طاب بيتك بعقولك ولكن امرت في الدنيا بحرم و كذا... لا خيرة الا لله الا الله محمد و رسول الله اللهم

ان الطاعة شرك والمعصية لا تقربك الي ما تبتغيه... ان الله انزلناه من فوقك في ليلة القدر... ان الله انزلناه من فوقك في ليلة القدر

اللهم ان الرجاء لسعة رحمتك انطقوا بالثناء اليك والامل لانك انزلناه من فوقك في ليلة القدر

ادخلها استغاثا وخطا بافتد لاحظنها اعين الابطال واصنوجبت... واصلها امرمي واطلها عزمي وارحمي يوم حشري ووفيت شرعي



در بیان خصال و صفات حضرت علی علیه السلام

وتطعمها لاسباب رغبتي من اجل ما انفض ظهري من ثقلها و تهنئي... من الاستغلال بحمليها ثم رجعت رب الي جليلك عن الخصال

و عنقوك عن المدينين و دحمتك للعاصبين فاقبلت بشفتي... من مولاي عليك طارحنا نفسي بين يديك ساكبا بين اليك ساكبا

يا ربك و اشفا مولاي بك اللهم فامنن علي بالفرج و تطول علي... بسمه لك المخرج و ادلني برأيتك على اسم المنه و ان لفتي بيدك

واصلها امرمي واطلها عزمي وارحمي يوم حشري ووفيت شرعي... و اصلها امرمي واطلها عزمي وارحمي يوم حشري ووفيت شرعي



إِنَّكَ جَوَادُ كَرَمٍ وَرُفُوفٌ رَحِيمٌ
وَمَجْلُوفٌ مَنَاهِدٌ وَكَعْبَةٌ كَعْبَةٌ
أَزْهَقَتْ وَكَعْبَةٌ مِنْ دَعَا بَرٍّ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسألْ مِثْلَكَ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّالِمِينَ
خداوند بزرگوار من سؤالات بزرگان است که مسأله است و موضع سوال است که سؤالات
و مشتملی و غنچه راغبین از عوالت و لم یذبح مثلك و ادعيت البیت و لم
و ستمبار غنچه است که سؤالات بزرگان است و خواننده است که سؤالات و در غنچه است که سؤالات
بُرْعَبْتِ لِمِثْلِكَ وَأَنْتَ مَجِيبٌ دَعْوَى الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
رحمت کرده است که سؤالات بزرگان است و خواننده است که سؤالات و در رحم کننده است که سؤالات
أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسْأَلِ وَأَعْظَمِهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
سؤالات بزرگان است که سؤالات بزرگان است و در اعظم است که سؤالات بزرگان است
و بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَآمِنًا لِكَ الْعُلْبَاءِ وَتَعْمَلُ الْبَنِي الْأَخْضَرِ يَا كَرِيمُ اسْمًا
و نامها را سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است
عَلَيْكَ وَأَجْمَعُهَا إِلَيْكَ وَأَقْرِبُهَا مَعَكَ وَسَبِّحُهَا وَأَشْرَفُهَا عِنْدَكَ
بر تو و جمع است که سؤالات بزرگان است و در اشرف است که سؤالات بزرگان است
مَنْزِلَةً وَأَجْرُهَا إِلَيْكَ يَا أَبَا أَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ اجَابَةٌ وَبِاسْمِكَ
جاء و منزلت و در اجاب است که سؤالات بزرگان است و در اسم است که سؤالات بزرگان است
لِكُنُونَ الْأَكْبَرِ الْأَعْرَ الْأَجَلِ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ الَّذِي حُبِبَتْ وَهُوَ الْوَاهِ
کرده است که سؤالات بزرگان است و در اکبر است که سؤالات بزرگان است
وَأَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
و اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است
وَأَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
و اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است



هُوَ لَكَ فِي التَّوْبَةِ وَالْإِجْبِلِ وَ
الزُّبُرِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ
أَنْزَلِ بَرٍّ عَظِيمٍ

أَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است
طَاعَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
طاعت تو است که سؤالات بزرگان است و در طاعت است که سؤالات بزرگان است
وَلَيْكَ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَزَمْتَ
و به تو است که سؤالات بزرگان است و در بیک است که سؤالات بزرگان است
وَأَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
و اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است
عَبْدُكَ وَرَأْمُ خَلْقِكَ يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
عبد تو است که سؤالات بزرگان است و در عبد است که سؤالات بزرگان است
وَأَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
و اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است
وَأَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
و اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است
وَأَسْأَلُكَ بِرَأْسِ الْخَيْطِ الْأَخْضَرِ الَّذِي فِي يَدِكَ
و اسما است که سؤالات بزرگان است و در اسما است که سؤالات بزرگان است





والأرضين وما وجدك الكان ذلك قليلا في كثير ما يجب من حقاك
 على ولو أن بالهي عند بني بعد ذلك بعد الخلاق اجمعين وعظمت المناسك
 خالق وحسي وملائك طيفان جهم من حتى لا يكون في التا وقد بنيت
 ولا يكون لهم حطب سوى لكان ذلك بعدك على قليلا في كثير ما استنوا
 يا الله يا الله يا الله صل على محمد وآل محمد وصلى على ابيك ودين
 نبيك ولا تغفل بعد اذ هديتني وهب لي من لذكرك صدق انك انت القاه
 اللهم انت المي القبول الاعظم الخالق الوارق المبدع المعبد
 لا شريك لك باخالق بازارق باحجب بابدع باويع استنوا
 على محمد وآل محمد وان رحمك بين يدك ونصرتي اليك ووضعت من الناس
 بعد ان يسكن في الجنة احسن امير المؤمنين صلوات الله على اهل بيته



اللهم اني استنك بحرمته من غايبك وما الى عزتك واستنك بفضلك
 واعظم محبتك ولما يتقن الايات باعويل العطايا باطلاق الاساري يا
 واهبنا من جوده وهابا ادعوك واغيا واهبا وحفا وطعنا والماعا
 والاعا والضرعا وعلفا واما وواعدا وراكعا وساجدا وراكبا وما شبا
 وداها وجاتبا وفي كل حال اية استنك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفل
 واهبنا من جوده وهابا ادعوك واغيا واهبا وحفا وطعنا والماعا
 والاعا والضرعا وعلفا واما وواعدا وراكعا وساجدا وراكبا وما شبا
 وداها وجاتبا وفي كل حال اية استنك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفل
 اللهم اني استنك بحرمته من غايبك وما الى عزتك واستنك بفضلك
 واعظم محبتك ولما يتقن الايات باعويل العطايا باطلاق الاساري يا
 واهبنا من جوده وهابا ادعوك واغيا واهبا وحفا وطعنا والماعا
 والاعا والضرعا وعلفا واما وواعدا وراكعا وساجدا وراكبا وما شبا
 وداها وجاتبا وفي كل حال اية استنك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفل



رکعت نماز شب و سکر رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز صبح دو رکعت تا آخر وقت
و چنانچه روایت کرده است از ائمه اربعین بسند صحیح حضرت بن سنان که گفت شنیدم
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که با کسی بنشیند که بکند در هر رکعت
از و تر و بعد از آن بگوید و بر او در حاجت خود را بگوید که بکند آن
بکر گفت و همچنین غیر اینها آحادیست بسیار است اما اطلاق و تر رکعت سوم تنها
پس در آحادیست بسیار است پس بسیار است در میان اهل علم و غیره
علما ما قدر الله اولی الامر و اما قدرها بر کواکبان و غیره بکنند از آن بفرود و تر
چنانچه نصیب کرده است از آن شیخ طاهر در مصباح و غیره و از آنجا ظاهر میشود
که کسی که در نماز و تر موظف باشد پس در نماز عشاء و غیره مگر بکند در ۵
سوره رکعت و ظاهر میشود که هر قدر که است از شیخ جلیل ابو علی طبرسی علیه السلام در
در کتاب مجمع البیان که از بر نامه این سوره فاتحه سبع المثانی یا سکر مشی میشود قرائت
در هر نماز واجب و مستحبی که است در وقت خالی از قصود و اینجا عرض کرده اند
بر او از انفاض این کلام در نماز و تر و در نیست و الله اعلم و صحیحی در هر رکعت
از دو رکعت شفع بعد از هر سوره قل هو الله احد و اگر خدای میفرماید قل اعوذ
بزیات الفلق و در رکعت و قل اعوذ بزیات الناس و در دو رکعت و قل بسم الله
سوره...

الحی و تعزینک فی هذه اللیل المنیرة و فضلت فی القاصد
حرار من سوره ان استرینت و سوره نوره کان و قصده که هر که در این سوره بکند
و امل فضلت و معرفتک الطالبون و لک فی هذه اللیل شفقت
و امید و در فضیلت او همان سوره طهر کند کان و هر که در این سوره بکند
و جرات و عطا با و مواجیب ممن بها علی من نشاء من عبادک و منعها
و جرات و عطا با و امید که هر که در این سوره بکند از سوره که هر که در این سوره بکند



لعلنا نریک و ما انا ناعبدک الفقیه البک المومل و فضلت و معرفت
از هر شب است از تو و اینک هم بفرموده فتح بوری و اسدوار از حضرت و در هر رکعت
فان کنت باموالی لفضلتک فی هذه اللیل علی احد من خلقک و عدت
پس از هر شب است از تو و اینک هم بفرموده فتح بوری و اسدوار از حضرت و در هر رکعت
علیک بعاذ الله من عطفک فصل علی محمد و الی الطیبین الطاهرین الخیرین
بر او بصله از شفق و بر رحمت بفرموده و الی الطیبین الطاهرین الخیرین
الفاضلین و جد علی تطولک و معرفتک باری العالمین و صل الله
فاضلتک و جودتک بر من بفرموده و در هر رکعت از هر دو که در هر شب است
علی محمد و خاتمه النبیین و الی الطاهرین الذین اذهب الله عنهم الرجس
بر محمد و الی الطاهرین و الی الطاهرین الذین اذهب الله عنهم الرجس
و ظهر لهم نطمین ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوتک کما امرت به
و با کسی که در این سوره بکند از هر شب است از هر دو که در هر شب است

فاستجیب لی کما وعدت انک لا تخلف البعان
بر او استجیب لی کما وعدت انک لا تخلف البعان

بعد از آن بر بعضی برای مفرد و تر و افشاح کنی بهفت تکبیر یا سوره دعا انما و صحیحی
در دعا بعد از حمد قل هو الله احد و سوره صدق و معرفتک من بعد از آن بلند میکنی
و کلمات خود را و عقوبت میفرماید و حال اینک که کتب الخیر و سوره بقره یا سوره
روایت کرده است از ائمه اربعین در فقه بسند صحیح از هر دو که در هر شب است
لا اله الا الله لعلنا نریک و ما انا ناعبدک الفقیه البک المومل و فضلت و معرفت
پس از هر شب است از تو و اینک هم بفرموده فتح بوری و اسدوار از حضرت و در هر رکعت
لا اله الا الله لعلنا نریک و ما انا ناعبدک الفقیه البک المومل و فضلت و معرفت
پس از هر شب است از تو و اینک هم بفرموده فتح بوری و اسدوار از حضرت و در هر رکعت
لا اله الا الله لعلنا نریک و ما انا ناعبدک الفقیه البک المومل و فضلت و معرفت
پس از هر شب است از تو و اینک هم بفرموده فتح بوری و اسدوار از حضرت و در هر رکعت

در بیان حاجت او در روز قیامت

العظم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله شمال السموات
والارض وانت الله فوام السموات والارض وانت الله صبح المسمر
وانت الله غياك المستعنين وانت الله الفرج عن الكربين وانت
الله المروج عن الغومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله
وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله عليك نزل
كل حاج يا الله ليس برز غضبك الا حلتك ولا نجى من عقابك
الا رحمتك ولا ينجى منك الا النصرة اليك فبلي من ذلك
يا الهى رحمة نعمتي رحمة من سواك المندة اليها احببت جمع
ما في البلاد وهما التشرىب والعماد ولا يهلكني عما حتى تغفر لي وتغفر
الاستجابة في دعائي واذا في العافية الي مشي اجلي واظلي عشر في
ولا لتغيب عذوبي ولا ليك من رقتي اللهم ان رقتي من
عالمك يا الله

۱۸۳
عظم الله
السموات
والارض
وانت الله
الرحمن
الرحيم
وانت الله
كاشف
السوء
وانت الله
عليك
نزل
كل حاج
يا الله
ليس برز
غضبك
الا حلتك
ولا نجى
من عقابك
الا رحمتك
ولا ينجى
منك
الا النصرة
اليك
فبلي من
ذلك
يا الهى
رحمة
نعمتي
رحمة من
سواك
المندة
اليها
احببت
جمع
ما في
البلاد
وهما
التشرىب
والعماد
ولا يهلكني
عما حتى
تغفر لي
وتغفر
الاستجابة
في دعائي
واذا في
العافية
الي مشي
اجلي
واظلي
عشر في
ولا لتغيب
عذوبي
ولا ليك
من رقتي
لهم ان
رقتي من
عالمك
يا الله

در بیان حاجت او در روز قیامت

بينك وبينى او شعرك في شئ من امرى وقد علمت ان ليس في حرك
ظلم ولا في نعمتك مجلدة وانما جعل من يخاف القوت وانما اجتاح الي الظلم
الضعيف وقد غابت عن ذلك بالهوى فلا تجعلني للبلاد عرضا ولا
لنعمتك نصبا ومهلتي ودفعتي واظلي عشر في ولا لتغيب عذوبي
علا اثر بلاه فقد ترى ضعفى وقد جعلني استعبدك اللبلة فاعذني
واستجرتك من النار فاجزني في ولا استسئلك فلا تحرمني
سبلان فغان خذ ما دوسلدي واستغفار كن خذ ما هفتاد تبه انما است
اخو حديث هوسنت است كدعا كني بلي جعل كس في برادوان خود با زبان بسو
اللهم اغفر لفلان وفلان فلان الخ ايمان بعد ان مسو في الاستغفر الله
قاوب اليه وسرا واد است اسك بشماره استغفار ابد است واست خود
وواست نگاه داوي دست خود وچاپ خود وابت كره است انما ربح محمد بن
در فقه استندجيم وكرت ربي استغفار بعد منه خواهد بود افضل
استغفر الله للفقير الى القويوم طي وجرم طي
علا نصي قاوب اليه
علا نصي قاوب اليه

۱۸۴
عظم الله
السموات
والارض
وانت الله
الرحمن
الرحيم
وانت الله
كاشف
السوء
وانت الله
عليك
نزل
كل حاج
يا الله
ليس برز
غضبك
الا حلتك
ولا نجى
من عقابك
الا رحمتك
ولا ينجى
منك
الا النصرة
اليك
فبلي من
ذلك
يا الهى
رحمة
نعمتي
رحمة من
سواك
المندة
اليها
احببت
جمع
ما في
البلاد
وهما
التشرىب
والعماد
ولا يهلكني
عما حتى
تغفر لي
وتغفر
الاستجابة
في دعائي
واذا في
العافية
الي مشي
اجلي
واظلي
عشر في
ولا لتغيب
عذوبي
ولا ليك
من رقتي
لهم ان
رقتي من
عالمك
يا الله

بعد از آن مشکوف

کرت اسات و ظلمت نفسی و بجز ماصتعت و هدی بپای بلای جبراء
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
بنا کسبت و هدی و جوی خاضع علیا البت و ها اما ذابین بیک خذ
با کسب کرده ام و اینست که من مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
لینفیک من نفسی الرضا حق ترضی **لک العنی لا اعود**
بر اینست که من مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه

بعد از آن مشکوف العفو العفو

بعد از آن مشکوف

درب از غیبتی جاز حتمی و بیست علی انک انت التواب التوب
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
و سست است طول دادن قنوب **بیس خاضع بیک** این پنج پیش گذشت ذکر آن
در هشت و کعب بر اگر وسعت داشته باشی و غایت آن در غایت که بخواند اند
حضرت سید العابدین علیه السلام **چنانچه روایت کرده است** و تپس حدیث در کتاب اعمال و از این
سبتدی سبتدی سبتدی **هذه بدای قلعدک و هما البیک بالذنوب مملوءة**
ار سبتدی سبتدی سبتدی **اینست و منتهای امر در درگاه**
و عینای الرجاء ممدودة و حقین دعواتک بالندم نذال ان نجیب
و چشمه بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
بالکرم تفضل استبدی من اهل الشقاء خلقنی فاجعل بکافی من
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
اهل السعادة خلقتنی فاجعلی سبتدی ام لضرب المطمع
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه

خلفت

۱۶۵
و محمدین
انما فکن قنوب
خوردن مداخل است
که در هفت و کعب
حضرت سید العابدین
عنا
اول فضاحة
بمن استقامت حق ادا
فقط من التا
و سبتدی
و سبتدی
اعمال

عصای ام لشریب المیم خلفت اعصابی سبتدی لوان عند استطاع العرب
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه

من مولاه لکن اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی
از حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی
کوان عذابی تا بر یکنی ملک لتا لکن الصبر علی غیبتی اعلم
که اینست که در حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی
لکن لا یزین فی ملک طاعة اللطین و لا یفرض منه معصیه النما
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
سبتدی ما انا خطر ی هب بفضیلک و جلی بسبتدی واعف
بر درگاه بر کرده ام و رسم کرده ام مغرور و دود و بوی خوشی که در راهم و اینست و منتهای امر در درگاه
عن فوجی بکرم و جهات الهی و سبتدی اذ حجتی مطر و صاعی المعسل فیستوی
از حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی
صالح جهتی و از حجتی کنونی لا قد سئلوا لاقراناً اطراف جنات فی وارحم
بسیک من الجانم و در کعبه در حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی

فبذلک البیت المظلم و حبشی و عربی و وحشی
در اینست که در حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی
و اکوؤنک نیک باشد برای طول دادن قنوب
انضار و کراجه خواهی از لجه و سبتدی داشته باشی
و از زبانشان که خوب است فرستاده شود در روز حشر

اللهم ان کثرة الذنوب تکف ابیننا عن انبساطها البیک بالسؤال و
خداوند ما در سبتدی بهار کنان بر سبتدی و از آن روایات که در حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی
للذوا موعظ المعاصی منعنا عن الصبر و الانبساط و الرجاء و جنتنا علی سؤال
ندادمت بر کنان **ما یزید و از آن روایات که در حدادند خود بر اینست که اول الهارین منک لیکنی اعلم لا افونک سبتدی**

۱۶۶
و محمدین
انما فکن قنوب
خوردن مداخل است
که در هفت و کعب
حضرت سید العابدین
عنا
اول فضاحة
بمن استقامت حق ادا
فقط من التا
و سبتدی
و سبتدی
اعمال

بأجل الجلال والاکرام فان لم يعطف السيد على عبده فمن ينعني التوال فلا ترد
ارضا بزرگوار و بخشش بر او کند شفقت مولا و بخشش بر خود برسد که طلب کند علی او برسد
اَلْقِنَا الْمُنْفَرَةَ عَنِ الْمَلِكِ الْاَبْلُوغِ الْاَمَالِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى اشْرَفِ الْاَنْبِيَاءِ
گفتم از راه تفرقه کننده نبودن مگر رسیدن از راه او در جهت کند خدا بر شریف ترین بندگان
وَالرَّسُولِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
در موردان در حضرت دال و در مکرر گان و در مکرر گان
بِسْمِكَ فَارْتَدَّ مِنْكَ اَزْفَرُ بِيْنَ كَوْعِ كُنْ وَمِي كُوِيْ بَعْدَ اَنْ يَرِيَنَّ اَرْزُوْعِ
بِسْمِ تُو كاه فارغ شد از فریب کوع کن و میگوئی بعد از بریدن ارضان از دوع
هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نَهْرٌ مِنْكَ وَسَيِّئَاتِهِ نَعْدٌ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَشُكْرُهُ
این مقام است که بگوید که او توفیق است از توفیق تو بر او کرد و در کار او در توفیق است و مکرر
قَلْبِي لِمَنْ طَمَعُ الْاَمَالِ قَدْ خَابَتْ اِلَادِيكَ وَمَعَاكِفِي اَجْمٌ قَدْ نَقَطَتْ
از توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
اَلْعَلِيَّاتُ وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ تَهَمَّتْ اِلَى الْبَيْتِ فَالْبَيْتُ الرَّجَاءُ وَالْبَيْتُ
مکرر در توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
اَلْمَلِيحَانَا اَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَبِالْاَجْرَةِ مَسْئُولٍ هَرَيْتَ الْبَيْتَ بِنَقِي بِالْمَلِيحَانِ
بنا و او که در توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
بِاَنْفَالِ الدُّنْيَا جَاهُهَا عَلَى ظَهْرِي وَمَا اِحْدَى الْبَيْتِ شَاغِعًا سِوَا مَعْرِفِي
بسیار بیکه در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
بِاَنَّكَ اَقْرَبُ مِنْ رِجَاةِ الطَّالِبُونَ وَجِبَالِ الْبَيْتِ الْمَضْطَرُونَ وَاَقْلُ مَا لَدَيْهِ
بسیار بیکه در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
الرَّاعِيُونَ يَا مَنْ مَنَى الْعُقُولُ بِمَعْرِفَتِهِ وَاَطْلَقَ الْاَلْسُنُ بِمَجْدِهِ وَجَعَلَ
و عبت کنندگان از کسیکه نگاه است عقلمان و بنام خن او در و در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
مَا اَمِنَ بِدَعْوَةِ عِبَادِهِ كِفَاءً لَنَا وَاَيْدِيَهُ خَصِرٌ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَلَّى
اگر بگفتند از جهت بان بر سنگان خود گفتند که از برای او در و در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
و مکرران



لِلْمُؤْمِنِ عَلَى قَلْبِي سَبِيلاً وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي وَبَلِيلاً بِرَحْمَتِكَ يَا اَكْرَمَ
بسم الله الرحمن الرحيم در بیان ایجاب از درگاه بزرگوار راه ما به رحمت خود از رحمت خود
بَعْدَ اَنْ دَرَجَتُهُ مَبْكِي وَنَشْتَقِدُ حَيْوَتَهُ بِسْمِكَ كَاهِ مَلَاذِي اَدِي بِيْنَ بَسِيحِ كُنْ بَسِيحِ
حضرت زهره علیها السلام بعد از آن بخوان این دعا که معروف است بدعا حضرت زین
اُحْبِبْ يَا مَوْجُودِي كُلَّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي فَتُعْطِي عَظْمَ حُرْمِي
منافقه میباید از توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
وَقُلْ حَبِيبِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اَيُّ الْاَهْوَالِ اَنْذَكُرُ وَاَيْهَا الشَّيْءُ وَاَلَمْ تَكُنْ
و کم است حیرت از صاحب از صاحب که کم یک از هر که او یاد کند و کم است که از آنجا که او یاد کند
اَلْمَوْلَى لَكُنِي كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْلَى اَعْظَمُ وَاَدْعِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
مکرر بر این دعا که در توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
حَقِّي مَعِي وَاِلَى مَعْنَى اَهْوَالِ لَكَ الْعَيْبِي مَتَى بَعْدَ اَخْرِي ثُمَّ لَا تَجِدُ
تاک و تا چند و مکرر بگوید از برای آن از آن توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
عِنْدِي صِدْقًا وَاِلَا وَاَفَاءً فَبِعَوْنِهِ ثُمَّ وَاَعُوْا بِكَ يَا اللهُ مِنْ هَوِي
نزد تو از دست تو در توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوِّي قَدْ اسْتَكْبَرَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدْ بَنَيْتَ لِي وَمِنْ لَيْسَ
که تحقیق عقیده کرده است بر او از دشمنان خود کرده است بر او از دشمنان خود کرده است
اَمَّا رِيَّ بِالسُّوْرِ اِلَّا مَا رَحِمْتَنِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اِنْ كُنْتُ رَحِمْتَنِي
بسیار بیکه در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَاِنْ كُنْتُ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السُّؤْلِ اَقْبَلْنِي ه
مشابه هر چه که در توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
يَا مَنْ اَزَلَّ اَعْرَفٌ مِنْ الْحَسَنِ يَنْبَغِي بِالنِّعَمِ صَبَاحًا وَاَوْسًا
از کسیکه بگذرد به شام از او میگویند از او میگویند روز و روز خدا را در توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
اَلرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ



۱۸۸
نَدَا
۲۰
اگر بخواهد
از توفیق تو در کار او بگذرد امید با تحقیق بر او که در توفیق او و او هم در توفیق تو بر او است
و اعضا است از
حرف حضرت از
ال
الطاف غیر و شناها
اوست از تارک
خواهد بود
مشیتان
و عجب بان عالی
خواهد بود
مشیتان
و عجب بان عالی
خواهد بود

بِرَمْنٍ ذَلِكِ أَقْصَى تَعْيِبِ التَّاعِبِينَ صَلَّكَ فِيكَ الصِّفَاتِ وَتَفَتَّحَتْ رُؤُوسُكَ
 بِرَبِّهَا بِعَمْدٍ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 النَّعْوُوتِ وَجَارَتْ فِي كِبَرِيَاتِكَ كَطَائِفِ الْأَوْهَامِ كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ
 تَهَا تَهَا وَدَرْجَتِ ثَلَاثَةً دَرْجَتِ كَوَاكِبِهَا فِي بَارِقِهَا فِيهَا الْمَجْمُوعَةُ فِي خِزَانَةِ الْأُولَى
 فِي أَوْلِيَّتِكَ وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ
 فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ وَمِنْ تَعْبُدِي فِي الضَّعِيفِ
 عَمَلًا لِلِسِّيمِ أَمْ لَا فَجِئْتِ مِنْ بَدِي سَبَابِ الْوَصْلَانِ الْإِمْوَاصِ وَصَلَّكَ
 فِي عَمَلِ يَزِيدُكَ فِي رَأْسِهِ وَبَدِي رَفَعَ بَدِي فِي سَبَابِ يَسِيرٍ مَا كَرِهَ لِي بِمَنْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عَصِمُ الْأَمْوَالِ الْأَمْعَصَمِ مَا أَنَا بِدِينِ عَفْوِكَ قَلْبِي عِنْدِي
 فِي رُبِّهِ الْغَايَةِ الْأَعْمَى وَتَهَارُ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ
 مَا أَعْتَدْتُ بِدِينِ طَاعَتِكَ وَكَثُرْنَا أَوْجُوحًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ
 إِجْرَائِي وَدَائِمُ فِي رُبِّهِ وَبَدِي رَفَعَ بَدِي فِي سَبَابِ يَسِيرٍ مَا كَرِهَ لِي بِمَنْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 عَفْوًا عَنْ عَثْوِكَ وَإِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَطَايَا
 كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ
 الْأَعْمَالَ عَمَلِكَ وَأَنْكَشَفَ كُلَّ مَسْئُورٍ ذُوْنَ خَبْرٍ وَلَا يَنْطُوقُ
 كَرَامَةَ عَمَلٍ لَمْ يَدَاخِلْ رَاغِبًا فِي تَعْبُدِي فِي سَبَابِ يَسِيرٍ مَا كَرِهَ لِي بِمَنْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 عَنكَ وَفَاتِنُ الْأُمُورِ وَلَا تَعْرَبُ عَنكَ غِيْبَاتِ السَّرَائِرِ وَقَدْ
 أَرْتُو بَارِكًا كَارِمًا وَغَايِبٌ يَكْرَهُ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ
 عَلَى عَدْوِكَ الَّذِي سَنَنْظُرُكَ لِغَوَابِي فَا نَظْرَتِي وَأَسْمَةٌ هَلَّكَ
 بِرَفْعِ رَفْعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى الْعِزَّةِ الْمُهَيْمِنَةِ وَأَعْتَدْتُ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ
 إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِاصْلَابِي فَأَمَّهَلْتُ فَأَوْقَعْتِي وَقَدْ هَرَبْتَ إِلَيْكَ
 مَا رَزَقْتَنِي مِنْ بَدِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ

مَوْجِدَةٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَوْجِدَةٌ وَكِبَارُ أَعْمَالٍ مُزْدِيَةٌ حَتَّى إِذَا قَارَفْتَ مَعْصِيَتَكَ وَاسْتَوْجَبْتَ
 كَرْهِي كَسْنَةً وَأَزْكَرُ كَرَامًا لَمْ يَكُنْ كَرَامًا إِلَّا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 لِيَوْمِ سَعْيِي مَعْتَكَ فَمَلَّ عَيْنِي عِزَادُ فَذَرَيْهِ وَقَلْقَابِي بِكَلِمَةِ الْكُفْرِ وَتَوَلَّى
 بِسَبَابِ سَعْيِي وَعَقْبِي فِي مَجِيدٍ لَمْ يَكُنْ مَجِيدٌ إِلَّا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 الْبِرَاءَةِ قَمِيٍّ وَأَذْرِي مَوْلِيٍّ عَيْنِي فَأَصْرَفْتَنِي فِي عَضْبِيكَ فَزَيْدٌ وَأَنْتَ جِي إِلَى
 وَتَزِيدُ لِي وَنَمْ وَبُرُوكْتِ عَيْنِ كَسْنَةً لَمْ يَكُنْ كَسْنَةً إِلَّا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 فَبَاءَ وَفَضْلِكَ طَرِيدًا لِشَفِيعِ يَنْفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا تَقْبَلْ بِي مَعْنِي عِلْمِيكَ
 رَحْمَةً تَهْتَمُ نِيَّةً تَهْتَمُ بِشَرِّكَ فَيُضْعِفُكَ شَعَاعَتُكَ بِرَبِّكَ وَتَهْتَمُ بِمَنْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 وَلَا حِصْنَ مَحْتَجِي عِنْدَكَ وَلَا مَلَادَ الْجَمِّ الْبَسْمَةَ مِنْكَ فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ عَلَيْكَ
 وَنَحْضَرَ قَلْبِي مَا نَزَلَ لِي نَوْمًا وَنَوْمًا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 وَجَمَلُ الْمُعْتَرِفِينَ لَكَ فَلَا يَصْبِرُونَ عَلَى فَضْلِكَ وَلَا يَقْضُونَ ذِيُونَ عَفْوِكَ
 وَجَاهِ عَزَاؤُكَ كَسْنَةً تَهْتَمُ بِشَرِّكَ فَيُضْعِفُكَ شَعَاعَتُكَ بِرَبِّكَ وَتَهْتَمُ بِمَنْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 وَلَا لَنْ تَحْبِبَ عِبَادَتِكَ النَّاشِئِينَ وَلَا أَلْفِظُ وَوَيْدَا الْإِمْلِينَ وَأَعْفِي لِي
 وَمَنْ يَكْرَهُ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ
 أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمْرٌ تَقْرَأُكَ وَتَهْتَمُ بِشَرِّكَ فَيُضْعِفُكَ شَعَاعَتُكَ بِرَبِّكَ
 لِي الطَّيِّبِ فَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّقْتُ وَلَا اسْتَشْفِيَهُ إِلَّا عَلَى صِيَامِي فَهَذَا أَوْلَى الْأَحْسَنِ
 بِرَأْسِهِ فَيَطَاوَأُ إِلَيْهِ بِرَبِّهِ فَتَعْبُدِي فِي سَبَابِ يَسِيرٍ مَا كَرِهَ لِي بِمَنْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 بِيَتَقَبَّلُونِي كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 بِرَفْعِ رَفْعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى الْعِزَّةِ الْمُهَيْمِنَةِ وَأَعْتَدْتُ لِي فِي رُبِّهِ الْمَادِيَّةُ كَمَا كَرِهَ لِي فِي رُبِّهِ
 هَلَّكَ وَكُنْتَ التَّوَسُّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِنَا فَلَمْ يَكُنْ مَعِي كَثِيرًا مَا عَفَلْتُ مِنْ فَعْلِكَ
 بِرَبِّكَ وَنَمْ وَبُرُوكْتِ عَيْنِ كَسْنَةً لَمْ يَكُنْ كَسْنَةً إِلَّا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي
 فَرَوْصَتِكَ وَتَعَدَّتْ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ أَسْمَتِكَهَا
 لَمْ يَكُنْ كَسْنَةً إِلَّا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي وَأَنْفِصَتْ مَدَامًا كَمَا يَنْبَغِي

وَكِبَارٌ

كبار ذنوبنا جنتهم كما كانت عاقبتك لي من فضائلها سترا وهذا مقام ه
دكان برزخيك كسبابها بود غایت تو من و از رسوا بهارها پرده و این مقام
من استحقاق النقیب منک و سخط علیها و رضی عنک فتلقات بنقض
کرات شرمند است بر او بود از تو چشم در در نظر خود و تو نشود در از تو بر این است بر
و رفیقه خاضعه و ظم منقل من الخطایا و اقبابین الرغیبه البک و الرغیبه
و کردن خضوع کنده و بخت / انبار کنان و حکایت ده میان غیب مورت و در سر
میتک و انت اولی من رجاء و احی من خشیه و اقیاء فاعطنی ارب
از تو و تو بهر بیزیکه امید بود بخت با شد و زاد از هر کس که سر زد از او و هر چه از او بر علیها
ما در حوت و اصبی ما حدت و عد علی بعاثک و در حینک انت اکرم المش
انچه از تو دارم و اینم کردن می از آنچه خدایم و در حینک بر من بعد و گفت خود بر سبک تو کم تر از تو
اللهم و ادسترنی بعقولک و تعدنی بفضیلک فی دار الفناء بحضرة
خداوند و چون بوش بندار بگو خود و فز و کز تو مو بفضله خود در سرافنا

الاکفاء فاجزنی من فضیلت دار البقاء
امثال بر سینه ده مه از رسوا بهار سراسر نفی
عند موافق الا شهداء من الملائکه المقربین
نزد ایت و کان حاضران از فرشتگان مقربان
و الرسول المکرّمین و الشهداء و الصالحین
در سولان کرام و ائمه صلوات و شهیدان و صالحان
من جارتک اکامه سبانی و من ذی کم
از جمله که بود چنین و سر بخت ندیم کنان خود بود از خود
کنت احلتم منک فی سربانی لم ابق
که بود که شرم در چشم که او در کار ما بر نهانی خود و در کار ما
ریت فی السیر علی و وفقت بک و رب فی
از هر دو کار در بوشن بر خود و در کار ما بود و در کار ما



لی و انت اولی من وثوق به و اعطی من رغب الیه و اذوف من استرح
از او تو بهر بیزیکه امید بود غایت تو من و از رسوا بهارها پرده و این مقام
فاد حنی اللهم و انت حدی منی ماء مهینا من صلب متضایق العال
بر رحم که بود خداوند از تو با بین از دره مویان غار و حیر از پشت تو درم رفته استخو الهام
حرج للسائل الی دیم حقیقه سترها با او بخت بر منی خالی عن حال
و حکایت راهها بر سر هر کس که بخت / بخت بر منی خالی عن حال
حق انهمیت لی الی تمام الصوره و ایتت فی الجوارح کما نعت فی کمال
تا اینکه در بندار می نام شدن مورت و نامت کردانه در درم اعصفت جنت و وصف نود و نون
نقطه نه علقه شرم مضغه شرم عظاما نه کسوت العظام کما شتم
اول تلف بر سر که با هم خودی بر لاله با هم کوشش بر لاله با هم کوشش بر لاله
انسانی خلفا احرم کما شتمت اذا احسنت الی و زلفک و کما استغن
از هر دو خلق که بر جنبه خواست از ما نیکه همچو شرم بر روز زلف و با ناز نمودم

عن غیبات فضلک جعلت لی قوتاً
از فریاد در سر فضل تو که کرد ایندر بر افر قوت
من فضل طعام و شراب اجریه
از زبانه خوردن و آن میده و جوارح خود بود
اللی استکننی حوقها و اذعتنی
در ساکنی کرد اینده بود در سر او و امانت که نه بود
قران در جها ولو تکلی اربت فی ک
در فرارگاه رحم او و اگر و امیکه از شرم مطا از در کار ما
الحالات الی حوقی او تصطر فی
حاله که بود قدرت من با ما جاربیل حن مه
الی حوقی لکان اللول عنی معترلاً
بر سر قوت من از هر دو قوت از هر دو قوت از هر دو قوت





وَلَكَانَ الْعَوَّةُ مَتَى بَعْدَهُ فَعَدُوِّي بِفَضْلِكَ غَدَاةَ الْبَرِّ الْلطِيفِ
و در این بود وقتی که در صورتی که در غدا دارم غدا دارم همان از او نظر
تفعل ذلك في نطق لا على الى غائبى هذه لا اعدم ترك ولا ابطى
مکن اینها را با هم از دور نظر کن من بسوی ما چون اینست معده میکند از دور نظر
في حشر صبيعتك ولا انا كذمت صبيعتك ولا انا كذمت ذلك بقتل
بمن سئو احسن تو در حکم است با وجود این احسن است با وجود این احسن
فانفزع لما هو اخطى عيذك فذمك الشيطان غيبي في سورة
بر من در از من با هم در از من است بر من در از من است بر من در از من است
و ضعيف البقين فاذا اشكوا سؤا و نجوا و يدبى و طاعة نصني كما و استمع
و دست بر اینها را با هم در از من است بر من در از من است بر من در از من است
من ملكية و انصرف اليك في ان تفعل الي دن في سبيلك فلك الحمد على
از نظر اول و در از من است بر من در از من است بر من در از من است

ابتدائك بالنعيم الحسام
ابتدا کردن تو بنعیم حرام
والانعام فصل على حمد
و الانعام بر رحمت بر رحمت
تظننى بنقد برك الى
تظن کردی با نفاذ و کردی در این
لى وان تحمل ما ذهب
لی و آن تحمل ما ذهب
طاعتك انت خير الدين
طاعت تو بر من سئو تو بر من سئو
تغالطت بها على من حسنا
غلط کردی در اینها را بر من سئو



عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ نَارِ نُورِ
از رضایت تو و از نور
و بعد ما قريب و من نار
و بعد ما قریب و از نور
بعضها على بعض من نار
بعضها بر بعض از نور
اهلها حيا و من نار
اهلها حیا و از نور
رحمة من استعطفها
رحمتی که استعطفها
عن خشع لها و استسلم
از خشوعی که استعطفها
لذنها من ألم النكار
لذنها از درد تنگی

يك من عطار جبا الفاعر كوا
یک من عطر جبار الفاعر که
شرابها الذي يقطع امعاء و
شرابها الذي قطع امعاء و
استهديتك لما بعد منها و اخر
استهدیت تو لما بعد منها و آخر
والبر اجرتي منها بفضل رحمتك
و البر اجرتی منها بفضل رحمت تو
و اتخذتني باخبر المحبين انك
و اتخذت منی باخبر المحبين ان تو



وَقَفَعْنَا لَكُمْ ذِكْرَنَا وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
وَقَدْ عَلِمْتُمْ لِقَاءَ رَبِّكُمْ
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ الْبَلَدُ
وَالرَّهْمَانُ صَلَوَةَ لَابِقِطْعَةٍ مَدَامَا
وَرَجَعَتْ بِنُورِهِ وَالْأَجْمَلُ كَمَنْ يُوَدِّعُ
وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ خَبِيرٌ
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِقَدْرِ صَلَوَاتِهِ لِأَجْلِهَا
بِرَادِ وَالْأَوْثَانِ بِمَنْزِلَةِ خَيْرِ الْأَوْثَانِ

وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِقَدْرِ صَلَوَاتِهِ

خاتمه است

سزاوار است و بسیار برای نماز که اندک ملاحظه
ذکرهای نماز و دعاها را با احتیاط بخواند یا شوره
سران و تعقیبها را با احتیاط بخواند یا شوره
اروزها را با احتیاط بخواند یا شوره
زبان و ملاحظه تعاقب که تصدیق کرده شده است
انها را پس بوی با شد حال او مثل حال هر یک که
کلام فارسی بوی با شد حال او مثل حال هر یک که
انها را پس بوی با شد حال او مثل حال هر یک که



و بعد از
همین معانی
تمام آنچه میگوید
که در این کتاب
مکتوبه و نقل
عقاید
اعضا و جوامع
بجای در این کتاب
که در این کتاب
مکتوبه و نقل
عقاید
اعضا و جوامع
بجای در این کتاب
که در این کتاب

حَالِ أَوْ مِثْلَ خَالٍ سَابِحِي بِأَمْضُوعِ هِرَكَاهِ
مَعْنَى أَوْ مِثْلَ خَالٍ سَابِحِي بِأَمْضُوعِ هِرَكَاهِ
بِأَلْفَاظِ الْبَيْنِ آمَنُوا بِالْآخِرَةِ وَالصَّلَاةِ
وَأَنْتُمْ سَكَارٌ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ
وَقَعَائِدُ كَرَاهِيَّةٍ
بِأَلْفَاظِ الْبَيْنِ آمَنُوا بِالْآخِرَةِ وَالصَّلَاةِ
وَأَنْتُمْ سَكَارٌ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ
وَقَعَائِدُ كَرَاهِيَّةٍ
بِأَلْفَاظِ الْبَيْنِ آمَنُوا بِالْآخِرَةِ وَالصَّلَاةِ
وَأَنْتُمْ سَكَارٌ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ
وَقَعَائِدُ كَرَاهِيَّةٍ

از ذکرهای نماز
و تلاوت
و غیره

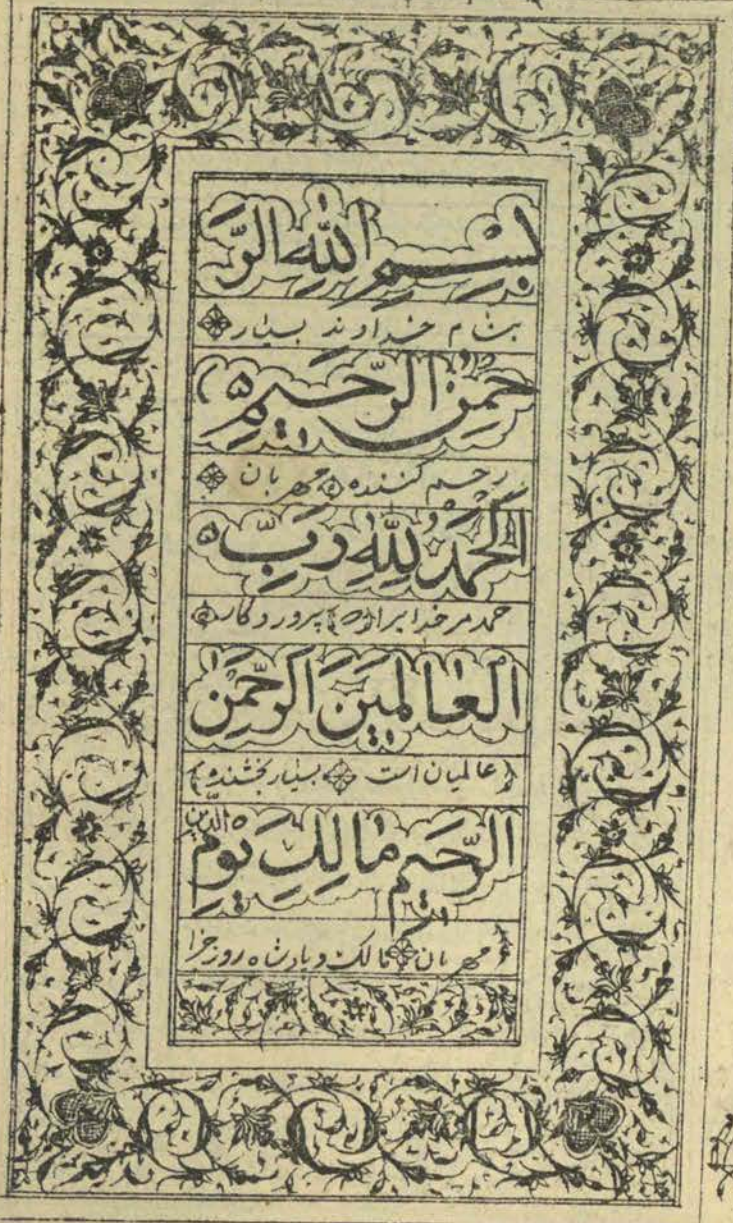
بعنوان

از تعقیبات و تحقیق که ختم کردیم کتاب را
بمعنی فایده که برای امتداد بیستی خاتمه
در برای اینکه بوده باشد هیچ آنها را
میشود و وقایع و پیش از آن و بعد از آن
از آنچه ذکر کردیم از آن که در این کتاب تعقیب
کرده شد شرح کرده شده اسنان و از آن
ان بر بندگان دین و دستاورد
و بخند و در این کتاب
نار و غیره



و بعد از
همین معانی
تمام آنچه میگوید
که در این کتاب
مکتوبه و نقل
عقاید
اعضا و جوامع
بجای در این کتاب
که در این کتاب
مکتوبه و نقل
عقاید
اعضا و جوامع
بجای در این کتاب
که در این کتاب





بِسْمِ اللَّهِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده و مهربان

حمز الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

حمد خدا را بر او که پروردگار ما است

الغالبين الرحمن الرحيم

در عالمیان است بخشنده و مهربان

الرحيم مالك يوم الدين

مهربان مالک روز قیامت است

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم خداوند بخشنده و مهربان



اَبَاكَ مَعْبُودًا

ترا عبادت میکنم و از حضرت تو

لَسْتَعِينُ اهْدِنَا

یار من شو که مرا راهی را که

الصراط المستقيم

سوی تو درست و طریقی را که مستقیم است

صراط الذین انعمت عليهم

صراطی را که بر کسانی که تو بر ایشان

الذین انعمت عليهم لا يضلون

تو نعمت فرموده باشی گمراه نمیگردانند

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم خداوند بخشنده و مهربان

۲۲

رخسب بود

بنجایان

علاقه

صنمها

سعی اهل

الحاج محمد

هر یک

نقل

وین

شهر

۲۵
بسم الله الرحمن الرحيم

دماغ مرده مطبوعه از کتب مطبوعه در شهر تبریز



ناما که این کتاب
 شریف مفتاح الفلاح
 با حاشیای مختصره مفیده که مرخوزه آقا
 بر آن نوشته اند هرگاه کافر خلق بهما ابر و ظفر
 زد هر شبانه روز یک بنسب و چهار ساعت عمل
 نمایند امید هست که از ماسوی الله بگریزند و از جهل
 بندها که مقررین حضرت واجب الوجود گردند و محو
 ابدیه و فتنه زاعمه خود را برسانند انشاء الله
 و هر که طالب این نسخه که بمنزله کیمیا حقیقه
 بوده باشد در هر روز صد مرتبه در هر روز
 در دالون کتاب رویت
 در دکان
 احمد اسعدی نایب
 در دکان